



نشریه مجاہدین ★ خلق ایران

سال پنجم - پنجشنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۳ - شماره ۱۰۰ (بال) (خارج کشور معادل یک دلار)

شماره ۲۰۶

مصاحبه

برادر مجاهد مسعود رجوی

با "اونیته" ارگان حزب

سوسیالیست فرانسه

در صفحه ۱۴

به یاد ۱۷ مجاهد دلیری که  
بر فراز چوبه‌های دار  
در زندان شهید پرچم آزادی  
ورهائی را برافراشتند

در صفحه ۱۱

### شرکت برادر مجاهد مهدی ابریشمچی در رأس هیئتی از

### سازمان مجاهدین خلق ایران در کنگره سراسری حزب لیبرال آلمان فدرال

در صفحه ۳



برادر مجاهد مهدی ابریشمچی عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران در دیدار با هانس دیترش گنشر معاون صدراعظم، وزیر امور خارجه و رهبر حزب لیبرال آلمان فدرال

## پیام مسئول شورای ملی مقاومت

### به کارگران و کارکنان صنایع نفت

نفتگران آگاه و انقلابی ایران،  
کارگران و کارکنان مبارز صنایع نفت؛  
بحران‌ها و بن‌بست‌های متعدد رژیم سرکوبگر و جنگ‌طلب  
خمینی پیوسته شدت می‌یابد و حتمیت سقوط این رژیم ضدبشری  
و ضدایرانی را گواهی می‌دهد.  
در پی بحران جنگی اخیر در خلیج فارس که بمثابة یکی از  
پیامدهای سیاست جنگ‌افروزانه‌ی خمینی همچنان ادامه دارد،  
توان رژیم او برای صدور نفت و به تازگی دادن منابع طلای سیاه  
کشور، در حال حاضر به میزان چشمگیری کاهش یافته و به این  
ترتیب، یکی از پایه‌های استمرار حکومت نامشروع و ضد مردمی او  
(یعنی درآمد نفت) به لرزه درآمده است. چنانکه می‌دانید  
درآمدهای حاصله از حراج نفت ارزان در بازارهای بین‌المللی  
بیش از ۹۰٪ بودجه‌ی رژیم خمینی را تشکیل می‌دهد و مشخصاً  
حدود ۲۰٪ آن برای تامین هزینه‌های "جنگ خارجی" و "سرکوب  
داخلی" یعنی دو پایه‌ی مهم دیگر حکومت ننگین خمینی،  
بهمصرف می‌رسد. بنابراین روشن است که ادامه‌ی محرومیت  
خمینی از حداکثر درآمد نفتی و آثار زنجیره‌ای ناشی از آن  
می‌تواند دیگر ارگان حکومت او را نیز بطور جدی متزلزل سازد و  
بقیه در صفحه ۲

## حمایت‌های بین‌المللی از سیاست‌های صلح خواهانه شورای ملی مقاومت

- \* قطعنامه و نامه رئیس حزب لیبرال سوسیالیست سوئیس به برادر مجاهد مسعود رجوی در دفاع از مواضع شورای ملی مقاومت و محکومیت رژیم
  - \* سوال از دولت انگلیس توسط نمایندگان مجلس اعیان از حزب کارگر، در مورد رابطه نظامی با ایران و نقض حقوق بشر در این کشور
  - \* قطعنامه حزب لیبرال انگلیس در پشتیبانی از شورای ملی مقاومت
  - \* قطعنامه جوانان لیبرال ایتالیا
  - \* هند \* نروژ
- در صفحه ۱۳

## زندان وزندانی

سلسله خاطرات

گزارشات و نوشته‌هایی از  
زندانیها و شکنجه‌گاههای  
رژیم ضدبشری خمینی  
گزارش دوم  
(زندانیان - قسمت ششم)  
در صفحه ۷

## بودجه سال ۶۳ خیانت عظیم يك رژیم

### فقر و ستم‌زدگی يك خلق (۱)

\* از آنجا که اولویت درجه‌ی اول برای رژیم، ادامه‌ی جنگ و  
به تبع آن تامین هزینه‌های آن است و از آنجائی که ارقام مربوط  
به هزینه‌های جنگی در مقایسه با سایر هزینه‌ها، فوق‌العاده زیاد  
بوده و اساساً با ارقام نجومی قابل بیان است لذا تنها هزینه‌ای  
که رژیم قادر نیست تمامی آنرا از محل درآمدهای خود تامین کند،  
هزینه‌های جنگ می‌باشد.

در صفحه ۵

### در صفحات دیگر:

- \* اطلاعیه مطبوعاتی دبیرخانه شورای ملی مقاومت درباره برگزاری مراسم "برزگداشت مقاومت در کردستان ایران"
- \* شهادت کاک عبدالله بهرامی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
- \* اطلاعیه واحد تحقیق شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران
- \* اخبار کوتاه
- \* افزایش حوادث و سوانح اسفبار کارگری در رژیم خمینی
- \* کمبود مسکن و خوابگاه مشکل روز دانشجویان و مسئلای برای رژیم
- \* گزیده مطبوعات جهان

### هراس رژیم

## از واژه «زندانی سیاسی»!

\* چه واژه‌ی "زندانی سیاسی" چه "تروریست  
و ضدانقلاب" برای همگان، از یکسو جنایتکاری و  
شقاوت پیشگی بی‌حد و مرز جلادان و شکنجه‌گران و  
زندانیان رژیم خمینی نسبت به زندانیان سیاسی را  
یادآوری می‌کند و از سوی دیگر مقاومت شکوهمند و  
خاموش ناشدنی یکصد و بیست هزار زندانی مجاهد و  
مبارز را در سراسر میهن و در اقصی نقاط جهان  
طنین انداز می‌نماید.

در صفحه ۲۲

## "آزادترین پارلمان دنیا"؟! و

## "آزادترین نمایندگان دنیا"؟! و

\* خمینی از چند طریق از جمله دستور شرعی از  
نوع "ولایت فقیه" آن، و ادار کردن اعضای مجلس  
به کنترل یکدیگر، حل و فصل اختلافات در خارج از  
"مجلس"، و از همه مهمتر نشان دادن لبه‌ی تعقیب  
و تعزیر "قوه قضائیه"، از هم اکنون بزرگترین  
دهان بندهارا به نمایندگان "انتخابات آزاد"ش  
زده است!

در صفحه ۱۰

## پیام مسئول شورای ملی مقاومت به کارگران و کارکنان صنایع نفت

بقیه از صفحه اول

نفران آزاده‌ی ایران؛

در شرایط کنونی کشور، جلب توجه همگان به بن‌بست‌ها و عمق مشکلات سیاسی - اقتصادی که در رابطه با صدور نفت، گریبانگیر رژیم خمینی است؛ یک وظیفه‌ی مبرم ملی و انقلابی محسوب می‌شود. چرا که این بن‌بست‌ها چشم‌انداز سقوط محتوم این رژیم و استقرار صلح و آزادی در میهن اسیر ما را پیوسته درخشانتر نموده و اراده‌ی عمومی برای مقاومت را صیقل می‌زند. علیهذا، این وظیفه‌ی مخصوص بر عهده‌ی شما کارگران و کارکنان و متخصصین صنایع نفت ایران که در اواخر دوران شاه با اعتصابات گسترده‌ی خود کاری‌ترین ضربات را بر پیگر رژیم در حال انقراض او وارد آوردید؛ می‌باشد. البته بدیهی است که فعلا در شرایط اختناق تقریبا مطلق، تدارک اعتصابات گسترده و حرکات روشنگرانه‌ی علنی و وسیع، میسر نیست. همچنین مسلم است که اینبار جاده‌ی سرنگونی رژیم خمینی اساسا از طریق مقاومت و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی و سازمان‌یافته باز می‌شود؛ اما در عین حال نقش مکمل و بسیار ضروری و بسیار ارزنده‌ی اعتراضات و اعتصابات صنفی و اجتماعی را، ولو بطور پراکنده و موضعی، نباید از نظر دور داشت. بخصوص در اوضاع و احوال کنونی هرگونه کم‌کاری و یا اعتراضات پراکنده و انواع و اقسام اقدامات کارگران و کارکنان رزمنده‌ی صنایع نفت کشور به‌منظور گاستن از توان رژیم خمینی، در هز بردن و ائتلاف ذخایر نفتی کشور که در حقیقت بهای خون مردم ایران است؛ بسیار حائز اهمیت می‌باشد و در حد توان، هیچ فرصتی را - هرچند محدود و موضعی - نباید در این رابطه از دست داد.

در همین جا به اطلاع می‌رسانم که در سطح بین‌المللی نیز شورای ملی مقاومت طی اقدامات گسترده‌ی خود در مجامع مختلف بین‌المللی و در رابطه با دولت‌های مختلف جهان، با تشریح خفکان حاکم بر کشور و با تأیید بر عدم مشروعیت رژیم ضد‌مردمی خمینی - که زبانی جز زبان قدرت نمی‌فهمد - بایکوت نفت خمینی و تحریم هرگونه حمایت مستقیم و غیرمستقیم از او بویژه از جهت نظامی و تسلیحاتی را در خواست کرده است.

شورای ملی مقاومت امیدوار است با هماهنگی مبارزات داخلی و تلاش‌های بین‌المللی مقاومت ایران و بدیشتوانه‌ی رنج و خون شهیدا و اسرا و رزمندگان قهرمان مبارز و مجاهد و پیشمرگ این میهن ستم‌دیده؛ ندای صلح خواهی و آزادی‌طلبی ملت ایران بیش از پیش در سراسر ایران و جهان طنین‌افکن شده و با کاهش هرچه بیشتر درآمد نفتی رژیم خمینی، راه پیروزی و آزادی و احراز حاکمیت ملی و مردمی هموارتر گردد.

ذخائر و منابع ملی وطن ما، ودیعه‌ها و پشتوانه‌های رهایی و پیشرفت نسل‌های کنونی و آینده است. اما خمینی درآمد نفت را اساسا در خدمت سرکوب و ویرانی و گشتار بکار می‌برد. پس بایستی دست او را از این درآمد بهر ترتیب و با هر وسیله و اقدام متناسب، هرچه کوتاهتر نمود.

مرگ بر خمینی  
پیش بسوی صلح و آزادی  
مسئول شورای ملی مقاومت  
مسعود رجوی  
۱۴/خرداد/۶۳

این حقیقتی است که شخص خمینی و عوامل درجه‌ی اول حکومت او بشدت می‌گوشند تا آن را از معرض توجه افکار مردم ایران بدور داشته و پنهان نگهدارند. حال آنکه بسیاری از کارشناسان بین‌المللی نیز بر این نظرند که ادامه‌ی چنین وضعیتی برای رژیم خمینی، ولو برای چند ماه، در حکم "خفگی" و نقطه‌ی عطفی در مسیر سرنگونی آن بشمار می‌رود.

از طرف دیگر رژیم خمینی گماکان به‌منظور احتراز از صلح و ادامه‌ی سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌اش حتی از انعقاد قراردادهای محدود در زمینه‌ی ممنوعیت بمباران و گلوله‌باران شهرها و غیرنظامیان و آزادی‌گشتیرانی در خلیج فارس و یا ممانعت از آلودگی محیط‌زیست آن و به‌هدر رفتن نفت از چاههای آسیب دیده، سرباز زده و به رجز خوانی‌های مبتذل و دعوی "معجزات" صنعتی در مهارچاههایی که هر روز هزاران بشکه از نفت آن به دریا ریخته و می‌ریزد، بسنده کرده است. به این ترتیب رژیم خمینی در عجز و بن‌بست کامل، برای تدارک ماجراجویی‌های خونبار دیگری در جبهه‌ها تلاش می‌کند و بی‌اعتنا به کلیه‌ی معاهدات و قواعد بین‌المللی، همچنان تهدیدات پوچ و توخالی خود مبنی بر احتمال دست یازیدن به انسداد تنگه‌ی هرمز را تکرار می‌نماید. حال آنکه در صورت بسته شدن این آبراه، نخستین قربانی آن، رژیم متزلزل و نامشروع خمینی خواهد بود؛ رژیمی که بدون درآمد نفت و واردات مستمر کالاهای اولیه، هرگز قادر به ادامه‌ی حکومت نیست.

### دیدار عضو هیئت اجرایی و دبیر ملی حزب سوسیالیست

#### فرانسه با مسئول شورای ملی مقاومت

بقیه از صفحه آخر

خمینی و تحولات جبهه‌های جنگ و همچنین افت شدید درآمدهای نفتی رژیم خمینی را مورد ارزیابی قرار دادند و آقای موچان با فعالیت‌های جهانی شورا پیرامون طرح صلح و درخواست شورای ملی مقاومت برای تحریم نفتی و قطع هرگونه حمایت از رژیم خمینی آشنا گردید. در خانمه آقای موچان با آرزوی صلح و دمکراسی برای مردم ایران، متذکر گردید که رابطه‌ی طبیعت اسلامی و الهامات سوسیالیستی و دمکراتیک مجاهدین را بسیار جالب توجه یافته است. وی تأکید نمود که تا آنجا که به حزب سوسیالیست فرانسه مربوط می‌شود، رهنمود هدایت‌کننده‌ی سیاست خارجی این حزب، استقبال از کلیه‌ی ابتکاراتی است که بسوی دمکراسی و صلح راه می‌برد. او این اصل را زبان رسمی و مشروع دولت سوسیالیست توصیف نمود.

به اوضاع و امور ایران می‌باشد. در دیدار هفته‌ی گذشته، ابتدا مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی، از سوی مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران از مواضع صریح آقای موچان و GENES (مرکز مطالعات و تحقیقات درباره‌ی اقتصاد و سوسیالیسم) نسبت به امر خطیر صلح و دمکراسی در ایران قدردانی کرده و آنگاه اوضاع کنونی ایران، وضعیت مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، برنامه و ترکیب شورای ملی مقاومت، طرح صلح شورا و طرح شورا برای خودمختاری کردستان ایران؛ آلترناتیوهای مفروض برای ایران بعد از خمینی و موقعیت تنها آلترناتیو دمکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت را تشریح نمود و درباره‌ی شعارهای استراتژیکی مقاومت یعنی "صلح و آزادی" توضیح داد. طرفین آنگاه سیاست جنگی

### اطلاعیه مطبوعاتی دبیرخانه شورای ملی مقاومت

#### در باره برگزاری مراسم "بزرگداشت مقاومت در کردستان ایران"

مسئول شورای ملی مقاومت همچنین در پیام خود از پرسنل آگاه و میهن‌پرست ارتش خواست که "تمام مساعی خود را برای خنثی کردن جنگ‌افروزی خمینی علیه مردم کردستان بکار برند و عناصر ناسآگاه را از مشارکت در سرکوب هموطنان گردمان بازدارند."

دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت  
۲/ژوئن/۱۹۸۴  
۱۲/خرداد/۱۳۶۳

مجاهد: متن کامل پیام  
مسئول شورای ملی مقاومت و نیز گزارش برگزاری مراسم بزرگداشت مقاومت در کردستان ایران در کشورهای مختلف در شماره‌ی آینده از نظرتان خواهد گذشت.

توجه شخصیت‌ها و مجامع جهانی مدافع حقوق بشر را نسبت به نقش مستمر حقوق بشر در سراسر ایران و بویژه قتل‌عام مردم کردستان جلب نمود و خواستار افشا و محکومیت رژیم خمینی از سوی این مجامع گردید. مسئول شورای ملی مقاومت با اشاره به عملیات گسترده‌ی مقاومت طی سال گذشته در کردستان و تصویب طرح خودمختاری کردستان در شورای ملی مقاومت خاطر نشان کرد که رخدادهای سال گذشته، چه از نظر نظامی و چه از نظر سیاسی، نشان داد که برحلاف تبلیغات دروغین خمینی، مقاومت کردستان همانند مقاومت سراسری همچنان زنده و فعال بوده است.

امروز بعد از ظهر (۲ ژوئن برابر با ۱۲ خردادماه) به منظور گرامیداشت مقاومت کردستان ایران مراسم "بزرگداشت مقاومت در کردستان ایران" همزمان در پاریس (فرانسه) و استکهلم (سوئد) برگزار می‌شود. روز گذشته (اول ژوئن برابر با ۱۱ خردادماه) نیز به همین مناسبت مراسمی در لوس آنجلس (آمریکا) برگزار شد که مورد استقبال هموطنانمان قرار گرفت. همچنین در طول هفته‌ی اول ماه جاری، مراسم مشابهی در کشورهای انگلستان، ایتالیا و آلمان برگزار خواهد گردید. به همین مناسبت مسئول شورای ملی مقاومت طی پیامی

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی



## شرکت برادر مجاهد مهدی ابریشمچی در رأس هیئتی از سازمان مجاهدین خلق ایران

### در کنگره سراسری حزب لیبرال آلمان فدرال

- \* در جریان برگزاری کنگره حزب لیبرال آلمان هیئت نمایندگی سازمان مجاهدین با برخی رهبران حزب لیبرال آلمان دیدار و گفتگو کرد.
- \* برادر مجاهد مهدی ابریشمچی ضمن دیدار با رهبر حزب لیبرال انگلیس از تصویب قطعنامه‌ها و خیرات حزب در حمایت از شورای ملی مقاومت و طرح صلح شورا تشکر نمود.
- \* هیئت نمایندگی سازمان مجاهدین خلق ایران، در دیدار با هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف به تشریح جنگ‌افروزی‌های خمینی و نقض شدید حقوق بشر در ایران پرداخت.



هیئت نمایندگی سازمان مجاهدین خلق، از راست به چپ: بهرام معیری، نادر رفیعی نژاد مهدی ابریشمچی و هارون هاشمی

حزب لیبرال آلمان فدرال یکی از سه حزب ائتلافی است که دولت آلمان را تشکیل داده‌اند. این حزب بعد از جنگ جهانی دوم تأسیس شد و اولین صدراعظم آلمان از این حزب بوده است. در دولت کنونی آلمان وزرای خارجه، اقتصاد و دادگستری متعلق به حزب لیبرال هستند و در این میان وزرات خارجه‌ی آلمان طی ۱۴ سال گذشته بوسیله‌ی وزرای لیبرال اداره شده است. تعداد نمایندگان حزب لیبرال در مجلس این کشور ۳۵ نفر می‌باشد. حزب لیبرال آلمان فدرال سال گذشته بیانیه‌ای در مورد وضعیت ایران، صادر نمود که طی آن خواهان پایان جنگ ایران و عراق گردیده و مخالفت خود را با ادامه‌ی جنگ اعلام نمود. در این بیانیه نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم خمینی نیز، محکوم شده و حزب لیبرال خواستار پایان اعدام‌ها و نقض حقوق بشر در ایران گردید. همچنین جوانان حزب لیبرال نیز طی قطعنامه‌ی جداگانه‌ای نقض حقوق بشر در ایران را محکوم نموده‌اند.

سی و پنجمین کنگره‌ی سالانه و سراسری حزب لیبرال آلمان فدرال در روزهای اول تا سوم

حقوق بشر را در شرایط کنونی ایران یادآوری نمود. لازم به یادآوری است که: آقای گنشر خود در سخنرانی افتتاحیه‌ی کنگره، ارتباط تجزیه‌ناپذیر امر صلح با آزادی و حقوق بشر را در سراسر جهان متذکر گردیده بود. اعضای هیئت در روز ۱۲ خرداد (۲ ژوئن) ملاقات‌های دیگری با مسئولین حزب لیبرال آلمان و همچنین با برخی از نمایندگان و هیئت‌های شرکت‌کننده از سایر کشورها منجمله هیئت نمایندگی نروژ و آقای "پر-اولاف هانسن" رئیس حزب لیبرال سوئد به عمل آوردند و با آنان پیرامون اوضاع جنگ ایران و عراق و نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی و موقعیت مقاومت ایران گفتگو نمودند. در روز پایانی کنگره (۱۳ خرداد) برادر مجاهد مهدی ابریشمچی با آقای دیوید استیل رهبر حزب لیبرال انگلیس و آقای "تام دیل" مسئول روابط بین‌المللی این حزب دیدار کرد. وی از آقای استیل و حزب لیبرال انگلیس بخاطر محکوم نمودن مکرر رژیم خمینی و پشتیبانی از شورای ملی مقاومت... و همچنین حمایت این حزب از



دیدار برادر مجاهد مهدی ابریشمچی با "ولف گانگ می‌شینگ" رئیس فراکسیون پارلمانی حزب لیبرال آلمان و معاون اول رهبر حزب



برادر مجاهد مهدی ابریشمچی در دیدار با "دیوید استیل" رهبر حزب لیبرال انگلیس

طرح صلح شورا، تشکر کرد. متقابلاً آقای استیل از دیدار با هیئت نمایندگی مجاهدین ابراز خوشحالی نمود و استقرار صلح و آزادی در ایران را آرزو کرد. کنگره‌ی حزب لیبرال آلمان غربی در روز سوم ژوئن (۱۳ خرداد) با سخنرانی رهبران لیبرال اروپائی و از جمله رئیس لیبرال‌های اروپا، رئیس لیبرال‌ها در پارلمان اروپا و گروهی دیگر از رهبران احزاب لیبرال اروپائی منجمله "دیوید استیل" خاتمه یافت.

مشروعیت رژیم خمینی و موقعیت تنها آلترناتیو دمکراتیک (شورای ملی مقاومت) را برای مقامات حزب لیبرال آلمان توضیح داد. در پایان نخستین روز برگزاری کنگره، برادر مجاهد مهدی ابریشمچی با آقای هانس دیتریش گنشر رهبر حزب لیبرال و وزیر خارجه و معاون صدراعظم آلمان دیدار کرد و ضمن آن با اشاره به سفر احتمالی ایشان به ایران، ضرورت توجه اکید به مسائل حیاتی مربوط به صلح و آزادی و

و رئیس این حزب در استان بارن ویتن برگ)، "والتر راش" (رئیس حزب لیبرال در برلین) و جرالددیکه (مسئول روابط خارجی حزب لیبرال آلمان) دیدار نمود و با آنان پیرامون نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی، ادامه‌ی جنگ خانمانسوز ایران و عراق و ضایعات انسانی و اقتصادی آن و همچنین تهدیدات این جنگ برای صلح منطقه و جهان گفتگو و تبادل نظر کرد. در این دیدارها برادر مجاهد مهدی ابریشمچی فقدان ثبات و عدم

برادران مجاهد نادر رفیعی نژاد، هارون هاشمی و بهرام معیری در این کنگره شرکت نمودند. در نخستین روز کنگره هیئت نمایندگی سازمان مجاهدین خلق ایران مورد استقبال مسئولین روابط خارجی حزب لیبرال قرار گرفت. آنگاه برادر مجاهد مهدی ابریشمچی با آقایان ولف گانگ می‌شینگ (رئیس فراکسیون پارلمانی حزب لیبرال آلمان و معاون اول رهبر حزب)، "یورگن مورلوک" (معاون دوم حزب لیبرال آلمان

ژوئن ۱۱ تا ۱۳ خرداد) در شهر مونستر آلمان غربی برگزار گردید. در این کنگره رهبران حزب لیبرال، نمایندگان این حزب در پارلمان و نمایندگان بخش‌های مختلف حزب از سراسر آلمان شرکت داشتند. همچنین نمایندگان دیگر احزاب لیبرال اروپا و هیئت‌هایی از کشورهای مختلف جهان به این کنگره دعوت شده بودند. بدعوت حزب لیبرال آلمان، برادر مجاهد مهدی ابریشمچی عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران، در رأس هیئتی متشکل از

## اخبار کوتاه

### اخبار واحدهای عملیاتی

به نقل از اطلاعیه ستاد عملیات مجاهدین خلق

#### استان های شمال و شرق کشور

ساعت ۸ بعد از ظهر روز اول خردادماه جاری، رزمندگان مجاهد خلق یکی از عناصر مزدور و جاسوس سپاه ضد خلقی مشهد بنام محمد میرزاخان را در خیابان راهنمایی مشهد، مورد تهاجم انقلابی قرار دادند. مزدور نامبرده بشدت زخمی شده و در آستانه مرگ قرار گرفت. میرزاخان مزدور، از رابطین فعال سپاه ضد خلقی در منطقه "راهنمایی" مشهد بوده و در دستگیری و شهادت چند تن از مجاهدین خلق شرکت داشت و به همین دلیل پیش از این عملیات، در سال ۶۰ نیز مورد تهاجم انقلابی رزمندگان مجاهد خلق قرار گرفته بود. رزمندگان واحد عملیاتی پس از انجام عملیات، سالم به پایگاه خویش بازگشتند.

### تیرباران ۱۱ تن از اسرای مجاهد خلق

#### در زنجان

در اواخر اسفندماه سال گذشته، جلادان رژیم ضد بشری خمینی، یازده تن از اسرای مجاهد خلق را که از مدتها پیش در اسارت مزدوران رژیم بسر می بردند، به جوخی تیرباران سپردند.

اسامی ۲ تن از این شهدا که تاکنون بدست ما رسیده است؛ مجاهدین شهید هادی گرمی و مهدی توفیقی می باشد. هر چند مزدوران جنایتکار رژیم این بار نیز از اعلام اسامی این شهدا و تحویل اجساد آنها به خانواده هایشان خودداری کردند؛ اما خبر این جنایت در سرتاسر شهر پیچید. مردم اطلاع یافتند که یازده جسد که هر کدام داخل کیسه های پلاستیکی پر از خون، در گوشه ی غسلخانه بر روی هم چیده شده اند، مربوط به اسرای مجاهد خلق می باشند که در سحرگاه همان روز تیرباران گشتند.

لازم به توضیح است که در مراسم شب هفتی که خانواده ی چند تن از این شهدا برای فرزندان مجاهد خود برگزار کرده بودند، علیرغم اختناق سنگین در شهر، تعداد کثیری از مردم زنجان شرکت کرده و خشم و انزجار خود را از رژیم ضد بشری خمینی ابراز نمودند.

### آوای شوم جنگ

\* محسن رضائی سرکرده ی سپاه ضد خلقی خمینی: "ما تا زمانی که یک بعثی در عراق وجود دارد باید جنگ را ادامه دهیم تا این سد از مقابل انقلاب اسلامی برداشته شود." (رادیو رژیم - ۱۱/۱۱/۶۳ خرداد/۶۳)

\* قسمتی از بیانیه ی وزارت امور خارجه ی خمینی: "قطعنامه ی اخیر این شورا (شورای امنیت سازمان ملل متحد) در خصوص امنیت آبراه خلیج فارس که در واقع متضمن ناامنی کامل این آبراه است نیز ورق سیاه دیگری به پرونده ی عملکرد نادرست شورا افزود." (رادیو رژیم - ۱۲/۱۲/۶۳ خرداد/۶۳)

### مقابله با فعالیت های انقلابی دانش آموزان

اخیرا اداره ی کل آموزش و پرورش استان باختران برای مقابله با فعالیت انقلابی دانش آموزان طی بخشنامه ای به مدارس این استان، از مدیران و جاسوسان

دارند و در این رابطه روستاها بطور فزاینده ای در حال تخلیه شدن هستند. در بیش از ۴۰ روستای این بندر، سایر دام های باقیمانده بعلت نبودن علوفه و جو در معرض نابودی هستند... قیمت دام ها شدیداً پائین آمده بطوری که گاوی که در سال گذشته ۳۰ هزار تومان فروش می رفت، به ۳ هزار تومان و گوسفندی که ۳ هزار تومان ارزش داشت هم اکنون به کمتر از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان فروخته می شود. (کیهان - ۳۰/اردیبهشت/۶۳)

### "تجارت" درپوش "زیارت"!

مدتی است که رژیم خمینی عده ای از ایادی خود را تحت عنوان "زیارت"، همراه با تعدادی از خانواده ی کشته شده های جنگ به سوریه اعزام می نماید. رژیم درمانده و ورشکسته ی خمینی به این دسته از ایادی خود اجازه داده است تا برخی از کالاهای داخلی نظیر پسته و فرش را به سوریه برده و پس از فروش این قبیل اجناس در بازارهای سوریه، بجای آن، کالاهایی از قبیل لوازم الکتریکی و دیگر اجناسی که در ایران کمیاب یا نایاب می باشند، وارد کنند. به همین جهت در حال حاضر این مسافرت ها به تجارت پررونقی برای عده ای از ایادی خمینی تبدیل شده و آنها با وارد کردن این اجناس و فروش آن در بازار سیاه، پول های کلانی به جیب می زنند.

### اختناق روز افزون

اخیرا رژیم خمینی به تشکیل یک کمیته ی ضد خلقی جدید در سمنان اقدام نموده است. این کمیته که بدنبال فعالیت های گسترده ی هسته های مقاومت در هفته های "میلیشیا" و "صلح"، توسط "اصغر جمعی" جنایتکار (دادستان ضدانقلاب سابق شهرستان ساری) تشکیل شده است، علیرغم اینکه ابتدا تحت عنوان "مبارزه با قاچاق" شروع بکار کرد، اما در رابطه ی مستقیم با سپاه ضد خلقی سمنان قرار داشته و مشخصاً وظیفه ی شناسایی و دستگیری عناصر مجاهد و مبارز را بعهده دارد. بدنبال تشکیل این ارگان سرکوبگر جدید، "گشت" های جدیدی نیز در سطح شهر سمنان و حومه شروع به کار کرده اند.

### حرکت اعتراضی کارمندان

#### علیه مزدوران رژیم

در اوایل اسفندماه سال گذشته کلیه کارکنان اداره ی کل نان ماشینی تهران، از شرکت در مراسم سخنرانی یکی از مزدوران رژیم بنام "آل طه" که توسط انجمن ضداسلامی این اداره دعوت شده بود، خودداری می کنند. سرمداران انجمن ضداسلامی که از این حرکت اعتراضی کارمندان به شدت خشمگین شده بودند، در اداره براه افتاده و ضمن فحاشی به کارمندان، همه ی آنها را "منافق" می خوانند. بدنبال این جریان کارمندان اداره به نشانه ی اعتراض نسبت به این عمل جاسوسان رژیم، دست از کار کشیده و در جلوی اتاق رئیس اداره تجمع می کنند و خواستار رسیدگی به اعمال خودسرانه ی مزدوران انجمن ضد اسلامی می شوند. ایادی رژیم در مقابل این مقاومت و حرکت یکپارچه ی کارمندان مجبور به عقب نشینی و عذرخواهی از کارمندان می شوند.

### خرید یک انبار بزرگ در اتریش

در اواخر اسفندماه سال گذشته، رژیم خمینی یک انبار بزرگ در نزدیکی شهر "گراتس" (GRAZ) در اتریش خریداری کرده است. شهر "گراتس" در اتریش در نزدیکی مرز یوگسلاوی قرار دارد. رژیم خریدهای تسلیحاتی و تجاری خود از کشورهای اروپایی را ابتدا به این انبار منتقل کرده و سپس در فرصت مناسب به ایران حمل می کند.

امور تربیتی مدارس خواسته است تا نصب پوستره های سران رژیم را در کلاسها و کریدوره های مدرسه محدود کرده و در مواردی که به چنین کاری اقدام می کنند پوسترها را در محل هایی نصب کنند که از دسترس دانش آموزان دور باشد. این اقدامات از آنجهت صورت گرفته که دانش آموزان انقلابی با تخریب و پاره کردن پوستره های سران رژیم در مدارس، کینه و نفرت خود را نسبت به رژیم ضد بشری خمینی ابراز می کنند.

### شهادت یک رزمنده مجاهد خلق

اول/خرداد/۶۳

#### اطلاعات

### اعدام يك تروريست منافق

#### در مشهد

مشهد - خبرنگار اطلاعات - بحکم دادگاه انقلاب اسلامی مشهد یک منافق تروریست بنام مسعود اردبیلی حقیقی فرزند احمد اهل وساکن مشهد محکوم به اعدام شد و پس از تأیید دادگاه عالی انقلاب اسلامی حکم صادره اجرا شد.

جرم وی ارتباط تشکیلاتی و فعالیت وسیع بنفع سازمان منافقین، پخش اعلامیه و تراکت داشتن ارتش با خارج از کشور، اقدام به تشکیل هسته مقاومت، تلاش و فعالیت در جهت جمع آوری افراد به هسته مقاومت مسئول قسمت امنیتی منافقین مسئول هسته مقاومت منافقین بوده کردن اخبار و تحلیلها، مصاحبه ها و دستورها - اسلحه های رادیوهای بیگانه، تکثیر اکاذیب آنها و جمع آوری کمک مالی و ارسال آن به خارج از کشور، توهین و اهانت به مسئولین نظام جمهوری اسلامی شناسایی افراد حزب الله و فرستادن تهدیدنامه برای آنها.

لذا باتوجه به مدارک بدست آمده و اقرار سرسبع متهم و دیگر ابله شهود مجربیت وی بر اعدام محکوم شد و حکم صادره پس از تأیید دادگاه عالی انقلاب اسلامی در مورد وی به اجرا درآمد.

### درگیری کارگران

#### با ایادی رژیم در کارخانه ایران ناسیونال

پس از درگیری های متعددی که از مدتها قبل بین کارگران و کارکنان کارخانه اتومبیل سازی "ایران ناسیونال" با مزدوران رژیم و دادستانی ضدانقلاب مستقر در این کارخانه در جریان بوده است، اخیراً تعدادی از ایادی مزدور رژیم کنترل امور کارخانه را بدست گرفته و یکی از عناصر سرکوبگر رژیم بنام "یوسف هاشمی" را به ریاست این کارخانه گمارده اند. لازم به توضیح است که مزدور نامبرده قبلاً معاونت استانداری مازندران را به عهده داشت و به علت خوش خدمتی ها و نقش مهمی که در سرکوب مردم این استان ایفا کرده بود، به سمت رئیس "حراست" وزارت صنایع سنگین ارتقاء مقام یافت و اکنون نیز با حفظ همین سمت به ریاست کارخانه "ایران ناسیونال" منصوب شده است.

### فقرو فلاکت روز افزون مردم

"مردم این بندر قدیمی (بندر دیلم) با مشکلات فراوان روبرو هستند. در منطقه ی ۴۰ هزار نفری دیلم، زایشگاه نیست. آب در لوله ها نیست. از بهداشت خبری نیست و ۲ پزشک هندی تنها درمانگاه شهر نیز پاسخگوی ۳۰۰ بیمار در روز نیستند. از ۶۰ هزار دامی که اعم از گوسفند و بز در منطقه وجود داشت، هم اکنون کمتر از نیمی از آنها باقی مانده اند و بیش از ۳۰ هزار رأس دام یا تلف شده و یا پس از فروش با قیمت های خیلی ناازل روانه ی گشتارگاه شده اند. روستائیان... شدیداً به گندم و آرد جهت استفاده ی خودشان و برای دام هایشان به جو و علوفه نیاز مبرمی



## بودجه سال ۶۳

## خیانت عظیم یک رژیم، فقر و ستم زدگی یک خلق

مقدمه:

تاکنون طی مقالات و تحلیل‌هایی که در شماره‌های گذشته "مجاهد" درج شده، مضمون و هدف لوایح بودجه‌ی سال‌های ۶۱ و ۶۲ رژیم را مورد بررسی قرار داده‌ایم. همانطور که در آن مقالات مشاهده کرده‌اید، رژیم هر ساله هنگام طرح لایحه بودجه، تبلیغات عوامفریبانه‌ی راه می‌اندازد و ژست باصطلاح ثبات می‌گیرد و فی‌المثل اعلام می‌کند که "امسال سه ماه مانده به پایان سال، لایحه تقدیم می‌شود" و یا "امسال تنها سالی است که بودجه‌ی گل نیز تنظیم شده است"...

اما قوانین بودجه‌بندی و آمار و ارقام، تابع مکانیسم‌های ویژه‌ی خود می‌باشند و سرعت پرده‌ی دجالگری از چهره‌ی رژیم ارتجاعی برمی‌گیرند و آنگاه واقعیت‌های افلاس و ورشکستگی و بن‌بست‌های غیرقابل بازگشت رژیم، بویژه در تامین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و سرکوب، رخ می‌نماید و روشن می‌شود که چگونه رژیم به لحاظ اقتصادی، از حل مسائل، حتی در کادر سیاست‌های ضدخلقی خود نیز عاجز است؛ تا آنجا که خود خمینی دجال نیز در مقاطعی از درازکردن دست نکدی بسوی این و آن فروگذار نکرده است و در این رابطه از هیچ وطن‌فروشی - از تاراج ارزان‌قیمت نفت یا اخذ وام خارجی تا اخذی و ... فروگذار ننموده است.

همچنین طی همان مقالات مشاهده کردیم که سیاست خائنانه‌ی رژیم در تقسیم‌بندی‌های بودجه و اختصاص دادن اعتبارات مهم و سرسام‌آور برای جنگ خارجی و سرکوب داخلی - که جانمایه‌ی حیات اوست - و حتی زدن از بودجه‌ی بسیار ناچیز عمرانی و کانالیزه کردن نمانده‌ی تولید مختصر، به سمت "تنور جنگ"، چپاول مستقیم و غیرمستقیم از دسترنج مردم، خلق محروم ما را چگونه به فقر و فلاکت روزافزون دچار کرده است. اما آشنائی با سرخط‌ها و نکات مهم بودجه‌ی سال ۶۳، ما را با ابعاد جدید و نوینی از خیانت این رژیم غارتگر و خون‌آشام مواجه می‌سازد، خیانتی که البته ظناب دار را بر گردن خمینی و

دارودسته‌ی جنایتکارش تنگ‌ترو تنگ‌تر خواهد کرد.

از آنجا که بودجه‌ی یک دولت، سند کلی دخل و خرج یک رژیم طی یک مدت معین (عموماً طی یکسال) می‌باشد و سندی است که در آن هزینه‌ها و درآمدهای کل جریان اقتصادی یک مملکت را تعیین و طبق آن عمل می‌کند، (۱) لذا لایحه بودجه و سیاست‌های اتخاذ شده در آن، نشان‌دهنده‌ی اهداف، خط‌مشی‌ها و خلاصه سمت تحولات اقتصادی یک جامعه و مآل‌آسمت و سوی سیاسی دولت و رژیم تنظیم‌کننده و تهیه‌کننده‌ی آنرا مشخص می‌کند.

به همین جهت بررسی بودجه‌ی رژیم و ضرورت درک و فهم جنبه‌های مختلف آن و آگاهی نسبت به روندی که لایحه‌ی خیانت‌بار بودجه‌ی رژیم طی می‌کند تا به برباد دادن سرمایه‌های مادی و انسانی میهنمان و فقر و بدبختی بیش از پیش خلق محرومان می‌انجامد، از ضروریات فهم سمت و سوی حرکت اقتصادی و مآل‌سیاسی رژیم و پیگیری اهداف ضد مردمی آن می‌باشد.

با نگاهی به لوایح بودجه‌ی سال‌های گذشته و عملکرد آن بودجه‌ها و سپس با نگاهی به لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۶۳ رژیم، تابلوئی در مقابل ما نمودار می‌شود که در واقع اساسی‌ترین مسائل و سرخط‌های مشکلات و بحران‌های رژیم در بودجه را نشان می‌دهد.

عدم توازن بین دخل و خرج (از یک طرف هزینه‌های سرسام‌آور که عمدتاً ناشی از سیاست‌های خائنانه و ضدخلقی مثل جنگ و سرکوب است و از طرف دیگر درآمد پائین ناشی از انهدام تولید داخلی و عوامل اجتماعی و سیاسی دیگر)، موجب کسری قابل توجه و در ابعاد بزرگ در بودجه می‌شود. به‌منظور جبران این کسری بودجه‌ی کلان از آنجا که تولید داخلی از اساس منهدم شده، رژیم به ناچار - و بنا به ماهیت ضدخلقی خود - به شیوه‌های خائنانه‌ی همچون "تاراج نفت" افزایش مالیات‌ها و چپاول بیش از پیش مردم، "بویژه استقراض از سیستم بانکی (اعم از داخلی یا خارجی)" و ... متوسل می‌شود. این سیاست‌های

خائنانه، عمیقاً موجب افزایش نقدینگی و حجم پول در گردش در جامعه می‌گردد، بدون آنکه تولید داخلی (تولید ناخالص داخلی) افزایش پیدا کرده باشد. نتیجه‌ی بلافصل آنهم، تورم، گرانی و خالی شدن جیب مردم است؛ چیزی که جز فقر و فلاکت بیشتر یک خلق محروم را بدنبال ندارد: ▾

هزینه‌های فوق، یعنی هزینه‌ی جنگ و سرکوب، هزینه‌های تولیدی، عمرانی، بهداشت و آموزش و ... از درآمدهای رژیم که عمدتاً شامل نفت و مالیات است بیشتر شود و توازن درآمدها و هزینه‌ها بهم بخورد، رژیم با کسری بودجه مواجه می‌گردد؛ که البته بدنبال آن و به ناچار برای تامین این

عدم توازن بین دخل و خرج مملکت (فزونی بمراتب بیشتر هزینه‌ها نسبت به درآمدها) نتیجه کسری بودجه در ابعاد بزرگ برای جبران این خلأ منوسل شدن به شیوه‌های خائنانه‌ی تاراج نفت، چپاول مردم، استقراض از سیستم بانکی (چاپ بدون پشتوانه‌ی اسکناس، اخذ وام) نتیجه افزایش نقدینگی و حجم پول در گردش بدون کمترین افزایش در تولید ناخالص داخلی نتیجه تورم، گرانی، خالی شدن جیب مردم و پائین آمدن قدرت خرید مردم.

این دور تسلسلی است که از خیانت خمینی آغاز می‌شود و به ورشکستگی اقتصادی مملکت و فقر و فلاکت غیرقابل وصف مردم و بویژه کارگران و زحمتکشان میهن خمینی زده‌مان می‌انجامد؛ تا مگر چند صباحی به عمر سراسر خیانت و جنایت این رژیم ضد بشری افزوده گردد. حال با این تصور کلی به بررسی سرخط اساسی‌ترین مسائل بودجه‌ی سال ۶۳ رژیم می‌پردازیم.

## عدم توازن بین

## دخل و خرج یا کسری بودجه

همانطور که گفتیم برای تنظیم لایحه بودجه، یکسری منابع درآمد وجود دارد که براساس آن، هزینه‌هایی را برای سال، پیش‌بینی می‌کنند که باید از طریق درآمدهای بدست آمده تامین گردد. رژیم خمینی نیز یکسری درآمدهائی دارد که اقلام عمده‌ی آن:

فروش نفت، اخذ مالیات و درصد بسیار کمی هم از فروش تولیدات داخلی (غیرنفتی) می‌باشد. این درآمدها در واقع از دسترنج مردم زحمتکش و سرمایه‌های طبیعی میهنمان بدست می‌آید. از طرف دیگر، دولت یکسری هزینه‌هایی دارد که اقلام عمده‌ی آن: هزینه‌های تسلیحاتی و نظامی، تولیدی (سرمایه‌گذاری برای تولید داخلی) عمرانی، آموزش، بهداشت ... است، که از محل درآمدهای فوق تامین می‌گردد. - حال وقتی که مجموعه‌ی

کسری‌ها (از آنجا که جبران این کسری‌ها را بدلیل نیازش به پول برای ادامه‌ی جنگ و سرکوب بشدت احتیاج دارد) به اقداماتی نیز دست می‌زند که آثار و نتایج دیگری را بدنبال دارد. حال برای محاسبه‌ی کسری بودجه‌ی سال ۶۳ بهتر است به سراغ آمار و ارقام برویم:

## کسری بودجه سال ۶۳

## مطابق آمار رسمی رژیم

ابتدا نخست‌وزیر خائن رژیم در آذرماه گذشته هنگام ارائه‌ی لایحه بودجه به مجلس ارتجاع، کسری بودجه‌ی سال ۶۳ را - صرف‌نظر از دوز و کلک‌هایی که در ارائه‌ی آمار و ارقام بکار بسته - چنین برآورد کرد:

هزینه‌ها: (ارقام به میلیارد ریال)  
 هزینه‌های جاری ۲۶۴۴/۲  
 هزینه‌های عمرانی ۱۳۶۹/۶  
 هزینه‌های اختصاصی ۲۱۷/۷

جمع هزینه‌ها ۴۲۳۱/۵  
 درآمدها:  
 - صادرات نفت ۲۰۵۱/۰  
 - مالیات‌ها ۸۷۰/۲  
 - سایر درآمدها و منابع اعتباری !!! ۵۵۰/۴  
 - بازگشتی از سال قبل !!! ۲۳۰/۰  
 - درآمدهای اختصاصی از دستگاهها و موسسات دولتی ۲۱۷/۷  
 جمع درآمدها ۲۹۱۹/۲  
 آنگاه کسری بودجه را از تفاضل ستون درآمدها و هزینه‌ها، مبلغ

۳۱۲/۲ میلیارد ریال اعلام کرد و یادآور شد که این مبلغ از طریق استقراض از سیستم بانکی (بخوانید چاپ بدون پشتوانه‌ی اسکناس) تامین خواهد شد. البته او در همانجا چون می‌دانست این رقم حتی برای همپالکی‌های مجلس‌نشین خود نیز قابل قبول نیست و همچنین برای اینکه ارقام بالای کسری بودجه را پرده‌پوشی کرده باشد، اعلام کرد که برای ۴۶۹/۷ میلیارد ریال دیگر "جهت تامین هزینه‌های جنگ و به‌منظور امکان برنامهریزی و سرعت عمل در اجرای برخی طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی واجد اولویت" از طریق استقراض از سیستم بانکی جاباز گذاشته است.

(اطلاعات - ۹/آذر/۶۲)  
 او در واقع بطور غیرصریح، کسری بودجه‌ی سال ۶۳ را:  $469/7 + 312/2 = 781/9$  میلیارد ریال اعلام کرد. سپس لایحه‌ای که نخست‌وزیر خمینی به مجلس ارتجاع داده بود، در کمیسیون بودجه تغییراتی کرد.

کمیسیون بودجه‌ی مجلس، کسری بودجه‌ی عمومی دولت را در سال ۶۳ براساس تغییراتی که در لایحه بوجود آورده بودند، ۴۱۹ میلیارد ریال اعلام کرد. (کیهان - شنبه ۱۲/اسفند/۶۲) اما همانطور که در بودجه‌های سال‌های گذشته رژیم نیز دیده شد، ارقامی که از جانب رژیم (بویژه در زمینه‌ی مسائل مثل هزینه‌های جنگ و کسری بودجه که مستقیماً اوضاع وخامت‌بار اقتصادی‌اش را نشان می‌دهد) اعلام گردید، به مراتب کمتر از میزان واقعی بود، بطوری که طی سال گذشته، بارها از جانب کارگزاران ریز و درشت خود رژیم برملا گردید. مثلاً در حالیکه در سال ۶۱، رژیم، کسری بودجه را ۴۰۱ میلیارد ریال پیش‌بینی کرده بود (متن لایحه بودجه‌ی سال ۶۱، اطلاعات - ۶/بهمن/۶۰) اما

پاورقی: -

۱- برقراری ارتباط متوازن بین دخل و خرج، مهمترین مشخصه‌ی یک بودجه‌ی سالم (صرفاً به لحاظ اقتصادی و صرف‌نظر از ماهیت رژیم‌های دست‌اندرکار تهیه‌ی آن) می‌باشد. یعنی از یکطرف کلیه‌ی درآمدها، صرف تولید، آبادانی و خدمات و ... شود و از طرف دیگر هزینه‌ها به میزانی نباشد که درآمدها قادر به تامین آن نباشند و در نتیجه موجب مقروض شدن سیستم اقتصادی آن مملکت شود.



## بودجه سال ۶۳

## خیانت عظیم يك رژيم، فقر و ستم زدگی يك خلق

دست آخر کسر بودجه از ۱۰۰۰ میلیارد ریال هم تجاوز کرد؛ بطوری که نخست وزیر رژیم در اواخر سال ۶۱ مجبور شد به رقمی نزدیک به آن - ۹۹۸/۶ میلیارد ریال - اعتراف کند. (اطلاعات - ۵/بهمن/۶۱)

در سال ۶۲ نیز رژیم، کسر بودجه را رسماً ۶۸۰ میلیارد ریال اعلام کرد (کیهان ۵/بهمن/۶۱ گزارش نخست وزیر به مجلس) در حالیکه باز بسیار فراتر از ۱۰۰۰ میلیارد ریال گردید (کیهان - ۹/اسفند/۶۲، مذاکرات مجلس) البته اینها صرف نظر از ترفندهائی است که رژیم برای قلب و تحریف آمار و ارقامی که ورشکستگی اش را نشان می دهد، بکار برده و می برد؛ چرا که مثلاً در همان سال ۶۲، تفاضل درآمدها و هزینه های رژیم بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد ریال می شد و رژیم مبلغی از آنرا به عنوان درآمد منابع دیگر (منجمله صادرات غیر نفتی) و جزء درآمدها حساب کرده بود که البته در پایان سال مشخص شد که چنین درآمدهائی واقعیت نداشته است (مراجعه شود به سرمقاله نشریه مجاهد شماره ۱۸۵)

حال صرف نظر از اینکه اعداد و ارقامی که رژیم در زمینه کسر بودجه انتشار می دهد، بسیار کمتر از میزان واقعی آنست، در درون همین لایحه و از میان اعترافات نمایندگان خود فروخته مجلس، میزان کسر بودجه را - در آن حدی که خود رژیم بطور غیر مستقیم بدان اذعان دارد - ذیلاً نشان می دهیم .

همانطور که می دانید، حساب سازی، پنهان کردن ارقام در میان تبصره ها و ... یکی از شیوه های متداول و از دجالگری - های رژیم برای پرده پوشی خیانت های خود می باشد؛ بطوری که در همین مورد کسر بودجه و کم نشان دادن آن، یکسری ارقام را که فی الواقع، واقعیت ندارد، در ستون درآمدها می آورد و یکسری از هزینه ها را عمداً کمتر از میزان واقعی نشان می دهد. همچنین اقلامی را نیز در لابلای تبصره ها می گنجانند که خود، حاوی کسر بودجه های است که یک نمونه ی آنرا در اظهارات

نخست وزیر خمینی دیدید که چگونه می خواست ۴۹۶/۷ میلیارد ریال را از طریق استقراض بانکی تهیه کند، بدون آنکه اساساً آنرا در ستون هزینه ها در بودجه گنجانده باشد. بدین - ترتیب، دولت خیانت پیشه و تنظیم کنندگان لایحه بودجه، از یک طرف ستون درآمدها را بطور غیر واقعی، زیاد نشان می دهند و از طرف دیگر ستون هزینه ها را با پنهان کردن برخی از موارد کسری بودجه، کم نشان می دهند، تا کسری بودجه واقعی پوشانده شود. برای گویاتر شدن مطلب، مروری کوتاه به کسری بودجه سال ۶۲ ضروری می نماید .

لاپوشانی کند، درآمدی است تحت عنوان "سایر درآمدها" بخصوص اینکه اعلام کلی "سایر درآمدها"!! برای هیچکس روشن نیست و البته زیاد نشان دادن آن نیز هیچ خرجی برای تنظیم کنندگان بودجه های ضد خلقی ندارد؛ زیرا ظاهراً این نوع کلی گویی ها در ابتدای سال بودجه، نیازی به حساب پس دادن ندارد، اما وقتی سال به پایان رسید و واقعیت ها خود را نشان داد، دیگر نمی توان رقم سازی نمود. یکی از اعضای خود فروخته ی مجلس (طیب) طی بحث روی لایحه بودجه، مسئله ی فوق الذکر را چنین لوم می دهد:

توجه به کسری که اشاره شد که هنرمندانه در لایحه ی دولت پوشیده نگاه داشته شده، حداقل ۲۰ درصد تورم را برای سال آینده می شود پیش بینی کرد. (همان منبع) (تاکید از ماست) در اینجا لازم است که به یکی دیگر از ترفندهای بودجه نویسان خائن رژیم به منظور لاپوشانی میزان واقعی کسر بودجه اشاره کنیم: رژیم هر ساله (و منجمله همین سال ۶۳) در لایحه بودجه اعلام می کند که مقداری از کسری درآمدها نسبت به هزینه ها از محل "صرف جوئی" از سال قبل، "بازگشتی" از سال قبل و "برگشتی" از محل مانده های پرداختی خزانه نزد دستگاهها" (۴) تامین خواهد شد و به این ترتیب می خواهد میزان کسر بودجه ی نهائی را کمتر نشان دهد. کما اینکه ۱۰۰ میلیارد ریال کسر بودجه ی سال ۶۳ را نیز از همین محل

**هزینه های سرسام آور جنگ و سرکوب، کسر بودجه های بزرگ، متوسل شدن به شیوه های خائنانه ای همچون چاپ اسکناس بدون پشتوانه، افزایش نجومی نقدینگی و حجم پول در گردش و سپس تورم، گرانی و پائین آمدن قدرت خرید مردم، آیفست دور تسلسلی که از خیانت خمینی آغاز می شود و به ورشکستگی اقتصادی و مملکت و فقر و فلاکت غیر قابل وصف مردم و بویژه کارگران و زحمت کشان میهن خمینی زده مان می انجامد؛ تا مگر چند صباحی به عمر سراسر خیانت و جنایت این رژیم ضد بشری افزوده گردد .**

مقایسه ای بین ارقام ستون درآمدها در بودجه ی سال ۶۲ و تفاوت آن با آنچه که در عمل، رژیم بدست آورده (البته طبق آمار و ارقام منتشره از سوی خود مقامات رژیم)، و با توجه به پارامترهای سیاسی و اجتماعی و منطقه ای موجود، وضعیت درآمدی رژیم در سال ۶۲ را بهتر روشن می کند.

در بودجه ی سال ۶۲ درآمد نفت با احتساب ۲ ماه پیش فروش از نفت سال بعد (یعنی سال ۶۳) ۱۹۹۶ میلیارد ریال پیش بینی شده بود. در حالیکه در پایان سال حداکثر ۱۸۵۰ میلیارد ریال (باز هم با احتساب پول ۲ ماه پیش فروش نفت) بیشتر عاید رژیم نشد. (۱) یعنی تفاوت پیش بینی درآمد نفت، با واقعیت آن در عمل معادل:

۱۹۹۶ - ۱۸۵۰ = ۱۴۶ میلیارد ریال گردید. درآمدهای مالیاتی نیز در سال ۶۲، ۷۱۹/۸ میلیارد ریال پیش بینی شده بود، اما رژیم تنها موفق به دریافت ۴۸۰ میلیارد ریال مالیات گردید. (۲) درآمد دیگری که رژیم سعی دارد با زیاد نشان دادن آن بیشترین کسر بودجه ی خود را

"در "سایر درآمدها"، ۳۵۳/۸ میلیارد ریال در قانون بودجه سال ۶۲ پیش بینی شده بود که ۱۳۰ میلیارد ریال بیشتر تحقق پیدا نکرد؛ و از ۵۲/۵ میلیارد ریال ارز مسافری که بود بیشتر از ۷ درصد و از فروش خانه های ارزان قیمت که ۱۸/۸ میلیارد ریال بود بیش از ۶ درصد و از فروش خانه های دولتی که ۱۶ میلیارد ریال بود بیش از ۳/۳ درصد تحقق پیدا نکرد.

در لایحه ی (۶۳) علیرغم این (فاصله ی بین پیش بینی و واقعیت) ۵۵۴ میلیارد ریال (درآمد از این محل در نظر گرفته شده) و با تعجب کمیسیون (درآمدها) ۷۰۳/۶ میلیارد ریال پیش بینی "سایر درآمدها" را کرده که بی شک بیش از ۳۵۳/۶ میلیارد ریال از این محل (در سال ۶۳) درآمد نخواهیم داشت و کسری معادل ۳۵۰ میلیارد ریال (فقط) از این ردیف خواهیم داشت. " (۳) (کیهان - ۱۵/اسفند/۶۲) او در همانجا اضافی کسری درآمد نفت را ۶۵ میلیارد ریال و اضافه کسری مالیات ها را ۱۰۰ میلیارد ریال برآورد می کند و سپس می افزاید: "با

می خواهند بر طرف کنند، اما واقعیت اینست که اقلامی مانند "صرف جوئی" و امثالهم، عمدتاً اعتبارات طرح های نیمه تمام است که بدلیل عدم قدرت جذب ارگان های اجرائی رژیم در آن سال، باقی مانده که برای اتمام همان طرح ها (که عمدتاً هم طرح های عمرانی است) در سال بعد باید در اختیار آنان گذاشته شود و این مبلغ بهیچوجه جزو درآمدهای پاورقی:

۱- آمار و ارقام به نقل از آمار کمیسیون برنامه و بودجه ی مجلس که در جریان مذاکرات نمایندگان خود فروخته ی مجلس برملا گردید. (روزنامه ی کیهان ۱۳ تا ۱۶ اسفند ماه ۶۲)  
۲- البته رژیم درآمدهای مالیاتی سال ۶۲ خود را ۷۸۲ میلیارد ریال اعلام کرد، اما این رقم واقعی مالیات ها در سال ۶۲ (درآمدهای مالیاتی اخص سال ۶۲) نبود؛ چرا که ۱۸۴ میلیارد ریال آن مربوط به حقوق و عوارض گمرکی و واردات سال های قبل بود که در انبارهای گمرکات مانده بود و ۱۰۸ میلیارد ریال دیگر آن مالیات های معوقه ی بانک مرکزی بود.

رژیم برای سال بعد محسوب نمی گردد.

بدین ترتیب اگر فقط کسری بودجه های پنهان شده در متن لایحه ی بودجه ی ۶۳ که مزدوران خود رژیم بدان اعتراف کرده اند را در نظر بگیریم، کسری بودجه، رقمی در حدود یک هزار میلیارد ریال خواهد شد. رقمی که اکثر نمایندگان خود فروخته ی مجلس که با لایحه ی بودجه ی ۶۳ مخالف بوده اند، متفق القولند.

روشنایان (روزنامه ی کیهان و اطلاعات - ۱۴ تا ۱۶/اسفند/۶۲ مذاکرات مجلس) حال اگر علاوه بر پارامترهای اقتصادی، پارامترهای اجتماعی و سیاسی - بویژه موقعیت کنونی رژیم چه به لحاظ داخلی و چه به لحاظ منطقه ای و بین المللی - را نیز مدنظر قرار دهیم، آنگاه بخوبی مشخص می گردد که رژیم هیچگاه قادر نخواهد بود نه درآمد نفتش را در حد پیش بینی شده (۱۸۰۰ میلیارد ریال) متحقق کند، نه درآمدهای مالیاتی اش را به میزان ۸۵۷ میلیارد ریال بدست آورد و نه "سایر درآمدها" بیش ۷۰۳ میلیارد ریال شود. به علل و عملکرد این پارامترها در همین مقاله خواهیم پرداخت.

## جنگ

## عامل اصلی کسر بودجه

\* نخست وزیر: هزینه های ناشی از جنگ ۳۵۰ میلیارد ریال و تا ۵۰۰ میلیارد ریال اجازه ی افزایش اعتبار و بودجه، برای آن درخواست می شود.

\* کمیسیون برنامه و بودجه ی مجلس هزینه های ناشی از جنگ را در حد ۴۰۰ میلیارد بقیه در صفحه ی ۲۳

یعنی در واقع حتی اگر این دو قلم را که مجموعاً ۲۹۲ میلیارد ریال می شود جزو درآمدهای سال ۶۲ رژیم به حساب آوریم، این نوع ارقام دیگر در سال ۶۳ قابل تکرار نیست و فی الواقع میزان واقعی درآمدهای مالیاتی سال ۶۲ همان ۴۸۰ میلیارد ریال است که می تواند مبنائی برای درست دیدن درآمدهای مالیاتی سال ۶۳ رژیم باشد.

۳- کلمات داخل پرانتز را برای گویا شدن مطالب، ما اضافه کرده ایم.

۴- مراجعه شود به سخنان نخست وزیر رژیم در تاریخ نهم/آذرماه/۶۱ و مذاکرات مجلس - کیهان ۱۳/اسفند/۶۲.





## سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی

## از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های

## رژیم ضد بشری خمینی

گزارش دوم (زندانیان شهید - قسمت ششم)

## در امتداد پاییز و زمستانی

## خونین و به جستجوی بهار

۶۰۰ روزهای خونین پاییز و پس از آن نزدیک به دو ماه از زمستانی سرد و سخت و پر رنج، همراه با درد و شکنجه سپری شده و آتش مقاومت و نبرد، خاموشی نپذیرفته است. در خارج از زندان، در مشهد و در سایر شهرهای استان، علیرغم شهادت‌ها و ضربات کوچک و بزرگ، واحدهای عملیاتی سازمان، پرتوان و مصمم، در سخت‌ترین شرایط به نبرد ادامه می‌دهند و در داخل زندان علیرغم تمامی کشتارها و شکنجه‌ها، آتش مقاومت شعله‌ور است و (بجز معدودی انگشت شمار)، روحیه‌ها، دیگر فولاد آبدیده شده است. در طول تابستان و پاییز و نیمی از زمستان نزدیک به ۴۰۰ تن تیرباران شده‌اند و تنها نزدیک به ۷۰۰ رزمنده‌ی مجاهد خلق در بند ۴ و در سلول‌هایی که دیگر از شدت جمعیت در حال انفجارند، بسر می‌برند... و از همین سلول (سلول ۳۰ که اکنون در طبقه فوقانی یکی از تخت‌هایش نشسته‌ام) تاکنون ۹۰۸ دسته‌ی ۷ تا ۱۲ نفری به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند، یعنی بیش از ۸۰ نفر تنها از یک پاورقی:

سلول در طول هشت ماه تیرباران شده‌اند... نگاهم را از بالای تخت به دیوار سیمانی خاکستری رنگ روبرویم می‌دوزم، یاران مجاهد از جلوی چشمانم رژه می‌روند... دارم آنها را می‌بینم... "قاسم مهریزی" (۱) را با لبخند همیشگی‌اش که در شب شهادتش، شیرینی پخش می‌کرد و با خنده می‌گفت: "بچه‌ها بخورید، به خانواده‌ام سفارش کرده‌ام که شیرینی شهادتم را از یزد بیاورند تا بدست خودم آنرا پخش کنم." و بعد چهره‌های تابناک "اصغر همت‌زاده"، "تقی خراسانی"، "تقی سخنور"، "علا محسین مرتضائی"، "غلامحسین سالاری"... و یکمرتبه در مقابلم بر روی دیوارهای سیمانی چهره‌ی مصمم فرماندهی‌گرد و دلاور میلیشیا "علی متشکر حسینی" جان می‌گیرد که در شب شهادتش در حالیکه از درب فلزی بند خارج می‌شد، یکمرتبه برگشت و از پائین نگاهش را به بالا افکند و در زیر نگاههای ملتهب زندانیان بند ۴، دست‌هایش را درهم گره کرد و فریاد کشید: "بچه‌ها... من دیگر دارم می‌روم فردا قرار بود با مادرم ملاقات داشته باشم... ولی دیگر نیستم... بنابراین به او بگوئید آخرین پیام "علی" این بود: مخارج شب هفت و چهلم مرا به سازمان

مجاهدین خلق ایران بدهد تا با آن گلوله و فشنگ خریداری شود و آتش نبرد مسلحانه را بر علیه خمینی خون‌آشام فروزانتر کند." و بعد دست‌هایش را گشود و با تمام توان بهم کوبید و خروشید. - درود بر سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران بند، یک صدا پاسخ داد - "درود، درود، درود" - درود بر مسعود رجوی و رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران - درود، درود، درود - برافراشته باد پرچم مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه... مرگ بر ارتجاع... و بند از غریب مرگ بر ارتجاع به لرزه درآمد... با چشمان گشاده، به دیوار روبرویم خیره شده‌ام و هنوز فریادها در گوشم می‌پیچد... زیر لب زمزمه می‌کنم: درود... درود... از تخت پائین، صدای خنده‌های می‌شنوم و سپس کسی می‌گوید: - چه خبرته... با خودت حرف می‌زنی؟ از تخت پائین می‌روم و او را می‌نگرم؛ فریدون است، فریدون کیانی که با پاهای آماس کرده و پیکری درهم شکسته از شلاق و شکنجه در طبقه پائین تخت دراز کشیده. مرا که

می‌بیند، می‌گوید: - تقریباً دو ساعته که رفته بودی تو خودت... کم‌کم دیدم داری با خودت حرف می‌زنی... گفتم چی شده؟ - چیزی نبود... داشتم به ماههای گذشته فکر می‌کردم... و به بچه‌هایی که شهید شدند و به ماجراهائی که در این زندان اتفاق افتاد و اینکه آیا کسی خواهد فهمید که بر ما چه گذشت و چه می‌گذرد و آیا کسی باور خواهد کرد که در این محدوددهی کوچک چقدر خون از پیگرهای ما ریخت و چقدر درد تحمل شد و چقدر دندان بر جگر فشرده شد و خمینی چه خیانت‌ها و چه رذالت‌هایی انجام داد... یا اینکه اینها نیز در زوایای تاریک تاریخ از چشم‌ها پوشیده خواهد ماند و جنایات خمینی تنها در کلیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت و... فریدون حرف مرا قطع می‌کند و با همان لبخند همیشگی و در حالیکه سعی می‌کند روی تخت جابجا شود و بنشیند، می‌گوید: "... اگرچه بطور ایدئولوژیک معتقدیم که هیچ قطره خونی گم نخواهد شد و دنیا دارای حساب و کتاب است ولی این بار بطور سیاسی هم مسئله فرق می‌کند... تا تشکیلات هست و تا سازمان رو

پای خودش ایستاده، مطمئن باش هیچ چیزی گم و گور نخواهد شد؛ هیچ قطره خونی به هدر نخواهد رفت و مطمئن باش آنچه که در اینجا و هر زندان دیگر می‌گذرد، به گوش دنیا خواهد رسید و خمینی را رسواتر خواهد کرد" و پس از اندکی مکث می‌گوید: "... جریان خواهر شهیدمان زهرا محمدزاده مگر یادت نیست؟ رژیم، او را بدخیال خودش مخفیانه و در حالیکه باردار بود (۲) شکنجه داد و اعدام کرد... ولی سازمان آنچنان این مسئله را افشا کرد که حتی بین خود جلادان هم برخورد پیش‌آمد... و یا تریا شکرانه که زیر شکنجه گشتندش و بعد تیربارانش کردند تا قضیه را لاابوشانی کنند ولی آنهم افشا شد و یا شهادت صدیقه ولیخانی (۳) و علیرضا کاظمی و دیگران (۴). حالا خودت حساب کن این وقایع در زندان مشهد اتفاق افتاده و پوشیده نمانده و مطمئناً در زندانهای دیگر هم وضع جز این نیست... و بعد می‌خندد و ادامه می‌دهد:

"... آخه تو فکر کن دیگه... ما چطوری از مصاحبه‌های مسعود با خبر می‌شیم این خبرها هم همون طور بیرون میره و به گوش همه میرسه و... - طبقه‌ی یک و دو و سه بند چهار... بند را تخلیه کنند و در حیاط جمع کنند... طبقه‌ی یک و دو و سه بند چهار، بند را هرچه زودتر تخلیه کرده و در حیاط جمع شوند... تاکید می‌کنم زودتر؛ طبقه‌ی یک و دو و سه بند..."

صدای علی میرزائی یکی از جلادان زندانست که از بلندگو

در ۳۰/۳/۶۰ همراه با چندین تن دیگر از یاران مجاهدش آماج گلوله‌های دژخیمان خمینی قرار گرفت و به شهادت رسید. او در زندان تا آخرین روز حیات با توجه به تخصص پزشکی خود به مداوای یاران شکنجه شده‌اش می‌پرداخت. ۴ - مجاهد شهید علیرضا کاظمی دانشجوی دانشکده‌ی ادبیات مشهد که جین انتقال از مشهد به فردوس در تاریخ ۳۱/۵/۶۱، در یکی از کوره‌های راه‌های پرت و دور افتاده‌ی حوالی مشهد بوسیله‌ی جانیان کمیته‌چی در زیر شکنجه "مثله" شد و لب از لب نگشود. روستائیان پس از شهادت وی، پیکر قطعه قطعه‌ی او را یافتند و دفن کردند.

شهید صدیقه ولیخانی (همسر مجاهد شهید دکتر حبیب‌الله مباشری) از مسئولین امداد سازمان مجاهدین خلق ایران در مشهد بود که پس از شروع فائز نظامی همراه با همسرش در صفوف نبرد مسلحانه‌ی انقلابی به فعالیت‌های خود ادامه داد. او پس از شهادت همسرش در ۳۱/شهریور/۶۰ هنگام انجام یک ماموریت در حوالی تلفن‌خانه‌ی "حمدآباد" به محاصره‌ی پاسداران درآمد و دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های فراوان و هنگامیکه در بیدادگاه! پیشنهادات رذیلانه‌ی رئیس دادگاه "میرفندرسکی" را (مبنی بر ۱ - ازدواج با یک پاسدار ۲ - زدن تیر خلاص به مجاهدین ۳ - مصاحبه‌ی تلویزیونی) رد کرد، به اعدام محکوم شد و

آرمان‌های خویش دست بردارد و در عوض پست مهمی را در رژیم خمینی اشغال نماید ولی قاسم با صراحت و قاطعیت از خیانت به خلق دوری گزید و سرانجام پس از سالها مبارزه و تلاش شبانه‌روزی در تاریخ ۱/۷/۶۰، آماج گلوله‌های دژخیمان گشت و جان باخت. در اعدام قاسم، صدوقی جانی نقشی فعال ایفا کرد و خود شخصا اعدام او را تقاضا نمود. ۲ - مجاهد شهید زهرا محمدزاده که به جرم پناه دادن به پدر و مادر سالخورده‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی در حالیکه حامله بود در تاریخ ۲۷/۷/۶۰ به جوخه‌ی تیرباران سپرده شد و به شهادت رسید. ۳ - پزشک انقلابی مجاهد

مشهد، سرپرستی خانواده‌های زندانیان و تبعیدیان (از جمله خانواده‌ی خامنه‌ای جنایتکار، رئیس‌جمهور فعلی خمینی که در آن دوره باصطلاح در تبعید بسر می‌برد) تهیه‌ی خانه و پایگاه برای نیروهای مبارز و جمع‌آوری مستمر امکانات مالی برای آنها نام برد. قاسم در سال ۵۷ به یکباره تحصیل را رها کرد و با استفاده از محبوبیت فراوان خود به عنوان یکی از رهبران جنبش دانشجویی در مشهد توانست با برپائی تظاهرات و سخنرانی‌ها نقش ارزنده‌ی خود را در مشهد و یزد ایفا نماید و پس از سقوط رژیم شاه بارها از طرف خامنه‌ای جنایتکار، صدوقی مدوم و برخی دیگر از سردمداران ارتجاع به او پیشنهاد شد که از

۱ - مجاهد شهید ابوالقاسم مهریزی زاده، یکی از محبوبترین چهره‌های انقلابی در یزد و مشهد بود. او در سال ۱۳۴۹ به مبارزه بر علیه شاه دست زد و به همین علت دستگیر شد و مدتی را در زندان بسر برد. پس از رهائی از زندان به علت شناخته‌شدگی، تحصیل در انستیتو تکنولوژی یزد را رها کرد و به مشهد آمد و در دانشکده‌ی ادبیات به فعالیت و تحصیل پرداخت. از سال ۵۰ به بعد قاسم خود را یکسره وقف انقلاب و خلق کرد و بمثابة یکی از عناصر امکان‌ساز تا سال ۵۷، سال سقوط رژیم بطور شبانه‌روزی تلاش می‌کرد. از کارهای او در این دوران می‌توان از ایجاد چندین کتابفروشی و کتابخانه در یزد - اصفهان و





سلسله خاطرات، گزارشات  
و نوشته‌هایی  
از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های...

دستور تخلیه‌ی بند را می‌دهد و زندانیان بند ۴ با تعجب به صدای بلندگو، گوش می‌کنند. فریدون می‌گوید:

"معلوم نیست چه خبره... دوباره چه نقشه‌ای کشیده‌اند ولی بهر حال چاره‌ای نیست باید رفت و دید."

و با زحمت زیاد از جایش بلند می‌شود و تکه‌چوبی را که از آن به‌عنوان عصا استفاده می‌کند بر می‌دارد و لنگ‌لنگان همراه می‌افتد و من هم در پی او حرکت می‌کنم. در بیرون از سلول ۳۰، سراسر بند، پر از همه‌همه است و صدای پای بچه‌ها بر روی پلکان فلزی، موسیقی عجیبی را می‌نوازد، موسیقی مبهمی از نگرانی و تشویش و در عین حال رفتن با گام‌های محکم بسوی آنچه در انتظار ماست.

\*\*\*

"کوکلس کلان"‌ها

در زندان مشهد

... حیاط زندان در اوج همه‌همه و فریاد و صدای زندانیان فرو رفته بود. هنوز کسی نمی‌دانست چه خبر است و بنابراین افراد سعی می‌کردند از این فرصت استفاده کنند و تا می‌توانند با هم صحبت کنند و اخبار را رد و بدل کنند؛ زیرا از مدتی قبل تجمع افراد بطور کلی ممنوع شده بود و صحبت‌های دونفره نیز در بسیاری از اوقات در زیر ذره بین پاسداران و گروه گشت داخل زندان!! قرار داشت. زندانیان طبقه‌ی یک و دو بویژه از این فرصت برای صحبت با زندانیان طبقه‌ی ۳ استفاده می‌کردند. برای صحبت با زندانیانی که در حصار و رفته‌های فلزی و قفل‌های مستحکم، هیچگونه ارتباطی با خارج نداشتند. این فرصت به درازا نینجامید؛ سر و کله‌ی یکی دو پاسدار و در پی آن آخوند حسینی جلاد و گروه ارادل و اوپاش گشتی داخل بند، پیدا شد و در پی آن صدای یکی از پاسداران بلند شد:

"به ستون دو... بطرف سالن اجتماعات! راه بیفتید" و سپس حیاط اندک اندک از همه‌همه و جمعیت خالی شد و در سکوت فرورفت و درب آهنی آن

قفل شد و زندانیان در کام راهروی عریض و طویل و نیمه تاریک اصلی زندان فرورفتند و به طرف سالن اجتماعات حرکت کردند. هنوز هیچکس نمی‌دانست چه خبرست...

\*\*\*

... با ورود به سالن اجتماعات همه چیز روشن شد. چند تن از جلادان سرشناس رژیم در کنار تریبون ایستاده بودند و در پشت تریبون، "شیرازی" از بازجویان و شکنجه‌گران تهران که هر از چندگاه سری به مشهد نیز می‌زد، آمده بود و در کنار او سه چهار نفر که کیسه‌های تیره رنگی بر سر خود کشیده و از سوراخ‌های آن به جمعیت زل زده بودند.

- بچه‌ها حواستان جمع باشد. "کوکلس"‌ها آمده‌اند (۱)

- می‌خوان سخنرانی کنند. - نه بابا، پس اون کیسه‌ها چیه روسشون کشیده‌اند. برای شناسائی آمده‌اند و می‌خوان لو نرن تا بازهم بتوانند راحت بیرون از زندان جاسوسی کنند و دوباره همه‌همه سالن را در خود فرو برد بطوریکه به سختی می‌شد صدای بغل دستی را شنید.

- ساکت باشید... ساکت باشید.

ولی همه‌همه فروکش نکرد و سرانجام هنگامی که یک اکیپ از پاسداران وارد شدند و با مشت و لگد و چوب به جان زندانیان افتادند، سکوتی نسبی سالن را فرا گرفت و در پی آن "آخوند حسینی" به پشت تریبون رفت و گفت:

"من به شما اخطار می‌کنم سکوت را رعایت کنید و گرنه اینقدر می‌زنیم‌تان تا خققان بگیرید و می‌دانید که شوخی هم نمی‌کنم. قبلاً همه‌تان مزه‌اش را چشیده‌اید..."

و پس از آنکه اندکی مکث کرد، ادامه داد:

"برادر شیرازی می‌خواهند برای شما اندکی سخنرانی کنند که انشاءالله موثر واقع می‌شود و هدایت می‌شوید..."

دوباره همه‌همه‌ای برخاست و کسی از میان جمعیت فریاد زد:

"ما احتیاج به سخنرانی نداریم..."

آخوند حسینی چشم‌غره‌ای رفت و گفت:

"کی بود حرف زد؟" چند نفر از میان جمعیت

جواب دادند: "من بودم"، "من بودم" و لحظاتی بعد سالن در فریاد و همه‌همه غرق شد و پس از آنکه چند نفر در زیر ضربات پاسداران از سالن بیرون کشیده شدند و سکوت!! برقرار شد، شیرازی پشت تریبون قرار گرفت و پس از آنکه به جمعیت انبوه زندانیان نگاهی انداخت، گفت:

برادران عزیز!!

صدای سرفه‌ای از میان زندانیان بلند شد.

"همانطور که می‌دانید" سرفه تکرار شد و اینبار صدای چند سرفه‌ی دیگر نیز بگوش رسید و یکمرتبه سالن را صدای سرفه‌ها در خود غرق کرد و هرچه شیرازی و آخوند حسینی سعی کردند سکوت را برقرار کنند موفق نشدند و سرانجام جلسه بهم ریخت و با ورود پاسداران چماق بدست صدای فریاد و ناله و دشنام و ضربات چوبی که بر سر و صورت افراد فرود می‌آمد، جای سخنرانی را گرفت.

\*\*\*

نیم ساعت بعد نقابداران (و بقول بچه‌ها کوکلس کلان‌ها) در مقابل درب خروجی سالن اجتماعات ایستادند و پاسداران، زندانیان را یک به یک مجبور به عبور از مقابل آنها کردند. نقابداران با دقت به زندانیان خیره شده بودند و آخوند حسینی مرتباً تأکید می‌کرد:

"دقت کنید کسی از دستتان در نرود، این برای ما خیلی مهم است"

و چند لحظه بعد اولین نفر انتخاب می‌شود و از صفوف زندانیان بوسیله پاسداران جدا شده و به طرف سلول‌ها برده می‌شود و چند لحظه بعد دومین نفر و سومین نفر و چهارمین نفر و ... نوبت من رسیده بود، از سالن اجتماعات خارج شدم و در مقابل "حسینی" و دار و دست‌اش ایستادم و چشم در چشم کسی که از سوراخ‌های نقاب مرا می‌نگریست دوختم و سعی کردم بفهمم او کیست ولی چیزی نفهمیدم، (۲) او سخت ناآشنا به‌نظر می‌رسید، چند لحظه بعد با اشاری دست آخوند حسینی از جلوی آنها دور شدم و نفر بعدی در مقابل آنها ایستاد و اینکار تا حوالی شب ادامه یافت و در پایان ۵۱ نفر از میان زندانیان دستچین شدند و چنانکه فردای آنروز مطلع شدیم، بلافاصله به شکنجه‌گاه موسوم به ابودر و یکی از خانه‌های امن سپاه انتقال یافتند.

\*\*\*

کج و خسته به بند بازگشتیم؛ در بند نیز وضع دیگرگون شده بود گوئی لشکری از تاتاران از بند گذشته بود. همه‌چیز درهم برهم و آشفته به نظر می‌رسید، تشک‌ها، لباس‌ها، پتوها، کاغذها و ظروف و سایر وسائل درهم ریخته و بر هم انبار شده بود. تمام چیزهایی که امکان داشت درون آن چیزی پنهان شود یا پاره شده و یا درهم شکسته بود، آنچه که ارزشی داشت و قابل غارت شدن بود بوسیله‌ی پاسداران غارت شده بود و بر در و دیوار برخی از سلول‌ها شعار "مرگ بر منافق، مرگ بر رجوی، درود بر خمینی" دیده می‌شد. در لحظات اول نمی‌دانستیم چه بکنیم، فشار جسمی و عصبی که از صبح تا شب تحمل کرده بودیم همراه با رفتن ۵۱ نفر از یاران اسیرمان و بعد هم مشاهده‌ی بهم‌ریختگی و غارت بند، حساسی خشمگین و کلافه و گیج‌مان کرده بود ولی این وضع ادامه نیافت. بچه‌ها بخصوص بچه‌های قدیمی‌تر و آنها که بقول معروف استخوانی خرد کرده بودند، به ادامه یافتن آشفتگی در بند مجال ندادند و چیزی نگذشت که صدای خنده و صحبت فریدون در بند پیچید:

"بیچاره خمینی... می‌خواد با این گارها اعصاب ما رو خورد کنه و مثلاً ما را بپرونه ولی گور خونده، یکساعته بند را از اول روبراه‌تر و مرتب‌تر می‌کنیم" و دوباره طنین خنده‌اش در بند پیچید و برآستی بند در ظرف دو ساعت مرتب شد، مرتب‌تر از آغاز و در پایان هنگام اخبار، چیزی اتفاق افتاد که به‌یکباره خستگی‌ها را از بین برد و تمامی جلادان زندان را مات و مبهوت کرد.

دومجاهد خلق

در بیدادگاه

و بر صفحه تلویزیون

"بچه‌ها تلویزیون، بچه‌ها تلویزیون... دادگاه مجید تفتدی و سعید جابانی... دادگاه..."

یکمرتبه همه از سلول‌ها بیرون ریختند. مدتها بود از این خبرها نبود و می‌بایست چیز مهمی اتفاق افتاده باشد که رژیم دست به پخش تلویزیونی صحنه‌ی بیدادگاه بزند. یک لحظه چیزی در ذهنم شکست "یعنی ممکن است سعید و مجید کوتاه آمده باشند" و وقتی آنها و ویژگی‌های ایدئولوژیک و سیاسی‌شان را بیاد آوردم، مقداری آرامش یافتم و از سلول بدنبال فریدون بیرون آمدم و

لحظاتی بعد به صفحه‌ی تلویزیون خیره شدم.

سعید و مجید با چهره‌هایی رنج‌کشیده و لاغر و تغییر یافته، از کمر به بالا نشان داده می‌شدند و به سختی قابل شناخته شدن بودند و در جلوی آنها تکه مقوایی که نام و اتهاماتشان بر روی آن نقش بسته بود، به‌چشم می‌خورد. در سوی دیگر حاکم ضدشرع و یک آخوند دیگر همراه با دو تن از جانبان شکنجه‌گر بعنوان منشی‌های بیدادگاه به‌چشم می‌خوردند. لحظاتی بعد پس از آنکه یکی از آخوندها مقدار جملاتی که در لابلای آنها کلمات مفسد و باغی و محارب و منافق ردیف شده بود بلغور کرد، دادگاه آغاز به‌کار کرد و حاکم ضدشرع صحبت را شروع کرد:

"خوب آقای جابانی... شما اتهاماتی را که در اینجا ملاحظه می‌کنید قبول دارید؟" دوربین تلویزیون بر روی چهره‌ی شکنجه‌شده‌ی سعید ثابت ماند و صدای او در بند پیچید:

"شما اسم اینها را می‌گذارید اتهام ولی ما به اینها می‌گوئیم فعالیت برای آزادی مردم و میهنمان..."

آخوند، صحبت او را قطع کرد و با ردالتی که خاص این صنف از جانبان خمینی است رشته‌ی کلام را به‌دست گرفت: "... یعنی شما کشتار مردم بیگناه و ترور افراد عادی را مبارزه می‌دانید، یعنی اسلحه بستن و نارنجک کشیدن و خودکشی را مبارزه می‌دانید... شما در افتادن با حکومت شرعی و قانونی مملکت را مبارزه می‌شناسید."

سعید با خونسردی لبخندی زد و گفت:

"ما هیچوقت دست به کشتار مردم بیگناه نزده‌ایم، در حقیقت ما خودمان از زمره‌ی همان مردم بیگناهی هستیم که تحت ظلم و ستم قرار گرفته‌ایم. به‌همین علت اسلحه برداشته‌ایم. علت سلاح برداشتن ما هم بقیه در صفحه‌ی ۲۱

۱- در زندان جاسوسان نقابدار را "کوکلس کلان" می‌نامیدند و این اسم از آن جهت بر روی آنها گذاشته شده بود که این عناصر مانند اعضای جمعیت فاشیست و معتقد به تبعیض نژادی و ضد سبایه‌پوست "کوکلس کلان" در آمریکا، چهره‌ی خود را با نقاب می‌پوشاندند.

۲- بعدها اسامی این جیره‌خواران بوسیله‌ی رزمندگان کشف و افشا گردید.



## تحلیل روزنامه‌های ترکیه

در مورد سفر نخست وزیر این کشور به ایران

## Cumhuriyet

PAZARTESI 23 NISAN 1984

## GÜNAYDIN

PAZARTESI 23 NISAN 1984

مورد ارزیابی قرار بدهیم. منافع ما در ایران بسی فزاینده است. اقدامات موثر میلیارد دلاری است. همکاری اقتصادی ایران در قرارداد "همکاری اقتصادی منطقه‌ای" بین ترکیه - ایران - پاکستان (R.C.D) می‌بایست اولین قدم در توافق استراتژیک بشمار آید.

روزنامه‌ی گون‌آیدین در پایان گزارش خود، تحت عنوان قدرت دفاعی ایران - ترکیه و امنیت در منطقه نوشته است:

"پیگیری دوستی (ترکیه) با اعراب مانع بزرگی در همکاری با ایران بشمار می‌رود، اما در صورتی که بتوانیم همکاری با ایران را علیه شمال انتخاب کنیم و روابطمان با اعراب را در کل، خارج از این مسئله نگهداریم، در آن صورت است که می‌توانیم با ایران وارد یک همکاری پرمعنی بشویم..."

۲- روزنامه‌ی جمهوری نیز طی مقاله‌ای در رابطه با وضعیت اقتصادی و علل برقراری روابط تجاری با ایران نوشته است:

"اکنون دیگر مشخص شده است که ایران در جنگ، طرفی نیست که مغلوب گردد و مشخص گردیده که عراق نیز نمی‌تواند در جنگ پیروز گردد. به این دلیل می‌توان گفت کشورهای غرب ضرورت برقراری روابط جدید با ایران را درک کرده‌اند."

روزنامه‌ی جمهوری در همین رابطه اضافه کرده:

"ایران علیرغم مشکلاتی که دارد، نشان داده است که بلحاظ اقتصادی قوی است. به عقیده‌ی غرب بازار ایران از بازار عراق قدرت جذب بیشتری را دارد، بخصوص که اگر نظری به اقتصاد غرب و مشکلات بازارهای خارجی کشورهای اروپای غربی بیافکنیم، بهتر می‌توانیم درک کنیم که چرا غرب خواهان توسعه‌ی روابط خود با ایران می‌باشد."

روزنامه‌ی مزبور در ادامه‌ی همین مطلب، همچنین اشاره کرده است که: "تغییرات پی‌درپی دیدگاه غرب نسبت به ایران را می‌توان تحولی دانست که هر چه بیشتر ترکیه را در منطقه مطرح می‌کند؛ زیرا ترکیه که همواره روابطش بطور چشمگیری بعد از انقلاب اسلامی و جنگ خلیج با ایران پیشرفت کرده است از یک نظر "کانال تماس" برای غرب بشمار می‌رود."

روزنامه‌های "گون‌آیدین" و "جمهوریت"، چاپ ترکیه در شماره‌ی سوم اردیبهشت‌ماه سال جاری خود، مقالاتی در رابطه با سفر "اوزال" نخست‌وزیر ترکیه به ایران درج نموده‌اند که ذیلاً قسمت‌هایی از آن را نقل می‌نمائیم:

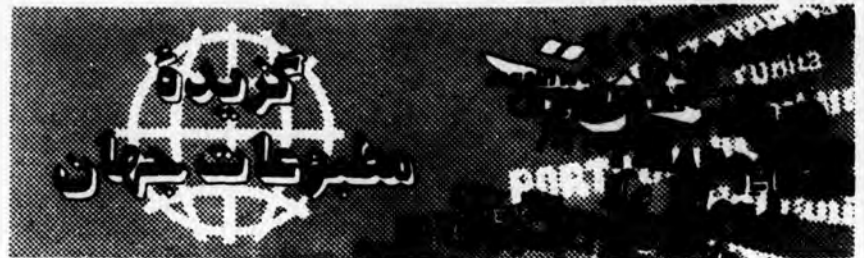
۱- روزنامه‌ی گون‌آیدین طی مقاله‌ی مفصلی تحت عنوان: "سفر اوزال به ایران به لحاظ همکاری اقتصادی، از اهمیت استراتژیک مهمی برخوردار است." (به قلم سفیر سابق ترکیه در ایران)، نوشته است:

"دیدار اوزال از ایران به عنوان نخست‌وزیر، در سیاست خارجی ما یک واقعه‌ی مهم بشمار می‌رود. ایران همسایه‌ای است که برای ما اهمیت حیاتی دارد. محدود شدن مرز شمالی ایران به شوروی، ما را در روابط بین‌المللی مان، هم‌سرنوشت ساخته است. ثبات امور داخلی ایران و نیز تعادل روابط ایران با شوروی، ترکیه را قطعاً تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. در صورتی که ایران، آزادی خویش را از دست بدهد، ترکیه را دم داس شوروی قرار خواهد داد..."

به همین خاطر روابطمان با ایران در اولویت‌های استراتژیکی قرار دارد. باید به توسعه‌ی مناسباتمان با ایران، با چشم‌انداز روشنی نگریسته شود..."

"گون‌آیدین" در قسمت دیگری از مقاله‌ی خود اشاره کرده است که:

... "اسلامیت رژیم خمینی به اندازه‌ی رژیم‌های عرب، روسیه را ناخشنود می‌کند... خود رژیم خمینی متوجه این مسئله می‌باشد و با جدیت تمام اقدام به تصفیه‌ی کمونیست‌ها کرده است و در کنار آن با غرب وارد مناسبات جدیدی گشته است. با انگلیسی‌ها، با آلمانی‌ها وارد مذاکرات اقتصادی شده است. و او (رژیم خمینی) خواهان توسعه‌ی سیاست روابط مشترک استراتژیک، با غرب - همچنانکه این روابط در قرن نوزدهم بود - می‌باشد. این مسئله، هم برای ما و هم برای غرب ضروری است و می‌بایست روابط ایران - ترکیه را در همین چارچوب



## Le Monde

۱۹۸۴/۰۴/۲۹

از: ژان گراس

## ایران در خطر خفگی

تهران که عاجز از ادامه جنگ است "هجوم نهانی" را تدارک می‌بیند

کویت و کشورهای دیگر خلیج بیش از جمهوری اسلامی در این امتحان، نیرو از دست خواهند داد. پس تهران به همسایه‌های نفتی‌اش بشرط اینکه عراق را به حال خودش رها کنند، پیشنهاد "توافق عدم تجاوز" می‌دهد. این پیشنهاد برای کشورهای خلیج که می‌دانند عراق به اندازه‌ی تهران امکان فشار بر آنها دارد، بسختی قابل قبول است. بعلاوه عراق کشوری است عربی که "رها کردن آن" در افکار عمومی منطقه که بطور خاص نسبت به خطر خمینی حساس است، قابل درک نخواهد بود.

## پیچاندن تدریجی

بعید نیست که اگر رهبران خلیج به دلایل تهران تسلیم نشوند - دلایلی که قطعاً از طریق واسطه‌ی سوریه ابلاغ شده است - و جلوی دست عراق را نگیرند، اولین اقدامات پیچ‌داندن تدریجی که رهبران ایران از هم‌اکنون خود را برای اجرای آن آماده کرده‌اند، قبل از هر چیز بعضی از مراکز حیاتی عربستان سعودی و کویت به عنوان حلقه‌ی ضعیف "امپریالیسم غربی در خلیج" با یک سری سوء قصد تروریستی که بعهدده‌ی گروه‌های شیعی منطقه گذاشته خواهد شد و بعضی سفارت‌ها و موسسات غربی در منطقه که با "عراق سازش کرده‌اند" مورد هدف قرار خواهند گرفت.

در مقابل، بنظر نمی‌رسد تهران آماده باشد ضربه‌ی مستقیمی به مراکز نفتی منطقه بزند؛ چرا که به هیچ‌وجه ترغیب دخالت نظامی آمریکا بکنش نیست. در صورتی که این اقدامات تحریک‌آمیز با شکست مواجه شود، تهران دیگر بایستی "کارت آخرش" را که همان هجوم بزرگ نهایی است که اینها اعلام شده و هدفش اینبار شکستن پهلوی ارتش عراق است، بازی کند. این هجوم مدت زیادی است که مورد نظر بوده و حتی قبل از ضدحمله‌ی عراق علیه جزیره‌ی خارک، که بنظر می‌رسد مشخصاً برای عقب‌انداختن و حتی جلوگیری از حمله‌ی ایران نیز انجام گرفته است.

## برگ‌آخر

در ایران "هجوم‌های بزرگ"

بقیه در صفحه‌ی ۲۰

ایران چگونه به مبارزه طلبی جدید عراق (یعنی) اوجگیری اوضاع نظامی که در عرض دو هفته عملاً رژیم تهران را از تنها منبع ارز خارجی‌اش محروم ساخته، پاسخ خواهد گفت؟ بدون دهانه‌ی نفتی جزیره‌ی خارک، جمهوری اسلامی نه می‌تواند کوشش پرخرج جنگی خود را دنبال نماید و نه می‌تواند بطور مصنوعی، اقتصادی را که بواسطه‌ی ۵ سال اداره‌ی آنارشیک بی‌حال شده است، سرپا نگهدارد.

از این پس رژیم تهران کنج دیوار است. برای جلوگیری از ورشکستگی بایستی زود عمل کند، چرا که انباشته‌های ارزی‌اش بیش از ۳ تا ۴ ماه بقاء برایش نمی‌گذارد. با وجود این از نظر داخلی، رهبران ایران سعی دارند اوضاع را غیر وخیم جلوه دهند و تاکنون هیچ اقدام خاصی جهت بسیج افکار عمومی خود بر علیه تهدیدی که در افق ظاهر می‌شود، انجام نداده‌اند.

بطور متناقضی ایرانی‌ها که از همه بیشتر به این جریان وابسته هستند، از همه کمتر پیرامون بحرانی که روی آورده‌ی کشورشان تصمیم‌گیری خواهد کرد، مطلعند. همه چیز چنین می‌نماید که رهبران اسلامی می‌خواهند نزدیک شدن خطر را از چشم مردشان پنهان نمایند. با امید اینکه درگیری سریعاً با راهل توافق آمیزی که عراق را راضی به رها کردن استراتژی خفه‌کردن تدریجی لنگر جزیره‌ی خارک نماید، پایان یابد.

تهران متقاعد شده است که بغداد با کارت سفید عربستان سعودی و کویت وارد این عملیات شده است. برای رهبران ایران قابل تصور نیست که عراق که قسمت اعظم مخارج جنگی‌اش توسط ریاض و کویت پرداخت می‌شود، قادر باشد بدون مشورت قبلی آنها اوضاعی را در خلیج فراهم نماید که منافع کشورهای نفتی کناره‌ی خلیج را به خطر بیاندازد.

پس تاکتیک تهران برای خروج از بحران فعلی متقاعد ساختن این کشورها بر این امر است که عدم ثبات خلیج منافع سلطنت‌های نفتی را بیش از ایران - که ۵ سال است خوب یا بد در وضعیت کمبود نرزمین جان خود را حفظ کرده است - به خطر می‌اندازد. طبق نظر رهبران ایران، عربستان سعودی،



## ”آزادترین پارلمان دنیا“؟!

و

## ”آزادترین نمایندگان دنیا“؟!

مجلس ضدخلقی دوره اول، با اینکه معدودی لیبرال‌های جیون را نیز بمنابه دکورهای بی‌آزار در خود جا داده بود، اما بهرحال اطمینان خاطر خمینی را تا حدودی فراهم می‌کرد. ولی قرائن نشان می‌دهد، برغم تلاش رژیم برای یکدست‌تر کردن ”مجلس“ دور دوم، نگرانی و اضطراب خمینی از جنگ و جدال‌های آتی نمایندگان مزدور بیشتر از دوره قبل می‌باشد. ”مجلس“ خائن گذشته، آئینه‌ای از کشمکشها و تضادهای درونی رژیم بود و هر جلسمی آن به مشاجره و صف‌آرایی جناح‌های متخاصم مبدل می‌شد. پند و اندرزها و عتاب و خطاب‌های کذائی خمینی نیز ضمن آنکه همزمان از جانب تمامی جناح‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت! تنها برای چند جلسه، کلمات ”وحدت‌بخش“ و محبت‌آمیز را چاشنی مشاجرات ”نمایندگان“ می‌نمود اما پس از رقیق شدن فضای ناشی از خشم و غضب امام دجال، مجدداً اعضای مجلس همچون وحوش بجان هم می‌افتادند، بنحوی که خمینی، درمانده از هرگونه چاره‌جویی، این اواخر سعی می‌کرد بمنظور کاهش انعکاس اجتماعی این تضادها، آنها را ”بحث‌های طلبگی“ قلمداد کند! اما بهرحال فعال بودن تضادها در مجلس، گروکشی‌ها، مقابله به مثل‌ها، ”سوال“ها و استیضاحات، چند تن از بهترین مهرهای جنایتکار و هم‌گاسه و مورد اعتماد خمینی؛ از قبیل: حاجی شفیق، کریمی نوری، عسکراولادی و در مراحل بعدی پوراستاد و خاموشی را در چنبر خود گرفتار کرد! اینک در شرایطی که غائله انتخابات مجلس دوم رژیم تقریباً در حال پایان گرفتن است و خمینی دجال به همراه دیگر سردمداران رژیمش سعی می‌کند به هر نحوی شده، سرپوشی را که از روی لجن‌زار نفرت‌انگیز مناسبات درونی ارتجاع کنار رفته بود، روی آن برگرداند! بسیار بیمناک‌تر از گذشته، برای مجلس جدید فرمایشی‌اش خط و نشان می‌کشد و برای آن به شدیدترین لحنی حد و مرز تعیین می‌کند! در این رابطه خمینی، در پیام خود بمناسبت افتتاح ”مجلس“ دوم در روز

۷ خرداد، تقریباً همه چیز را آشکارا گفت و بقول خودش ”میل“ نداشت ”این مسائل را بطور سرباز عرض کند“، اما کرد! خمینی که بنظر می‌رسید هنگام تنظیم پیام، از یادآوری رسوائی خارج از اندازه‌ی ایادی خائش امثال عسکراولادی بشدت دلگیر و غضبناک بوده است، خطاب به نمایندگانش ضمن پرهیز دادن آنها از بکار بردن ”کلمات نیش‌دار و اهانت‌آمیز“ گفت: ”مسئله بسیار مهم است. آبرو و حیثیت یک مسلمان (!) یا یک انسان (!) در کار است. چه بسا با یک انحراف شما، یک انسان آبرومند در جامعه ساقط شود.“ و سپس بدون ابهام‌گوئی و پرده‌پوشی، در رابطه با خفقان گرفتن نمایندگان و عدم طرح تضادها در ”مجلس“ صریحاً گفت: ”اگر انحرافی دیدید، نخست بدون سروصدا، دنبال تحقیق بروید. پس از آنکه مسلماً معلوم شد، قبل از اینکه کشیده شود به مجلس، با طرف، به گفتگو بنشینید و مسئله را حتی الامکان با خود او حل کنید (!) اگر در این مرحله توفیق حاصل نشد در کمیسیون مربوطه او را بخواهید و با کمک دوستان فیصله دهید...“ دجال سپس ضمن اظهار تأسف از برخی نطق‌های پیش از دستور که ”چه بسا ناطق احیانا گمان کند بی قید و شرط و بی‌تعهد و تکلیف باید هرچه که بخواهد بگوید و به هر کس که چه حاضر جلسه و چه غایب، می‌تواند باصطلاح حمله کند“، ناراحتی و خشم خود از برملا شدن وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی در لابلای نطق‌ها و مشاجرات ”مجلس“ را نیز آشکار کرده و اظهار داشت: ”گاهی ارقام و اقلام بسیار از گوشه و کنار اعم از صحیح و فاسد (!) جمع‌آوری می‌کنند و با آبروی دولت و اشخاص و بلکه مجلس بازی می‌کنند“ و در همین رابطه نمایندگان مزدور را نیز مامور مراقبت و کنترل از یکدیگر کرد و گفت: ”آقایان... اگر خدای خواسته کسی از حدود شرعی، چه در نطق‌های قبل از دستور و چه در مذاکرات و محاورات دیگر خارج شد، وظیفه و فریضه‌ی بزرگ نهی از منکر را فراموش نکنند.“ خمینی دجال سپس برای اینکه تهدیدات اختناق‌آلود داخلی‌اش را چند قبضه کرده باشد، دو دستورالعمل جدید را

جزو ضوابط مجلس ضدخلقی آتی قرار داد: اولاً - اگر احیانا یکی از مهره‌ها و کارگزاران مزدور در کشاکش جنگ و جدال بین جناح‌های داخلی رژیم، بی‌آبرو و رسواتر شد و امثال پوراستاد و خاموشی و شفیق و کریمی نوری و باند عسکراولادی، دزدی‌های کلان‌شان آشکار گردید، حق دفاع از خود را در رادیو تلویزیون و مطبوعات داشته باشند، ثانیاً - ”اگر به‌کسی چه از دولتی‌ها یا به دیگران تهمت زده شد، حق شکایت به قوه قضائیه را دارد تا رسیدگی شود و مجرم (!) تعقیب و تعزیر شود. و اگر به یک وزارتخانه و بنیاد (!) تهمت زده شد، حق دفاع با وزیر و رئیس بنیاد است و حق شکایت دارند و قوه قضائیه تعقیب خواهد کرد.“ (ملاحظه می‌شود که خمینی دجال چقدر مسئله را ریز کرده و حتی علناً اسم ”بنیاد“ را برده است که قطعا از چند بنیاد ارتجاعی، در راس همه منظورش ”بنیاد مستضعفین“ است که منافع کلانش مستقیماً به حساب خمینی ریخته می‌شود و ”شفیق“ و ”کریمی نوری“ متوالیا ریاست آن را بعهده داشته‌اند و از قضا هر دو در جریان تشدید تضاد بین جناح‌های رژیم از سرپرستی ”بنیاد“ کنار گذاشته شدند!) اگر موارد فوق را بطور خلاصه سرجمع کنیم، مشخص می‌شود که خمینی از چند طریق از جمله دستور شرعی از نوع ”ولایت فقیه“ی آن، و ادار کردن اعضای مجلس به کنترل یکدیگر، حل و فصل اختلافات در خارج از ”مجلس“؛ و از همه مهم‌تر نشان دادن لبهی ”تعقیب و تعزیر“ قوه قضائیه، ... از هم‌اکنون بزرگترین دهان‌بندها را به نمایندگان ”انتخابات آزاد“ش زده است! جالب اینجاست که دو روز بعد رفسنجانی که اردال و اوباش باصطلاح نماینده را به بارگاه شیطان در جماران برده بود، تاکید کرد که دستورالعمل‌های خمینی را تبدیل به آئین‌نامه‌ی درونی مجلس خواهد نمود؛ و همچنین کارگزاران رادیو و تلویزیون و هم ”شورای عالی قضایی“ ارتجاع، طی اطلاعیه‌های جداگانه‌ای اعلام کردند که بر اساس دستورالعمل جدید خمینی عمل خواهند نمود. یکی اعلام کرد که برای ”دفاع از مظلومین“! که در مجلس مورد حمله قرار گرفته‌اند، وقت صحبت در رادیو خواهد داد و این یکی نیز تاکید کرد که پس از پیام خمینی، فی‌الغور دو شعبه در ”دادسرای عمومی تهران“ تعیین کرده است تا به شکایات ”وزیر یا رئیس بنیاد“ که در ”مجلس“ مورد

## خدای شیران

سروده‌ای از: اسماعیل وفا- یغمانی

باز هم برای یادگار!  
و یادآوری دوران حکومت ”فقیهان“

ای جادوانه دیو فسونگر  
ای سمبل و نماد ”فقیهان“  
ای آنکه گشت ”روح پلیدی“  
ای ناخدای گشتی تزویر  
از تیر و دار ساخته سگان  
برکنده پوست از تن خلقان  
بر بیگران جور و تباهی  
تا در کدام لُجّه‌ی تاریک  
چون عنکبوت بودی عمری  
و اندوختی ز حیل هر آنقدر  
تا روشنی به خطه ”ایران“  
دردا! که ”رهزن“ آمد و گفتند  
آخر نه آنکه دوخته بودند  
آخر نه آنکه سوخته بودند  
تا طی شود زمانه ”شاهان“  
زین رو به پیشواز تو این خلق  
زینرو فلکند همچو که اسپند  
وز بعد ”شاه“ سگه ”ایران“

باری شدی به تخت و سرودی  
اما نرفته چند صبحی  
دیدیم با شگفتی! آو! آو!  
پیرانه سرفکنندی، شیخا!  
رو بر تو، شادمانه نهادند  
تا از تو گام دل بستانند  
زادی و پروراندی ای دیو  
خون بود ز آن سپس که فروریخت  
غم بود ز آنزمان که برآهیخت  
آتش دوید بر گذر گل  
صد ره بتر ز عهد تتاران  
ناموس و جان و مال خلاقی  
تاریخ ریخت اشک ز دیده  
”شه“ را گذشت خون اگر از پا

اما رسیده وقت که سوزند  
در هر چراغ رشته‌ی ”تسبیح“  
بس معجزات دیده‌ام ای شیخ  
دیری نمانده تا که برآرد  
شیران نخفته‌اند به بیشه  
دیری نمانده تا که برآید  
با خشم سرخ ملت ایران

۱۰ فروردین ۶۳

تهمت قرار گرفته‌اند، رسیدگی کرده و مجرم را ”تعقیب و تعذیر“ نماید!  
جالب اینجاست که در همین ایام رفسنجانی جنایتکار که در دریدگی و وقاحت مرزی باقی نگذاشته - و چه بسا بهمین لحاظ نیز از سوی خمینی به ریاست دور دوم مجلس نیز گماشته شد - اعلام کرد که مجلس ضدخلقی رژیم ”جزو آزادترین پارلمان‌های دنیا است... و نمایندگانش

جزو آزادترین نمایندگان دنیا“!  
(کیهان - ۶/۶ خرداد/۶۳)  
از این اراجیف شناخته‌شده‌ی رفسنجانی که بگذریم، از موضع تاکید و توجه هم که شده می‌شود مطرح کرد که وقتی رژیم با داخل خود و با ایادی مزدور و وابسته به خودش چنین برخورد می‌کند و برای مهار آنها چنین اختناق را تدارک می‌بیند، در رابطه با جامعه و مردم عمیقاً ضدارتجاع چه می‌کند؟



## گرامی باد خاطره تابناک شهدای مجاهد خلق

به یاد ۱۷ مجاهد دلیری که بر فراز چوبه‌های دار در زندان مشهد پرچم آزادی ورهائی را برافراشتند



امان

به شهادت رسید .  
سرانجام مادر شایسته طی تهاجم پاسداران به یکی از پایگاههای مقاومت دستگیر شد. پاسداران مزدور یک هفته در پایگاه ماندند تا در صورت مراجعهی فرزندان مجاهد مادر، آنها را دستگیر کنند و در همین رابطه او را مجبور به پاسخگویی به تلفن‌ها می‌کردند، اما مادر یکبار هنگامی که فرزندش تلفن می‌کند، با خونسردی و تسلط کامل شروع به صحبت با او کرده و طبق قراری که از قبل با یکدیگر داشتند، رمز عدم سلامتی پایگاه و حضور پاسداران را تحت عنوان "یک قرار" به او می‌گوید. پاسداران به تصور اینکه توانستند او را به دام بیندازند، از ساعت‌ها قبل محل قرار را محاصره می‌کنند و حدود ۲ ساعت هم پس از وقت قرار منتظر می‌مانند، اما بعد متوجه می‌شوند که این قرار، محملی بیش نبوده و مادر با هوشیاری توانسته فرزند مجاهد خود را از چنگ مزدوران نجات دهد. بدنبال این ماجرا، بلافاصله او را به شکنجه‌گاه منتقل کرده و شدیداً تحت شکنجه قرار دادند. در آنجا نیز مادر با روحیه‌ای قوی و اراده‌ای استوار، لب از لب نگشود و با روحیه‌ی بسیار تهاجمی با بازجویان و شکنجه‌گران برخورد می‌کرد.

سرانجام پس از چندین ماه شکنجه و آزار وحشیانه، مادر قهرمان مجاهد خلق، صغری داوری (شایسته) را به همراه فرزند مجاهدش احمد و تعدادی دیگر از اسرای دلیر مجاهد خلق در حیاط زندان مشهد حلق‌آویز کرده و او را به شهادت رساندند.

\*\*\*

مجاهد شهید محمد علی روحانی از میلیشیا فعال دانش‌آموزی مشهد بود که پس از آغاز نبرد انقلابی مسلحانه بر علیه رژیم خمینی دجال دستگیر شد و چندین ماه تحت شکنجه قرار گرفت. او را ابتدائاً به ۱۵ سال زندان محکوم کردند، اما همراه با موج جدید اعدام‌ها در بهار ۶۱ و نیز بدلیل کینه و نفرت ضدانقلابی که از او بخاطر مقاومت قهرمانانه و روحیه‌ی مقاوم در صفحه ۱۸

خیابانی، افشاکاری و مراجعه به ارگان‌های رژیم جهت اعتراض به ضرب و شتم مجاهدین و میلیشیا و ... نقش فعالی داشت و تمامی زندگی و امکانات و خانه‌اش را در اختیار سازمان قرار داده بود. مادر شایسته در نمایشگاهی که به مناسبت سالروز شهادت شکرالله مشکین‌فام به مدت یک‌ماه در خیابان دانشگاه مشهد برپا شده بود، شرکت می‌کرد. وی در برف و باران در کنار نمایشگاهها می‌ایستاد و برای بازدیدکنندگان کار توضیحی می‌کرد.

مسئولیت مادر، توزیع نشریه در منطقه‌ی رضاشهر بود و مدتی نیز مسئولیت تیم‌های مادران در همان منطقه را بعهده داشت. او با احساس مسئولیت فراوان تلاش می‌کرد تا آنجا که می‌تواند وظایف و مسئولیت‌های محوله‌ی خود را به بهترین نحوی انجام دهد.  
در تابستان ۶۰ یکی از فرزندان مجاهد او، "فاطمه" که کارمند هواپیمائی بود، دستگیر شد و پس از مدتی در زندان

اینک در سالگرد شهادت این قهرمانان مجاهد خلق، فرازهایی کوتاه از زندگی انقلابی تنی چند از آنان را بازگو می‌کنیم:  
مادر شایسته یکی از فعالترین مادران هوادار سازمان در شهر مشهد بود، تمام افراد خانواده‌ی او نیز از هواداران فعال سازمان بودند. وی، در دفاع از مجاهدین، توزیع و پخش نشریه، کار توضیحی

روز تعدادی از اسیران، قهرمانانه بر فراز چوبه‌های دار، فریاد تسلیم‌ناپذیری فرزندان رشید این خلق مجاهدپرور را سر دادند و مظلومانه، اما در اوج شرف و افتخار به شهادت رسیدند.

خبر این جنایات و وحشیگری‌ها اگر چه به ندرت در روزنامه‌های جیره‌خوار رژیم منعکس می‌گردید، اما همان تعداد اعلام‌شده از سوی رژیم، بخوبی بیانگر ابعاد جنایت دژخیمان خمینی بود. از جمله روزنامه‌های ۱۱/خرداد/۶۱ خبر حلق‌آویز شدن ۱۷ مجاهد دلیر را در زندان مشهد منتشر کردند. طبق این خبر، مجاهدین قهرمان ولی‌الله قاسملوئی تکان‌تپه، محمد مهدی جهانبانی، قربان مقیمی، اکبر احمدی، احمد شایسته، صغری داوری (شایسته)، مصطفی امامقلی، مریم صدراالاشرف، مهری قره‌داشی، محمدابراهیم صالحی‌مقدم، غلامرضا محمدزاده، عبدالحسین مولوی، علیرضا باغبان، محمدادهمی، محمدعلی روحانی، دکتر جعفر شکوهی سیمائی و محمدرضا پهلوانلو در زندان مشهد بدار آویخته شده بودند.

در میان این شهدا حضور مادری ۶۰ ساله، "صغری داوری (شایسته)" در کنار فرزند مجاهدش "احمد شایسته" بیانگر یکی دیگر از ابعاد پرشکوه مقاومت نسل انقلابی مجاهد خلق است؛ نسلی که از پیر و جوان و زن و مرد، جان برکف به میدان آمده‌اند تا در نبردی تمام‌عیار با دشمن خدا و خلق، خمینی جلاد، آینده‌های تابناک برای خلق و میهن خویش به ارمغان آورند.

در بهار خونین ۶۱، شهر مشهد هر روز شاهد حلق‌آویز شدن شماری از فرزندان رشید مجاهد خود بود؛ دلاورانی که از نوجوانان دانش‌آموز گرفته تا مادران سالخورده، همچون مادر قهرمان "شایسته" تا پای جان در برابر شکنجه‌های وحشیانه مقاومت کرده بودند و سرانجام سرفرازانه جان بر سر دار می‌باختند اما به عهد و پیمان خود با خدا و خلق جفا نمی‌کردند ...

دژخیمان خمینی در زندان مشهد، از همان فردای ۳۰ خرداد ۶۰ و با کنار زده شدن آخرین نقاب‌های تزویر و ریا از چهره‌ی پلید خمینی و آغاز مقاومت انقلابی مسلحانه، به فرمان امام جنایتکار خود، شکنجه و کشتار هزاران تن از مجاهدین و مبارزین را آغاز کردند. هر روز در شکنجه‌گاه‌های متعدد، صدها تن به زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها کشیده می‌شدند و شماری نیز در برابر جوخه‌های اعدام قرار می‌گرفتند اما برغم همه‌ی شکنجه‌ها و فشارها و شهادت‌ها، اسرای مجاهد با آزاده‌های پولادین و عشق و ایمانی بی‌پایان به خلق و کینه‌ای عمیق و انقلابی از دشمنان سعادت و بهروزی توده‌های مردم، قهرمانانه در زندان‌ها و سیاهچال‌ها مقاومت می‌کردند.

از اواخر سال ۶۰ و ابتدای بهار ۶۱، دژخیمان خمینی موج جدیدی از کشتار وحشیانه‌ی اسرای مجاهد و مبارز خلق را آغاز کردند و این بار دشمن برای درهم شکستن روحیه‌ی مقاومت زندانیان و خانواده‌های آنها و نیز ایجاد جو رعب و وحشت و هراس در میان مردم، چوبه‌های دار- سمبل استبداد مطلق - را در میدان‌ها و خیابان‌های شهر و حیاط زندان برپا ساخت.

صحنه‌ی آزمایش دیگری در برابر اسرای مقاوم و انقلابی قرار گرفت. آزمایشی که از پیش روشن بود که در آن باز هم برنده‌ی اصلی، مجاهدین و انقلابیون دلیری هستند که تا قبل از آن نیز بارها و بارها در زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا آزمایش پایمردی و استواری خود را پیروزمندانه پشت سر گذاشته بودند. و اینچنین بود که هر

**کیهان**

**۱۷ منافق در مشهد بدار آویخته شدند**

۱۱/خرداد/۶۱

**شهد - خبرنگار کیهان -**  
بحکم دادگاه انقلاب اسلامی مشهد ۱۷ تن از فعالان گروهک منافقین بدار آویخته شدند .  
اسامی اینعده که در عملیات ترور و تخریب ، زواج فرهاگ انحراف و همچنین در فعالیت‌های پیگیر در زندان شرکت داشته‌اند، باین شرح است :  
ولی‌الله قاسملوئی تکان‌پیشه  
فرزند اسکندر - محمد مهدی جهانبانی فرزند غلامحسین-قربان مقیمی فرزند غلامحسین - اکبر احمدی فرزند حسن- احمد کایسته

فرزند علی‌اکبر - مصطفی امامقلی  
فرزند محمد - صغری داوری (مادر شایسته) فرزند رضانعلی - مریم صدراالاشرف فرزند یوسف- مهری قره‌داشی فرزند ابوالفضل - محمد ابراهیم صالحی‌مقدم فرزند محمد رضا - غلامرضا محمدزاده فرزند قربانعلی - عبدالحسین مولوی فرزند محمدحسین- علیرضا باغبان فرزند قربانعلی - محمد ادهمی فرزند ابراهیم - محمدعلی روحانی فرزند محمد- جعفر شکوهی سیمائی فرزند مهدی - محمدرضا پهلوانلو فرزند محمد مهدی .





بمناسبت سالروز آغاز تهاجم مزدوران رژیم  
به خوابگاههای دانشجویان در ۱۵ خرداد ۵۹

## کمبود مسکن و خوابگاه

### مشکل روز دانشجویان و مسئله‌ای برای رژیم

خمینی با شروع جنگ، کلیه امکانات و تجهیزات دانشگاه (از جمله خوابگاههای دانشجویان) در اختیار حبه‌ها قرار گرفت!

(اطلاعات - اول/آذر/۶۲)  
اما پس از تصمیم رژیم مبنی بر باصلاح نوگشائی دانشگاهها، فقدان مسکن و خوابگاه دانشجویی همواره بصورت معضل بزرگی برای رژیم جلوه کرده است. حتی کارگزاران دانشگاهی رژیم در تلاشند تا از طریق چانه‌زدن با ستادهای جنگی ارتجاع، برخی ساختمانها و خوابگاههای دانشجویی، علی‌الخصوص در استانهای جنگ‌زده را در اختیار خود بگیرند. از فقدان امکانات دولتی که بگذریم، در زمینه تهیه مسکن خصوصی و فردی نیز، دانشجویان با مشکلات متعددی روبرو می‌باشند. زیرا در سالهای اخیر، مهاجرت روستائیان و ساکنان شهرهای کوچکتر به مراکز استانها و بویژه تهران، تقاضا برای مسکن را در این مناطق بسیار افزایش داده است. این تقاضای دائم‌التزاید با توجه به اینکه در این سالها در سایه حاکمیت ویرانگر و نکبت‌بار ارتجاع، هیچگونه خانه‌سازی اساسی صورت نگرفته، جبرا منجر به افزایش سرسام‌آور اجاره‌ی مسکن گردیده است؛ بنحوی که پیدا کردن یک خانه و یا حتی یک اتاق کوچک برای یک خانواده و یک فرد، جزو کارهای شاق و گاه غیرممکن درآمده‌است و در صورت پیدا شدن نیز، اجاره‌ی سنگین آن، بخش عمده

۱۵ خرداد ۵۹، مزدوران پاسدار و کمیته‌چی‌های منطقه‌ی فلهک به خوابگاه دانشجویی دختران و پسران مدرسه‌ی عالی ترجمه‌ی مفیدی یورش بردند و دانشجویان هر دو خوابگاه را به شکلی زننده از اطاقها بیرون انداخته و به بازرسی اطاقها پرداختند. این یورش وحشیانه سرآغاز تهاجمات ضدانقلابی رژیم به خوابگاههای دانشجویی بود و از آن پس بتدریج کلیه خوابگاههای دانشجویی به سردمداری پشت پرده‌ی بهشتی معدوم و حزب منفور او و بوسیله‌ی تهاجمات و تاخت‌وتاز جماقداران حرفه‌ی رژیم، تخلیه گردید. این توطئه‌ی ضدانقلابی در زمانی انجام پذیرفت که هنوز بیش از یک‌ماهه‌نیم از جنایت ارتجاع، موسوم به "انقلاب فرهنگی" نگذشته بود و ایادی رژیم آشکارا این عمل را مکمل "انقلاب فرهنگی" خود قلمداد می‌کردند! گویانکه در همان زمان، تهاجمات وحشیانه‌ی مزدوران ارتجاع به خوابگاههای دانشجویی دختران و پسران، برای همگان ماهیت "انقلاب فرهنگی" خمینی و دارودسته‌ی مرتجعش را برملا نمود و نشان داد که هدف از این ترکتازی‌ها و به خون کشیدن صحن دانشگاهها تنها و تنها محدود کردن آزادی‌ها و فشار هرچه بیشتر بمنبروهای انقلابی بوده‌است.

از آن پس، خوابگاههای دانشجویی عملا در اختیار نهادهای ضدانقلابی رژیم گذاشته شد و طبق گفته‌ی معاون "وزارت فرهنگ و آموزش عالی"،

دارد، "فقط چند ترم" تحصیل کند! در آئین‌نامه‌ی مذکور دلیل اینکار، منجمله "کاهش مشکلات مربوط به تامین خوابگاه دانشجویان جدید" ذکر گردیده است. در شیوه‌ی دیگر اتخاذ شده از سوی رژیم، دانشجویان هم‌رشته از دو شهر مختلف می‌توانند، جای خود را با یکدیگر عوض کنند. آئین‌نامه‌ی این طرح که در ۱۶ اسفند سال گذشته به تصویب "سناد انقلاب فرهنگی" رژیم رسید، به همراه طرح قبلی موسوم به "دانشجوی میهمان" آتارشی مضحکی را در کلیه‌ی دانشگاهها ایجاد کرده است، بنحوی که همه جا آگهی‌های انتقال و مبادله دیده می‌شود و حتی پای آن به روزنامه‌های رژیم نیز کشانده شده است. در حالیکه این قبیل طرحهای ارتجاعی، نه تنها هیچ مشکلی را از رژیم در زمینه‌ی مسکن دانشجویان حل نکرده، بلکه هرج و مرج ناشی از آن، مشکلات رژیم در دانشگاهها را دوجندان کرده است! در همین رابطه رفسنجانی جنایتکار در نمایش جمعی هفته‌ی آخر اردیبهشت اسام، ضمن اینکه اعلام کرد

و اساسی از درآمد متقاضی را به خود اختصاص می‌دهد. دانشجویان غیر بومی عموما با چنین مشکلاتی مواجه می‌باشند. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که طرح ضدانقلابی موسوم به "مالک و مستاجر" که دادستانی ضدانقلاب رژیم در شهریور سال ۶۱ برای دستیابی به رزمندگان مجاهد خلق در سراسر کشور و بویژه در تهران، به اجرا درآورد، اینک به مشکلی برای خود رژیم نیز تبدیل شده است، زیرا هر چند رزمندگان مجاهد خلق و هسته‌های مقاومت موفق شدند با اتخاذ تاکتیکها و شیوه‌های مناسب مسئله‌ی استقرار خود را حل نمایند اما بهرحال جو اختناق و سرکوبی که رژیم در این رابطه براه انداخت و جریمه و مجازات سنگینی که برای صاحبخانه‌های "متخلف" در این زمینه در نظر گرفت و در موارد متعددی نیز به اجرا گذاشت، تاثیر اختناق‌آلود اجتناب‌ناپذیر خود را بر روی برخی صاحبان خانه‌ها و اطاق‌های خالی باقی گذاشت و لذا سواست و سختگیری اجتماعی در این زمینه، اینک حتی دامن

**فقدان مسکن و خوابگاه دانشجویی همواره بصورت معضل بزرگی برای رژیم جلوه کرده است. حتی کارگزاران دانشگاهی رژیم در تلاشند تا از طریق چانه‌زدن با ستادهای جنگی ارتجاع، برخی ساختمانها و خوابگاههای دانشجویی، علی‌الخصوص در استانهای جنگ‌زده را در اختیار خود بگیرند.**

رژیم قصد دارد برای حل تنگنای خوابگاه دانشجویی "بنیاد مسکن دانشجو" درست کند؛ از مردم خواست تا به دانشجویان اطاق اجاره دهند و یا آنها را بصورت پانسیون در خانه‌ی خود بپذیرند. بلافاصله نیز "وزارت فرهنگ و آموزش عالی" رژیم اطلاعیه‌ی صادر کرد و اعلام کرد برطبق سخنان رفسنجانی، بزودی جهت ایجاد بنیاد مسکن کذائی، شماره حسابی افتتاح خواهد شد! ولی نا اجرای این طرحها، وزارتخانه‌ی فوق، در رابطه با اجاره‌ی اطاق به دانشجویان، "ضمانت‌های حقوقی لازم" را عهده‌دار می‌شود! (جمهوری - اول/خرداد/۶۳)  
ضمنا بدنیست به این نکته هم اشاره کنیم که با نزدیک شدن ماه مبارک رمضان، رژیم

وابستگان رژیم را نیز گرفته است! از سوی دیگر شیوه‌های مسخره‌ی رژیم در زمینه‌ی حل مشکل مسکن دانشجویان نیز نتیجه‌ی عاید رژیم نکرده است. براساس یکی از این تاکتیکها، طی بخشنامه‌ی در ۲۷ بهمن‌ماه ۶۲ اعلام گردید که دانشجویان می‌توانند برای چند ترم تحصیلی، براساس ضوابط ساده‌ی بصورت "میهمان" به دانشکده‌های دیگر بروند و مفهوم آن نیز اینست که فی‌المثل دانشجوی اهل تبریز که در یکی از دانشگاههای تهران قبول شده - در صورت پیدا نکردن مسکن - می‌تواند به محل سکونت خود (و یا شهری که احیانا برای دانشجو مسئله‌ی مسکن چشم‌انداز دارد) رفته و در یکی از دانشکده‌های آن شهر که با رشته‌ی درسی‌اش همخوانی

درمانده‌ی خمینی، در عجز کامل از حل مسکن دانشجویان شهرستانی، به کلیه‌ی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی تهران دستور داده است، به مدت ده روز (اول تا دهم ماه رمضان برابر با ۹ تا ۱۹ خرداد) "امکانات لازم جهت اقامت" این قبیل دانشجویان را "در محلی نزدیک کلاس‌های درس فراهم نمایند"! در رابطه با این اقدام مشغع و البته مفلوکانه‌ی رژیم، بایستی توضیح دهیم که اسکان ۱۰ روزه‌ی دانشجویان شهرستانی به این خاطر است که آنها بتوانند بانوجه به تامین شدن محل اقامت برای ۱۰ روز، روزه‌های خود را کامل گرفته و در تهران باقی بمانند و پس از آن دیگر می‌توانند به امان خدا، با دهان روزه در تهران رها شوند؛ چرا که مرتجعین دین‌فروش و عوامفرب بزعم خود با این تاکتیک جلوی شکسته شدن روزه‌های آنها را گرفته‌اند!! (کیهان - ۲۹/اردیبهشت/۶۳)  
در خاتمه بایستی تاکید کنیم که رژیم فقط از سرلا علاجی به پراکنده کردن دانشجویان در شهرها و خانه‌ها تن داده است و إلا علیرغم مشکلات متعددی که گریبانگیر رژیم می‌باشد، سردمداران ارتجاع ترجیح می‌دهند که دانشجویان را در خوابگاههای کنترل شده و شبه‌نظامی دانشجویی جمع‌آوری کنند تا از طریق وابستگان و جاسوسان خود که اینک بصورت "سه‌میبه‌ی نهاد" های سرکوبگر، بخش قابل توجهی از دانشجویان را تشکیل می‌دهند، به کنترل و مراقبت آنها بپردازند. در این زمینه‌ی اظهارات رفسنجانی جنایتکار در نمایش جمعی ۲۸ اردیبهشت، بخوبی گواه این نیت و هدف اختناق‌آمیز رژیم می‌باشد؛ وی از جمله گفت: "... اگر ما چنین کاری بکنیم، واحدهای خوابگاه در سراسر کشور بوجود بیاوریم، دانشجویانمان ضمن اینکه در دانشگاه تحت تربیت هستند، در خوابگاهها هم تحت تربیت‌اند. مخصوصا اگر این خوابگاهها دست آنچنان نهادی باشد. (!) اداره بکند، برای آنجا برنامه بگذارد، اخلاق و رفتار و معاشرت و نماز را مواظب باشند، شرایطی برای پذیرش قرار بدهند. یک چنین برنامه‌ای می‌تواند دانشجویانی که در کلاس تربیت می‌شوند اما در منزل و جاهای دیگر منحرف می‌شوند را نجات بدهد!"

**برای تحقق صلح و آزادی همه‌سلاحها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!**



## حمایت‌های بین‌المللی از سیاست‌های صلح خواهانه شورای ملی مقاومت

### سوئیس

### قطعنامه کنگره حزب لیبرال سوسیالیست سوئیس

کنگره سالیانه حزب لیبرال سوسیالیست سوئیس، در تاریخ ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت (۱۲ و ۱۳/۴/۸۴) با شرکت ۷۵ تن از رهبران، اعضای بخش‌های حزب و نمایندگان پارلمان سوئیس در شهر "اینترلاکن" سوئیس برگزار شد. در این کنگره که موضوع آنرا مسائل داخلی حزب تشکیل می‌داد، انجمن دانشجویان مسلمان سوئیس به عنوان تنها هیئت خارجی شرکت داشت. در جلسه افتتاحیه کنگره، رئیس حزب به همراه دبیرکل لیبرال سوسیالیست‌های سوئیس، حضور نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان را خوشامد گفتند. سپس آقای هانس بارت هوخلی دبیرکل حزب به سخنرانی پرداخت. وی در قسمتی از سخنان خود اظهار داشت: "من به حضور میهمانی از کشوری که تنها توسط شکنجه و سرکوب حکمرانی می‌شود، خیرمقدم می‌گویم. این دوستان از جانب شورای ملی مقاومت ایران و اپوزیسیون خمینی به اینجا آمده‌اند؛ رژیمی که ما امیدواریم عمر چندان طولانی بعد از این نداشته باشد. امروز ما قطعنامه‌ای نیز در خصوص مسئله‌ی ایران خواهیم داشت که از سوی آقای هانس گاتسن‌اشتاين (رئیس حزب) عرضه خواهد شد تا مورد بررسی و تصویب قرار گیرد؛ ولی صرفنظر از هرگونه تصمیمی در مورد این قطعنامه، اعلام می‌کنیم که ما همواره مخالف دیکتاتوری بوده و جنایات رژیم خمینی را محکوم می‌نمائیم."

بعد از سخنرانی دبیرکل حزب، نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان سوئیس در گفتگو با رئیس حزب لیبرال سوسیالیست سوئیس، دیدگاه‌های شورای ملی مقاومت ایران نسبت به صلح و اقدامات برادر مجاهد مسعود رجوی را برای خاتمه جنگ ایران و عراق تشریح کردند. آقای گاتسن‌اشتاين اظهار داشت که آرزوی پیروزی برای مقاومت مشروع و سراسری

مردم ایران و نیز موفقیت برای پشت جبهه‌ی مقاومت در خارج از کشور را می‌نماید.

در دومین روز کنگره، قطعنامه‌ی حزب لیبرال سوسیالیست سوئیس در مورد وضعیت ایران طرح و پس از بررسی به تصویب رسید. مفاد قطعنامه از طرف کنگره‌ی این حزب، طی نامه‌ی برای برادر مجاهد مسعود رجوی ارسال شده است.

۸۴/۴/۱۳

شورای ملی مقاومت ایران

پاریس

آقای مسعود رجوی

در پایان اجلاس عمومی سال ۸۴ حزب لیبرال سوسیالیست سوئیس که در شهر اینترلاکن برگزار شد، آقای هانس گاتسن‌اشتاين (رئیس حزب) قطعنامه‌ای در جانبداری از شورای ملی مقاومت ایران در مقابل حکومت جابراهی خمینی به شرح زیر عرضه داشت:

"برای هر کس که برای بشریت و حقوق بشر مبارزه می‌کند، غیرممکن است که بتواند در مقابل این مسئله که در هر نیم ساعت در ایران یک زن یا مرد کشته می‌شوند و یا بهتر بگوئیم به قتل می‌رسند، ساکت بماند.

در ایران مقامات فکر می‌کنند که مردم سایر نقاط جهان بخصوص اروپا، از خمینی پشتیبانی می‌کنند، در حالیکه این مطلقاً ناصحیح است. ما در اینجا و در مقابل این تفکر لازم می‌دانیم با تظاهرات خود و با قطعنامه‌مان هر اقدامی را علیه چنین حکومت خودکامه‌ای به عمل آوریم. ما باید هر نوع قرارداد اقتصادی را با چنین حکومتی قطع کنیم. من با دو نفر که خانواده‌شان را از دست دادند و فعلاً در اینجا اقامت دارند، صحبت کردم. آنها همراه با هزاران نفر دیگر برای حکومتی بهتر و حقوق اجتماعی واقعی خود می‌جنگند. تصویب قطعنامه از طرف ما لیبرال سوسیالیست‌های سوئیس، می‌تواند کمکی در راه دسترسی به زندگی بهتر و شرایط اجتماعی برتر در ایران باشد. شاید در دوران پس از خمینی ما نخستین کسانی باشیم که به ایران، این کشور مصیبت‌زده، دعوت خواهیم شد تا کمک‌ها و پیشنهادهایمان را ارائه کنیم. حل مسأله‌ی که اکنون افرادی را بسیار غنی و افرادی را بسیار

بسیار تهیدست می‌سازد؛"

### انگلستان

### سؤال از دولت انگلیس توسط نمایندگان پارلمان در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران و جنگ ایران و عراق

آیا وزیر خارجه مطلع است که شورای ملی مقاومت در تبعید بهره‌بری مسعود رجوی تنها نورامید هزاران ایرانی است؟

با گسترش دامنه‌ی فعالیت نمایندگان شورای ملی مقاومت و اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، موج پشتیبانی از اقدامات صلح‌خواهانه‌ی شورای ملی مقاومت و محکومیت رژیم خمینی ابعاد گسترده‌ای بخود گرفته است. در این رابطه نه تنها شخصیت‌ها، احزاب، سازمان‌ها و اتحادیه‌های مختلف در کشورها، حمایت خود را از جنبش صلح شورای ملی مقاومت ابراز می‌دارند؛ بلکه گروه‌های پارلمانی و نمایندگان مجالس در کشورهای مختلف نیز در کنار سازمان‌های بین‌المللی اقدامات شورای ملی مقاومت را تأیید و رژیم خمینی را محکوم می‌نمایند.

در همین رابطه در مجلس اعیان انگلیس سولاتی توسط دو تن از لردهای انگلیس از دولت این کشور طرح شده که معاون پارلمانی وزیر خارجه در مجلس اعیان این کشور به توضیح در مورد آن پرداخت. این سولات در مورد نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی و شناسائی تنها آلترناتیو مشروع و سراسری یعنی شورای ملی مقاومت و نیز جنگ ایران و عراق و فروش اسلحه به ایران توسط انگلیس بود. سولات مزبور در اجلاس ۱۹ اردیبهشت (۸۴/۴/۹) مجلس اعیان

گنجاندن کلمه‌ی "همه‌ی دیکتاتورها" در قطعنامه بود. در این قطعنامه آمده است: کنگره‌ی حزب لیبرال سوسیالیست سوئیس، نقض مستمر حقوق بشر را در ایران بشدت محکوم می‌نماید، اقدام‌های مداوم و شکنجه و سرکوب که تاکنون به قربانی شدن تعداد زیادی از انسان‌های آزادیخواه و دمکرات و میهن‌پرست و مجاهدین منجر گردیده است و چندی قبل در گزارش جامع

لرد مالوی مجدداً اضافه کرد؛ باعث افتخار خواهد بود که دولت‌ها در رابطه با مسئله‌ی وحشتناکی درآمده است پیشقدم باشد؛ و آن وضعیت حقوق بشر در ایران است که اخیراً نیز مجدداً در رسانه‌های گروهی منعکس گردیده است. ثانیاً آقای وزیر مطلعند که شورای ملی مقاومت در تبعید به رهبری مسعود رجوی تنها نورامید هزاران هزار ایرانی است؟ آیا دولت به گوشه‌های خود جهت اطلاع سایر دولت‌ها از وضعیت

ایران ادامه خواهد داد؟ من مطمئن هستم که این کار نه تنها اعتبار خاصی به دولت انگلیس خواهد بخشید بلکه تحسین مردم کشورمان را نیز دربر خواهد داشت.

سپس لرد کلدوین از حزب کارگر انگلیس سؤال کرد: آیا کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تقاضای انتصاب نماینده‌ای جهت تماس با دولت ایران در رابطه با وضعیت موجود بعمل نیاورده؟ چه پیشرفتی در این رابطه صورت گرفته و دولت انگلستان چه اقدامات دیگری را از طریق سازمان ملل در جهت بهتر شدن اوضاع پیشنهاد می‌نماید؟ معاون پارلمانی وزیر خارجه پاسخ داد که ما هنوز منتظر عکس‌العمل دولت ایران در این رابطه هستیم. سپس لرد مالوی اظهار داشت: با افزایش بی‌سابقه‌ی خشونت در ایران شاید تشکیل کنفرانس و یا اقدام به اعمال فشار بتواند به این رویه خاتمه دهد. لرد ترف گارن پاسخ داد: با توجه به تجربیات قبلی، من در این مورد تردید دارم. ویسکوت سنت دیوید (از حزب محافظه‌کار) گفت: لردی که این سؤال را مطرح کرده و سایر افرادی که در کنار او هستند، دقیقاً همان کسانی هستند که سؤال مشابهی را در هنگام زمامداری شاه، در دستور کار قرار دادند؛ در آنوقت آیت‌الله دولت در تبعید در پاریس تشکیل داده بود. آیا این نشان نمی‌دهد که گرچه اوضاع تا اندازه‌ای رضایت‌بخش نباشد اما امکان دارد که با اعمال فشار و ایستادگی وضعیت خراب‌تر گردد؟

لرد مالوی اضافه کرد: این شرایط مخوفی است که طی آن میلیون‌ها انسان کشته می‌شوند فکر نمی‌کنم جایز باشد این بقیه در صفحه‌ی ۱۶

دبیرکل سازمان ملل در چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر آن سازمان تقبیح گردید. کنگره به مبارزین برای عدالت، یک آمادگی اقتصادی اجتماعی را نیز در خلع رژیم کنونی ایران توصیه می‌کند که قبل از همه، عملکردهائی در جهت تورم‌زدائی به منظور جلوگیری از بیگاری و بحران‌های اقتصادی است که سیاست حزب ما نیز می‌باشد...



## مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با "اونیته" از گان حزب سوسیالیست فرانسه

**L'Unité**

M 2805 - N° 561 - 8 F

L'hebdomadaire du Parti socialiste

1<sup>er</sup> juin 1984**MASSOUD RADJAVI:  
"SEUL KHOMMEYNI VEUT  
LA GUERRE"**

Massoud Radjavi leader des Moudjahedines du peuple vit en exil en France depuis trois ans, comme la quasi-totalité de l'opposition iranienne. De son pavillon d'Auvers-sur-Oise transformé en bunker, il interpelle l'imam Khomeyni en le sommant d'organiser des élections enfin libres, s'explique sur ses relations avec l'Irak et l'Union soviétique ainsi que sur la guerre du golfe et ses dissensions avec Banisadr

**مسعود رجوی :****"تنها خمینی خواهان جنگ است"**

مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق از سه سال پیش در فرانسه در تبعید بسر می برد، تقریباً مثل تمام اپوزیسیون ایران. او از ویلایش در "اورسوراواژ" که تبدیل به یک پناهگاه شده است، امام خمینی را خطاب قرار داده و به او هشدار می دهد که سرانجام انتخاباتی آزاد ترتیب خواهد داد. او در مورد رابطه با عراق و شوروی و همچنین جنگ خلیج و اختلافتش با بنی صدر، توضیح می دهد.

مصاحبه گر: کارلوس فراری لویز

کشور ( نه تنها کاملاً مورد تایید، بلکه شایان تحسین اند" و این جواب ماست.

\* سوال: در اطلاعاتی که شورای ملی مقاومت به مواضع آقای بنی صدر، تنها اشاره شده است.

جواب: من نمی خواهم وارد جزئیات شوم. ما ترجیح دادیم به گونه ای مثبت، مواضعمان را توضیح دهیم تا اینکه به گونه ای منفی بر روی نقاط عدم توافق انگشت بگذاریم.

از طرف دیگر مسئله اصلی در نظر ما عراق نیست، بلکه رژیم خمینی است. از نظر سوق الجیشی غیر ممکن است که عراق بتواند روزی به کشور ما نوعی دولت و یا نوعی وابستگی تحمیل کند. ما می دانیم که در حال حاضر عراق خواهان صلح است.

\* سوال: آیا برای همین بود که آقای طاروق عزیز به "اورسوراواژ" آمد؟

جواب: بله، ما سیاستی را دنبال می کنیم که هدف آن رسیدن به صلح درست و عادلانه با عراق است. روابطمان با این کشور، خیلی روشن است. ما خواهان صلح هستیم، آنها هم همینطور. تنها خمینی خواهان جنگ است. ما پیشنهادهای

اطلاعهایی رسمی شورای ملی مقاومت نوشته شده است: "پافشاری و پیگیری در زمینه پیشرده سیاست صلح، امری اساسی در جهت تامین منافع مردم است. شورای ملی مقاومت، مایل است بار دیگر اعلام کند که گامهایی که تاکنون در این راه برداشته شده اند (ملاقات مسئول شورای ملی مقاومت با نایب نخست وزیر عراق، تهیه

دهد. از به این مناسبت دلایل چنین تصمیمی را اعلام کرد که ملاقاتهای شما با وزیر امور خارجهی عراق آقای طاروق عزیز، برای آقای بنی صدر خوشایند نبود. از طرف دیگر اظهاراتتان در مورد خودمختاری کردستان به نظر رئیس جمهور سابق خوب نیامد. آیا رفتن آقای بنی صدر موجب از بین رفتن شورای ملی مقاومت خواهد شد؟

ژاندارمها محافظت می شود. نگرانی و تهدید سوء قصد و بخصوص عمل جنون آمیز یک فناتیک انتحاری وجود دارد. ایرانیان بخاطر احتیاط در داخل ویلا، سیستم حفاظتی را که توسط ژاندارمهای فرانسوی مستقر شده، "مضعف" می کنند. حتی با قرار قبلی، به سختی می توان به آن نزدیک شد، تهدیدات خمینیست ها جدی

مسعود رجوی ۳۵ سال دارد. برای سر او در تهران جایزه گذاشته اند. او در زمان دیکتاتوری شاه، دو بار محکوم به مرگ شده بود ولی حکم اعدام او به حبس ابد تخفیف یافت. سپس انقلاب ایران به او آزادی دوباره داد. کمی بعد، رجوی و سازمانش در مقابل ماهیت رژیم جدید، دوباره به مبارزه ی چریکی روی آوردند. رجوی یکبار دیگر محکوم به مرگ شد و بعد از یک فرار تماشائی به فرانسه آمد. راهی خلاف جهت امام خمینی. رهبر مجاهدین خلق، همسرش، که طی یک درگیری با پاسداران کشته شد و یک کودک (پسران) که در دست "دادستان انقلاب" باقیمانده را پشت سر خود بجا گذاشت. ( در اینجا مصاحبه گر توضیحاتی پیرامون وضع پناهندگان سیاسی ایران در فرانسه و مسائل امنیتی و کارهای تروریست های خمینی ارائه نموده و آنگاه چنین ادامه می دهد: )



Recevant des mères de « martyrs » à Auvers.

پاورقی:

۱ - شورای ملی مقاومت از "استادان متعدد دانشگاهها"، جبهه ی دمکراتیک ملی ایران، جمعیت اقامه، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب گار، مجاهدین خلق، گانون توحیدی اصناف، شورای متحد چپ و... تشکیل شده است.

یک طرح صلح و تلاش برای به تصویب رساندن آن در مجامع و سازمان های بین المللی، اکسیون های ویژه ی تبلیغ صلح در ایران، فراخواندن سربازان به عدم اطاعت از عمال جنگ - طلب خمینی و رها کردن جبهه های جنگ برای پیوستن به نیروهای مقاومت و درخواست قطع بمباران شهرها و روستاهای

جواب: به هیچ وجه. شورای ملی مقاومت در پایان مارس ۱۹۸۴ به اتفاق آراء تصمیم گرفت به همکاری خود با آقای بنی صدر خاتمه دهد. در مطبوعات، خیلی چیزها گفته شد. مسئولیت های من در راس شورای ملی مقاومت و بعنوان مسئول مجاهدین خلق مرا ناگزیر به نوعی خودداری می کنند. با این وجود در

گرفته شده است. مسعود رجوی و دوستانش صدها بار در معرض تهدید قرار می گیرند... \* سوال: آقای مسعود رجوی، دو ماه پیش، رئیس جمهور سابق جمهوری اسلامی ایران، آقای بنی صدر، به مطبوعات اعلام کرد که تصمیم گرفته است به توافقی که بین او و شورای ملی مقاومت وجود داشته، خاتمه

در دره ی "اواز" در نزدیکی پونتواز، یک خانه ی ویلائی تبدیل به پناهگاه شورای ملی مقاومت (۱) شده است. استخر آن خالی است. از باغ، دیگر مثل اوایل، استفاده نمی شود و هم اکنون تعداد زیادی کلبه ی از پیش ساخته شده را در خود جا می دهد. در این کلبه ها ایرانیانی که تدریجاً تهران را ترک کرده اند، مستقر می شوند. این ویلا که نیمه صومعه و نیمه دژ می باشد، بخوبی توسط



## مصاحبه با "اونیته" ارگان حزب سوسیالیست فرانسه

**جواب:** چند روز پیش تلگرامی برای رئیس شورای امنیت سازمان ملل فرستادم و امروز مواضع ما را تمام وزرای امور خارجهی کشورهای عضو شورای امنیت می‌دانند. ما این متن را برای

مقابله کند. اخیراً او طی آخرین انتخابات قانونگذاری، متحمل یک شکست دیگر گردید. وضعیت اجتماعی نیز وخیم است. من در آن تلگرام، توضیح داده‌ام که خمینی ثبات تمام

برای صلح می‌دهیم، این پیشنهادات مورد قبول عراق و حتی در مواردی مورد قبول سازمان‌های بین‌المللی واقع شده‌اند. انترناسیونال سوسیالیست در آوریل ۱۹۸۳، پیشنهاد صلح ما را تصدیق کرد.

\* سوال: اخیراً بر طبق بعضی اخبار، امکان نزدیکی بین شورای ملی مقاومت و شوروی مدنظر می‌آید.

**جواب:** بار هم این شایعات! می‌خواهم به شما بگویم که شورای ملی مقاومت هیچگونه همکاری با حزب توده (۱) را در نظر ندارد. ما نه از نظر سیاسی و نه از نظر ایدئولوژیکی خود را نزدیک به این سازمان احساس نمی‌کنیم. شورای ما در ماه مارس گذشته تصمیم به رد هرگونه اتحاد سیاسی با حزب توده گرفت. باید دانست که این حزب قبل از دستگیری رهبری‌اش با رژیم خمینی همکاری کرده بود. رهبران آن در سرکوب نیروهای رزمندهی مقاومت، متعهد شده بودند.

\* سوال: قاطعیت شما نسبت به حزب توده به سوال مربوط به شوروی جواب نمی‌دهد، چه رابطه‌ای بین این دو وجود دارد؟

**جواب:** ما با شوروی بیشتر از ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک داریم. پس هدف، این نیست که برویم و با شوروی بجنگیم. بنابراین ما برای آینده منتظر داشتن روابط حسن‌همجواری و احترام متقابل هستیم. ما در ایران، ضامن استقلال و دموکراسی هستیم. ما نمی‌خواهیم به هیچکدام از دو قدرت بزرگ وابسته باشیم و حضور من بر روی خاک فرانسه خود جوابی به سوالاتتان است. ما با کارت دیگری به غیر از کارت وطن خودمان بازی نمی‌کنیم. اولین درس انقلاب ما استقلال همه‌جانبه است. مجاهدین خلق ایران در حال مبارزه هستند تا به آمریکائی‌ها و همچنین شوروی بقبولانند که باید یک ایران دموکراتیک و مستقل را محترم بشمرند.

\* سوال: بنظر می‌رسد جنگ خلیج، وارد "مرحله‌ی جدیدی" شده است. دیگر نمی‌توان دخالت‌گشورهای که متعلق به منطقه نیستند را رد کرد؛ در مورد این دگرگونی، چه فکر می‌کنید؟

است. بیشتر از ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی در ایران هست و او از سال ۱۹۸۱ دستور اعدام ۴۰ هزار نفر را داده است. ما در مقابل این وضعیت، پیشنهاد تحریم نفت خمینی و خاتمه‌ی ارسال اسلحه به رژیم او را مطرح می‌کنیم.

\* سوال: آیا شما این پیشنهادات را به دولت‌هایی



Fêtant le nouvel an iranien avec des militaires en exil.

داده‌اید که مستقیماً در رابطه با بایکوت و یا فروش اسلحه قرار دارند؟ (۲)

**جواب:** من پیشنهادمان را به اطلاع بعضی کشورها از جمله ژاپن، آلمان فدرال و ایتالیا رساندم. پیام ما بسیار ساده است: در یکطرف خمینی، یعنی جنگ، آتارشی و بی‌ثباتی در تمام منطقه قرار دارد؛ در طرف دیگر، امکان یک ایران دموکراتیک و مستقل با شورای ملی مقاومت و مجاهدین می‌باشد. ما پیشنهادمان صلح و ثبات و آرامش برای منطقه است.

\* سوال: فکر می‌کنید که جریان غیرمساعده جنگ می‌تواند خمینی را بسوی پذیرفتن صلح سوق دهد؟

**جواب:** تداوم و تعمیق جنگ به او اجازه‌ی پوشاندن سرکوب داخلی را می‌دهد. خمینی فقط در صورتیکه در موضع ضعف مطلق قرار گیرد، امکان دارد با خاتمه‌ی جنگ موافقت کند.

\* سوال: بر طبق صحبت‌های شما می‌توان اینطور باور کرد که تنها شکست نظامی در جنگ کنونی می‌تواند موجب سقوط خمینی شود. بنابراین فکر می‌کنید که عامل خارجی امروز مهمتر از مقاومت داخلی است؟

**جواب:** اولاً - نباید این دو جنبه را از هم جدا کرد؛ این

## MASSOUD RADJAVI: "SEUL KHOMEYNI VEUT LA GUERRE"



منطقه را تهدید می‌کند و آماده‌ی هرگونه ماجراجوئی‌ست و در نظر دارد فعالیت‌های تروریست‌هایش را گسترش دهد. برای او امروز این مسئله مطرح است: یا ادامه‌ی جنگ و یا سقوط رژیم. لذاست که قوانین بین‌المللی را محترم نمی‌شمرد. خمینی کلیه‌ی قطعنامه‌های سازمان ملل را در مورد صلح در منطقه رد کرده

کلودشون نیز فرستادیم. ما فکر می‌کنیم که خمینی تصمیم گرفته است که جنگ را منطقه‌ای کند. شکست تهاجمات رژیم و کاهش صادرات نفت، در پی محاصره‌ی عراق، رژیم خمینی را در وضعیت بسیار وخیمی قرار می‌دهد. در زمینه‌ی داخلی، او باید با مقاومتی فزاینده که هر روز مضم‌تر از روز گذشته است،

دو غیرقابل تفکیک هستند. جنگ‌طلبی خمینی و تروریسم رژیمش در رابطه‌ی تنگاتنگ با اوضاع داخلی و سرکوب قرار دارند. شعارهای مقاومت - صلح و آزادی - همچنین نشانگر رابطه‌ی ارگانیک بین عواملی است که به آن اشاره می‌کنید. خمینی در این جنگ، آیدده‌ی خود را به بازی گرفته است. بدون جنگ خلیج، کار رژیم در ۱۹۸۲ تمام بود. ما در مقابل رژیم قرار داریم که هرگونه مشروعیتی را از دست داده و بگونه‌ای دائمی حقوق‌سرا را زیر پا می‌گذارد.

\* سوال: وضعیت کنونی در بطن ارتش چگونه است؟

**جواب:** ارتش، تحت کنترل سخت رژیم قرار دارد. خمینی مشغول تشکیل ارتش خود متشکل از پاسداران است. در یک طرف ارتش کلاسیک قرار دارد و در طرف دیگر، پاسداران. من در همین جا دو هفته پیش با حدود ۶۰ تن از افسران ارتش دیدار کردم. آنها نمایندگان قوای سه‌گانه‌ی ارتش بودند که از کشورهای مختلفی که در آنها بحالت تبعید بسر می‌برند، آمده بودند. مجاهدین در بطن ارتش از سمپاتی زیادی برخوردارند. چندین بار در چندین پادگان، نظامیان وطن-پرست، قیام‌کردند. برخی نظامیان ناگزیر از مهاجرت شده و صدها تن نیز اعدام شده‌اند. ما لیست اسامی آنها را در اختیار داریم.

\* سوال: چطور می‌توانید توضیح دهید که هنوز خمینی می‌تواند هزاران نفر را به جبهه بفرستد؟

**جواب:** با اجبار و در یک فضای رعب و وحشت، خیلی چیزها می‌تواند صورت گیرد. او از بین جوانان بزور، عضوگیری می‌کند. محصلین، بدون رضایت پدر و مادرشان، بزور اعزام می‌شوند.

\* سوال: از نظر شما، قدرت مذهبی که توسط خمینی اعمال می‌شود، در این مورد هیچ نقشی بازی نمی‌کند؟

**جواب:** تاثیر این عامل بسیار کم است. وسیله‌ی اصلی او سرکوب مطلق است. اسلام بقیه‌در صفحه‌ی ۱۷

پاورقی:

- ۱ - حزب کمونیست ایران
- ۲ - هنگام مصاحبه‌ی ما، سندیکاهای گشتیرانی و ملوانان ژاپنی هنوز تصمیم به مانعت از فرستادن کشتی به خلیج نگرفته بودند؛ اما الان این تصمیم گرفته شده C.F.D.T در فرانسه و NUS در انگلیس نیز موضعی در همین جهت اتخاذ کرده‌اند.



## حمایت‌های بین‌المللی از سیاست‌های صلح خواهانه شورای ملی مقاومت

## ایتالیا

## قطعنامه کنگره جوانان لیبرال در پشتیبانی از اقدامات صلح خواهانه شورای ملی مقاومت

دانشجویان مسلمان ایتالیا برای سخنرانی دعوت شد. وی طی سخنان خود به نقض شدید و مستمر حقوق بشر در ایران و آخرین آمار اعدام‌شدگان و زندانیان سیاسی اشاره کرد و اینکه انواع شکنجه‌های روحی و جسمی در زندان‌های قرون وسطایی رژیم اعمال می‌شود. وی در قسمت دیگری از سخنان خود مسئله جنگ‌طلبی خمینی و نیز طرح صلح شورای ملی مقاومت را توضیح داد و در پایان از کنگره خواست تا از قطعنامه پیشنهادی در مورد مقاومت مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت پشتیبانی نمایند.

سپس کنگره به بررسی قطعنامه پیشنهادی در مورد ایران پرداخته و پس از تأیید دبیرکل جوانان لیبرال و ریاست کنگره، با اکثریت آراء آنرا به تصویب رساند.

پانزدهمین کنگره سالیانه جوانان لیبرال ایتالیا در روزهای ۷ تا ۹ اردیبهشت (۲۷ تا ۲۹ آوریل/۸۴) با شرکت رهبران و مسئولین حزب لیبرال تشکیل شد. در این کنگره دبیرکل حزب لیبرال و نمایندگان پارلمانی این حزب و برخی مسئولین دولتی شرکت داشتند.

نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا نیز با دعوت جوانان لیبرال در کنگره حضور یافتند.

جوانان لیبرال ایتالیا قطعنامه پیشنهادی در مورد ایران را نیز در دستور کار کنگره قرار داده بودند که این قطعنامه در روزهای برگزاری کنگره برای بررسی و رای‌گیری به هیئت رئیسه کنگره تسلیم شد.

در سومین روز برگزاری کنگره، پس از سخنرانی دبیرکل حزب لیبرال، نماینده انجمن

در رابطه با جنگ ایران و عراق اختیار نموده است. ما به هیچیک از طرفین منازعه، تجهیزات کشنده ارسال نکرده‌ایم. تمام تقاضاها درخواست صادرات، کاملاً و به دقت مورد بررسی قرار گرفته تا اطمینان حاصل شود که تجهیزات کشنده به ایران صادر نگردد. هیچ فرد نظامی ایرانی در حال حاضر از طرف وزارت دفاع تحت تعلیمات نظامی نبوده و هر تقاضایی در آینده نیز در این مورد در چارچوب سیاست بیطرفی ما در جنگ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

رابطه‌ی نظامی ایران و انگلستان به عمل آمد که بصورت کتبی از طرف معاون پارلمانی وزیر خارجه بدان پاسخ گفته شد: سوال کتبی: رابطه‌ی ایران و انگلستان در مورد تجهیزات و تعلیمات نظامی:

آیا دولت انگلستان از دادن تجهیزات نظامی به رژیم خمینی در ایران خودداری خواهد کرد و از قبول نظامیان ایرانی جهت دیدن تعلیمات در انگلستان دست خواهد کشید؟

پاسخ معاون پارلمانی وزارت خارجه در امور نیروهای مسلح: دولت یک سیاست کاملاً بیطرفانه

## قطعنامه حزب لیبرال انگلیس

## در پشتیبانی از اقدامات صلح شورای ملی مقاومت

شورای ملی مقاومت برای دستیابی به صلح و آزادی را پرثمر دانسته و از طرح صلح شورا اعلام پشتیبانی نمود. سپس شورای سراسری حزب لیبرال به بررسی قطعنامه‌های پیشنهادی پرداخت و قطعنامه‌ی زیر را به اتفاق آراء به تصویب رساند:

حقوق بشر در ایران و فنانیسم مذهبی خمینی در شدت بخشیدن به اعمال ضدانسانی، خطرات فزاینده‌ی ادامه‌ی جنگ ایران و عراق را در رابطه با صلح منطقه و جهان برشمرد و خواستار تصمیم‌گیری صریح شورای حزب گردید. "لرد مک‌نر" نماینده‌ی مجلس اعیان انگلیس نیز طی سخنانی تلاش‌های

بقیه از صفحه ۱۳

مجلس موضوع را بحال خود رها کند. قطعاً آیت‌الله برای بازگشت به ایران از حمایت‌هایی برخوردار شد؛ چرا که مردم عادی در ایران در زیر چکمه‌های شاه بسر می‌بردند. اما سپس توسط کسانی که خود می‌دانستند چه می‌کنند به آنها خیانت شد. مردم ایران فکر می‌کردند که حقوق خود را بازیافته خواهند دید؛ اما چنین نشد.

سپس سوال دیگری بطور کتبی توسط نماینده‌ی مجلس اعیان انگلستان (حزب کارگر) از دولت انگلیس درباره‌ی

شورای حزب لیبرال انگلیس، طی قطعنامه‌ی پشتیبانی خود را از اقدامات شورای ملی مقاومت در جهت برقراری صلح، استقلال و دموکراسی اعلام نمود.

شورای حزب لیبرال انگلیس، سالانه دارای چهار اجلاس است که با شرکت ۲۸۰ تن از اعضای آن، منجمله نمایندگان این حزب در مجلس عوام و اعیان انگلستان برگزار می‌گردد. دستور کار این نشست‌ها تعیین سیاست‌ها و خطوط حزب در حد فاصل کنگره‌ی سالانه‌ی آن می‌باشد.

اجلاس اخیر حزب لیبرال در روز ۲۹ اردیبهشت (۱۹/مه/۸۴) در شهر "وسترن سوپر مور" برگزار گردید. نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان انگلیس که قبل از این اجلاس طی تماس‌های گسترده‌ای با مقامات حزب لیبرال، با تشریح سیاست صلح شورای ملی مقاومت خواستار موضعگیری حزب لیبرال در قبال جنگ ایران و عراق شده بودند؛ در این نشست حضور یافته و با مقامات حزب لیبرال به دیدار و گفتگو پرداختند.

در اجلاس شورای سراسری حزب لیبرال، بحث و بررسی پیرامون قطعنامه‌ی پیشنهادی در مورد جنایات رژیم خمینی در ایران، جنگ ایران و عراق و اقدامات شورای ملی مقاومت در دستور کار قرار گرفت. ابتدا آقای "پدی آشدن" نماینده‌ی پارلمان انگلیس طی سخنانی با استناد به نقض

## متن قطعنامه

پانزدهمین کنگره جوانان لیبرال ایتالیا که از ۲۷ الی ۲۹ آوریل ۸۴ در حومه‌ی شهرستان برگامو (سن پلگرینو ترمه) برگزار شده، رژیم خمینی را بخاطر نقض شدید حقوق بشر در ایران، تداوم کشتار بیرحمانه‌ی زندانیان سیاسی، اعمال شکنجه و سرکوب که تا بحال به قربانی شدن دهها هزار تن از مجاهدین و شخصیت‌های دمکرات و آزادیخواه منجر شده، شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهد.

این کنگره ضمناً عملکردها و دیدگاه‌های رژیم خمینی را در زمینه فرهنگ، آموزش و پرورش، اقتصاد و نقض حقوق زنان و کودکان، قرون وسطایی ارزیابی می‌نماید.

این کنگره همچنین توجه خود را به جنگ خانمانسوز بین ایران و عراق که باعث انهدام سرمایه‌های انسانی و مادی زیادی شده و هم خطری که برای صلح جهانی و ثبات منطقه دارد، معطوف داشته و نقش رژیم خمینی در ادامه‌ی این جنگ که تنها به عنوان سرپوش سرکوب داخلی و بن‌بست‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد را برشمرد و اقدامات بسیج اجباری نیرو به جبهه‌ها و فرستادن اجباری خردسالان به میادین مین‌گذاری را شدیداً محکوم دانسته و آنرا خلاف کلیه موازین بین‌المللی و بشری ارزیابی می‌نماید.

این کنگره در ضمن از تلاش‌هایی که در سطح بین‌المللی و داخلی (در ایران)، آقای مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین مسئول شورای ملی مقاومت، جهت پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق - نظیر طرح صلح شورا که دولت عراق نیز در اساس آنرا پذیرفته است و از طرف مجامع بین‌المللی نظیر پارلمان اروپا مورد تأیید قرار گرفته - پشتیبانی کرده و بویژه از مبارزات مردم ایران برای کسب صلح و آزادی حمایت کامل خود را ابراز می‌دارد.

## متن قطعنامه

## جنگ خلیج

شورا، یکبار دیگر نقض مستمر حقوق بشر در هر دو کشور ایران و عراق را محکوم می‌نماید. شورا، انزجار خویش از تهدید فزاینده و انفجاری جنگ خلیج میان دولتین فوق را که برعلیه صلح و ثبات خاورمیانه و دیگر نقاط می‌باشد، اعلام می‌کند. بالاخص شورا نقش رژیم خمینی را در ادامه‌ی این جنگ، که بعنوان پوششی جهت سرکوب داخلی بوده و نیز استفاده از سلاح شیمیایی و نابود کردن اپوزیسیون داخلی‌اش محکوم می‌کند. شورا، از اقداماتی که در جهت دستیابی برای راه‌حل صلح‌آمیز و بخصوص اقدامات شورای ملی مقاومت ایران که منجر به توقف بمباران مناطق غیرنظامی ایران به مدت یک هفته شد، استقبال می‌نماید.

شورا، پشتیبانی خویش را از اقدامات شورای ملی مقاومت ایران در جهت برقراری صلح استقلال و دموکراسی اعلام می‌نماید.

شورا، از نمایندگان حزب درخواست می‌کند که در نشست آتی هیئت اجرائی "دمکرات‌ها و لیبرال‌های اروپایی" (E. L. D)، "بین‌الملل لیبرال" و "شورای اروپا" مسئله‌ی جنگ خلیج در تمامی ابعاد آن یعنی، ارسال اسلحه به هر دو طرف، ارسال و استفاده از سلاح‌های شیمیایی، تهدیدات جنگ اتمی و نیز نقض حقوق بشر توسط هر دو دولت را مطرح نموده و موجبات خاتمه دادن هر چه سریعتر به جنگ و تضمین نمودن حقوق شهروندان هر دو کشور و رعایت حقوق بشر را برطبق موازین اعلامیه‌ی (منشور) سازمان ملل فراهم نمایند. در عین حال شورا از نمایندگان حزب در هر دو پارلمان درخواست می‌کند، موارد بالا را در مجالس دوگانه پیگیری نمایند.



## مصاحبه با "اونیته" ارگان حزب سوسیالیست فرانسه

بقیه/صفحه ۱۵

جواب: در ایران، اسلام خمینی مدت زیادی دوام نخواهد آورد. اسلامی دمکراتیک، یعنی همان اسلامی که امروز مجاهدین برای آن زندگی خود را فدا می‌کنند، وجود خواهد داشت. اسلام ما بخشش و دوستی را پیشنهاد می‌کند.

\* سوال: آیا شما همکاران و شکنجه‌گران رژیم را هم می‌بخشید؟

آیا در صورت پیروزی نیروهایتان، دایره‌ی خشونت‌ی را که به ایران صدمه می‌رساند، خواهید بست؟

جواب: ... من نمی‌توانم به تنهایی در مورد سرنوشت کسانی که دست خود را به خون خلق آغشته کرده‌اند، تصمیم بگیرم. دادگاه‌هایی با حضور هیئت منصفه تشکیل خواهد شد. ما حق دفاع را تضمین کرده و به ناظرین خارجی اجازه می‌دهیم در محاکمات حضور داشته باشند. از نظرایدئولوژیکی، اسلام ما (مجاهدین) نیازی به ریختن خون دیگری ندارد. ما خشونت را تدارک نمی‌بینیم.

برای او ماسکی بیش نیست.

\* سوال: شما همواره تنها از خمینی صحبت می‌کنید. فکر می‌کنید می‌توانیم مسئله را تنها به یک نفر محدود کنیم، یا باید اقتدار یا بخش‌هایی که از رژیم استفاده کرده و یا او را حمایت می‌کنند، در نظر بگیریم؟

جواب: این رژیم یک باند تروریستی است که به قیمت ۵۰ اعدام و ۱۰۰ دستگیری در هر روز، قدرت را در دست دارد و جنگی را به پیش می‌برد که تاکنون موجب مرگ و زخمی شدن یک میلیون نفر شده است. اگر این رژیم، یک مینیمم پایگاه اجتماعی داشت، به خواسته‌های مردمی پاسخ می‌گفت. برعکس می‌توان گفت که او برای ادامه‌ی حیات، احتیاج به بحران دارد. روزنامه‌های غربی اشتباه فکر می‌کنند که رژیم قدرتمند است. در واقع، جنگ و سرکوب، دلایل ضعف او هستند.

ما سیاستی را دنبال می‌کنیم که هدف آن رسیدن به صلح درست و عادلانه با عراق است. روابطمان با این کشور، خیلی روشن است. ما خواهان صلح هستیم، آنها هم همینطور. تنها خمینی خواهان جنگ است. ما پیشنهاداتی برای صلح می‌دهیم، این پیشنهادات مورد قبول عراق و حتی در مواردی مورد قبول سازمان‌های بین‌المللی واقع شده‌اند. انترناسیونال سوسیالیست در آوریل ۱۹۸۳، پیشنهاد صلح ما را تصدیق کرد.

\* سوال: من بر سر صحبت پافشاری می‌کنم، خمینی به تنهایی تمام آنچه را شما می‌گوئید، انجام نمی‌دهد. یک دستگاه دولت با پرسنل آن، روحانیت و مجریان امور، شکنجه‌گران و... وجود دارد. آیا مرگ خمینی الزاما موجب از بین رفتن سیستم در کلیت خود خواهد شد؟

جواب: جواب این سوال بسیار ساده است و ما یک نمونه‌ی تاریخی جدید داریم. در دیکتاتوری‌هایی که منگی به یک "فرد" هستند، چه در زمان شاه و چه در زمان خمینی، وقتی دیکتاتور از بین می‌رود، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. همکاران هنوز وجود دارند اما در غیبت حاکم مستبد، ماشین سرکوب از هم متلاشی می‌گردد. می‌توانم به شما بگویم که بدون خمینی سیستم نمی‌تواند وجود داشته باشد.

\* سوال: فکر می‌کنید اسلامی بگونه‌ی خمینیست، مدت‌های زیادی دوام خواهد آورد؟

(برای روشن کردن این نکته) بگذارید از طریق شما پیامی به خمینی بدهم...

\* سوال: می‌دانید، فکر نمی‌کنم خمینی بطور مرتب "اونیته" را بخواند.

جواب: او هرچه را که مربوط به مجاهدین باشد، می‌خواند. پیام من این است: اگر خمینی حاضر شود انتخاباتی واقعا آزاد ترتیب دهد، من بلافاصله به میهنم باز می‌گردم و مجاهدین خلق اسلحه‌های خود را برای شرکت در انتخابات زمین خواهند گذاشت. ما از نتیجه‌ی انتخابات (هرچه باشد) واهمه‌ای نداریم. ما قبل از شروع مبارزه‌ی مسلحانه، سعی کردیم از تمام امکانات قانونی برای مبارزه‌ی سیاسی استفاده کنیم، اما سرکوب، ما را ناگزیر به استفاده از اسلحه می‌کند. حتی اگر خمینی در ایران اجازه‌ی نمی‌... نه، نمی‌از نصف آزادی‌های موجود در فرانسه را می‌داد، مطمئنا یک پیروزی دمکراتیک بدست می‌آوردیم.

## حمایت‌های بین‌المللی از سیاست‌های صلح خواهانه شورای ملی مقاومت

بقیه/صفحه قبل

## هند

## حمایت احزاب، شخصیت‌ها و اتحادیه‌های کارگری و صنفی هند از اقدامات شورای ملی مقاومت

۹ کنفدراسیون، اتحادیه، احزاب ایالتی و نیز ۱۴ تن از نمایندگان مجلس قانونگذاری ایالتی این کشور طی بیانیه‌ها و نامه‌هایی خطاب به مسئول شورای ملی مقاومت، پشتیبانی خود را از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران ابراز داشته و سیاست سرکوبگرانه و جنگ طلبانه‌ی رژیم خمینی را محکوم کردند. در قسمتی از این بیانیه‌ها آمده است.

... با محکوم نمودن حکومت دیکتاتوری رژیم خمینی، حمایت خود را از شما اعلام می‌داریم... خمینی جنگ با عراق را با فرستادن کودکان به جبهه‌ها و بر روی میدان‌های مین، ادامه می‌دهد تا اختناق داخلی را توجیه کند و مدت بیشتری زنده (در قدرت) بماند. طرح صلح شورای ملی مقاومت در جستجوی راه پایانی برای این جنگ بی‌حاصل می‌باشد... ما از کوشش‌های شما به عنوان رئیس شورای ملی مقاومت و رهبر مجاهدین در ایران قدردانی نموده و بر این باوریم که شورای ملی مقاومت تنها آلترناتیو عادلانه و مردمی در مقابل خمینی است که با رهنمودهای شما و مبارزه‌ی مجاهدین، مردم ایران را در جهت آزادی، ترقی در ایرانی آزاد سوق خواهد داد...

اسامی مجامع و عناصری که نامه‌ها و بیانیه‌ها را ارسال داشته‌اند:

\* کنفدراسیون کارگران و کشاورزان هند

\* کمیته ایالتی حزب جانانا - ایالت کریلاکرا

\* اتحادیه کارمندان خانه‌سازی ایالت کارناتا

\* اتحادیه روزنامه‌نگاران ایالت کارناتا

\* کنگره ملی اتحادیه‌های کارگری هند شاخه ایالت کارناتا

\* انجمن کارمندان انستیتوی مدیریت هند

\* شاخه جوانان حزب جانانا - بنگلور

\* اتحادیه کارمندان تعاونی ایالت کارناتا

\* سازمان سراسری محافظت از حقوق مدنی

\* خیلان سینک، عضو مجلس قانونگذاری

\* روشن لعل آریا، عضو مجلس قانونگذاری ایالت هاریانا

\* خانم شانتی دوی، عضو مجلس قانونگذاری

\* صاحب سینگ سینی، عضو مجلس قانونگذاری

\* ست، ام‌داس رامیجا، عضو مجلس قانونگذاری و رئیس کمیته‌ی حزب کنگره‌ی خانم گاندی - ناحیه آمبالا

\* ماهیندرا پرتاب سینگ، عضو مجلس قانونگذاری

\* اوم پرکاش شارما، عضو مجلس قانونگذاری

\* کانوال سینگ، عضو مجلس قانونگذاری ایالت هاریانا

\* بالیرسینگ گری‌وال، عضو مجلس قانونگذاری - چندیگر

\* شیوپرشاد، عضو مجلس قانونگذاری - آن‌هالا

\* ک. چاندرا ساخاران، رهبر پارلمانی حزب جانانا در ایالت کرا

\* حکم سینگ، عضو مجلس قانونگذاری

\* ماهاسینگ، عضو مجلس قانونگذاری و وزیر سابق ایالت هاریانا

\* سلطان سینگ مالک، عضو مجلس ایالتی، رئیس اتحادیه‌ی کشاورزان و وزیر سابق ایالت هاریانا

## نروژ

نمایندگان شورای ملی مقاومت در اسکاندیناوی طی یک‌ماه گذشته نیز با فعال کردن روابط خود با سران و رهبران احزاب و گروه‌های پارلمانی، علاوه بر جلب حمایت اکثر احزاب نروژ، کار گسترده‌ی افشاگرانه‌ی را در رابطه با جنایات رژیم خمینی در سرکوب داخلی و نیز ادامه‌ی جنگ

ایران و عراق به انجام رساندند. در ملاقات‌های انجام شده، آقایان پرویز خزائی و مهدی صدیق‌زاده، نمایندگان شورای ملی مقاومت ضمن طرح مسئله‌ی جنگ و اقدامات شورای ملی مقاومت در جهت برقراری صلح، طرح صلح شورای ملی مقاومت را به نظر رهبران احزاب نروژ رسانده و توجه آنان را به جنایات رژیم خمینی جلب نمودند. در این ملاقات‌ها مدارک موثقی در مورد جنگ و جنایات رژیم خمینی نیز ارائه شد که مورد توجه قرار گرفت.

ملاقات‌هایی که توسط نمایندگان شورا صورت گرفت عبارتند از:

۱ - ملاقات با جان آست توپت، دبیر اول و مسئول روابط خارجی حزب خلق مسیحی (یکی از سه حزب حاکم)

۲ - ملاقات با مسئولین امور خارجه‌ی حزب سوسیالیست چپ

۳ - ملاقات با آقای فورد، معاون رهبر حزب کارگر (معاون نخست‌وزیر و وزیر امور اجتماعی در کابینه‌ی قبل) و دبیر حزب کارگر نروژ (بزرگ‌ترین حزب نروژ)

۴ - ملاقات با جوین‌ا معاون رهبر حزب هویر (حزب حاکم)، رئیس پارلمان نروژ و رئیس فراکسیون پارلمانی

۵ - آقای آرن اسکوز نماینده‌ی پارلمان نروژ (وزیر سابق تجارت) و رالف پیترسون مدیرکل اطلاعات. این ملاقات در محل پارلمان نروژ صورت گرفت.

۶ - ملاقات با آقای کارل هاگن، رهبر حزب و رئیس فراکسیون پارلمانی حزب پیشرو نروژ و آقای جان سمیونسون سردبیر حزب و...

۷ - ملاقات با دبیرکل حزب سنتر (حزب حاکم پارلمانی) و نیز معاون رهبر حزب

۸ - ملاقات با پیتر بوک و فین‌اسجو معاونین رهبری حزب وحدت سرخ

بعد از انجام ملاقات، رهبران احزاب نروژ، ضمن اظهار خوشحالی از آشنائی بیشتر از اوضاع ایران و مسئله‌ی جنگ و رژیم خمینی، حمایت خود را از مبارزات مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت ابراز داشتند.



## افزایش حوادث و سوانح اسفبار کارگری در رژیم خمینی

### گرامی باد خاطرة تابناک شهدای مجاهد خلق

#### به یاد ۱۷ مجاهد دلیری که بر فراز ...

مشهد فعالیت می‌کرد و بنابر مسئولیتی که به عهده داشت، دائما در حال سفر بین شهرهای مختلف این استان بود.

در پائیز ۶۰ هنگامی که مجاهد شهید محمدرضا پهلوانلو به همراه یکی دیگر از یاران مجاهدش از تربت حیدریه به مشهد می‌آمدند، مورد تعقیب پاسداران مزدور قرار گرفتند. او آرزو توانست از جنگ پاسداران بگریزد و هم‌رم مجاهدش را به سلامت به شهر برساند، اما بعلت لورفتن شماره‌ی ماشینش فردای همان روز در تربت حیدریه دستگیر شد. پس از گذشت ۲ ماه از دستگیری محمدرضا، هنگامی که خانواده‌اش برای اولین بار موفق به ملاقات با او شدند، آثار شکنجه به‌خوبی در چهره‌اش هویدا بود.

۲ ماه بعد، پس از آنکه سپاه ضدخلفی مشهد از دستگیری او مطلع شد، وی را به زندان مشهد منتقل کردند و در آنجا نیز شیدا تحت شکنجه قرار دادند و سرانجام در خرداد ۶۱ در حیاط زندان وکیل‌آباد او را بدار آویختند. مجاهد شهید محمدرضا پهلوانلو در زندان تابلوئی درست کرده بود که در وسط آن این شعر به چشم می‌خورد:

آن عاشقان شریزه که با شب‌نزیستند رفتند و شهر خفته ندانست کیستند یادشان گرامی باد

آنچه که فوقا گفته شد، باردیگر فرمول و دستورالعمل همیشگی خمینی ضدبشر را در قبال کارگران روشن‌تر می‌نماید: یا کشته و معلول شدن در جبهه‌های جنگ و یا انجام کار طاقت‌فرسا با حقوق ناچیز در کارخانه‌ها و کارگاه‌های بی‌حفاظ (مضافا بر پرداخت قسمتی از همین حقوق ناچیز برای "کمک به جبهه‌ها") و بالاخره جان سپردن در حین کار و یا ناقص‌العضو شدن و با دست خالی همه‌ی عمر خانه‌نشین شدن!

بقیه/صفحه‌ی ۱۱

استوارش در زندان، به دل داشتند، همراه با تعدادی دیگر در حیاط زندان بدار آویختند.

مجاهد شهید مریم صدرالاشرفی که در نشریه‌ی مجاهد اشعاری از او را قبلا به چاپ رسانده‌ایم، در مهرماه ۶۰ پس از انجام عملیات خلع سلاح یکی از مزدوران مسلح خمینی دستگیر شد. او که از جمله میلیشیای فعالی بود که در ارتباط با ستاد سازمان در مشهد فعالیت می‌کرد، از همان ابتدای دستگیری تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفت. پاسداران جنایتکار که از سابقه‌ی فعالیت‌های او در ستاد اطلاع داشتند، از او رد سایر هم‌زمانش را می‌خواستند، اما مریم قهرمانانه مقاومت کرد و سرانجام بر فراز چوبه‌ی دار جان باخت. او هنگام شهادت ۱۸ ساله بود.

مجاهد شهید محمدرضا پهلوانلو طی دوران انقلاب از طریق دوستان مبارزش از جمله مجاهد شهید حسین بزازان با سازمان مجاهدین خلق ایران آشنا شد و بلافاصله پس از تشکیل مراکز جنبش ملی مجاهدین در استان خراسان، فعالیت مستقیم خود را در رابطه با سازمان آغاز کرد. از سال ۵۹ او در ارتباط با ستاد

وزارت کار رژیم قرار دارند و با این حساب تکلیف کارگران کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که خارج از این چارچوب کار می‌کنند پیشاپیش روشن می‌باشد! قابل توجه است، در شرایطی که اینچنین وضعیت طاقت‌فرسا و مهلک کار در کارخانه‌ها حاکم می‌باشد، موسوی اردبیلی، از سردمداران جنایت پیشمی رژیم، خطاب به کارگران دستور می‌دهد: "تعطیلات را کم کنید، ساعات کار را افزایش دهید، تولید را زیاد کنید، تقاضای افزایش حقوق نکنید، اعتصاب نکنید و..." (جمهوری - ۱۵/اردیبهشت/۶۳)

دشمن قسم خورده‌ی کارگران، در مقابل اینگونه سوانح غم‌انگیز، کمترین ابهامی نداشته و صریح و روشن می‌باشد: "سیاهپوش" خائن (معاون نظارت بر روابط کار "وزارت کار") طی مصاحبه‌ای در آستانه‌ی "روز جهانی کارگر" ضمن اینکه اعتراف می‌کند که حوادث کارگری "زیاد اتفاق می‌افتد"، بدون آنکه کوچکترین اشاره‌ای به مسئولیت و نقش اداری عریض و طولیش در این رابطه نماید، مسئله را تنها به مسئولیت "ایمانی" و "وجدانی" مدیران کارخانه‌ها و کارگاه‌ها احاله کرده است! (اطلاعات - ۱/اردیبهشت/۶۳) که البته با توجه به بی‌معنا بودن مفاهیمی از قبیل "ایمان" و "وجدان" در قاموس رژیم ضدبشری خمینی و سرمایه‌داران سودپرست وابسته به رژیم، مفهوم اینگونه موکول کردن پیشگیری از سوانح کارخانه‌ها به "ایمان" و "وجدان" مدیران سرسپرده، چیزی نیست جز دستور صریح برای ادامه‌ی بهره‌کشی برده‌وار از کارگران و ادامه‌ی فزاینده‌ی اینگونه سوانح.

از سوی دیگر صرفنظر از بی‌قیدی‌های رژیم در قبال استثمار و فشارهای مرگ‌آوری که در محیط‌های کار، بویژه بلحاظ زیر پا گذاشتن ابتدائی‌ترین قوانین و اصول ایمنی و حفاظت محیط کار، در شرایط کنونی بیمه و تامین زندگی برای کارگرانی که دچار سانحه شده‌اند و یا خانواده‌ی کارگرانی که در حین کار با دستگاه‌های بی‌حفاظ و یا کارگاه‌های بدون ایمنی، جان خود را از دست داده‌اند، وجود ندارد. در این رابطه، کارگران جنایتکار رژیم در "وزارت کار" صریحا و با وقاحتی تمام اقرار می‌کنند که بدلیل بسیج و ارسال امکانات رفاهی وزارت کار برای جبهه‌ها، از جمله امکانات مربوط به درمان بیمه‌شدگان و سایر مسائل مربوط به آن، "مجال فعالیت در زمینه‌ی برنامه‌های رفاهی" کارگران کمتر است!

(اطلاعات - ۸/اردیبهشت/۶۳) تازه، این حال و روز کارخانه‌ها نیست که باصلاح تحت پوشش خدمات رفاهی

مشهد به داخل دیگ شربت سقوط کرد و دردم جان سپرد" (کیهان - ۲۳/آبان/۶۲) - "دستگاه پرس فاقد وسیله‌ی ایمنی انگشتان کارگر نوجوانی را قطع کرد... وی در یک خانواده‌ی هفت نفری زندگی می‌کند و برای تامین مخارج خانواده‌ی خود ناچار به کار کردن (در یک کارگاه زیرزمینی واقع در خاک سفید تهران) می‌باشد." (اطلاعات - ۲۸/اسفند/۶۲) - "کارگر نجاری... در یک کارگاه نجاری واقع در شرق تهران هنگام کار با اره‌ی نجاری، یک انگشت دست راستش بخاطر تماس با اره قطع شد."

(کیهان - ۲۷/فروردین/۶۳) - "۴ تن از کارگران شرکت سپیدار اهواز به‌هنگام لایروبی فاضلاب شهرک سپیدار (که بطور انفرادی برای لایروبی وارد فاضلاب مزبور شده بودند)، به‌علت فقدان وسائل ایمنی جان باختند."

(اطلاعات - ۲۵/فروردین/۶۳) - "کارگری هنگام کار با برق سه‌فاز (در یک شرکت حفاری)، به‌علت بی‌احتیاطی (!) دچار برق گرفتگی شد و بخش وسیعی از بدنش سوخت"

(کیهان - ۱۲/اردیبهشت/۶۳) - "یک کارگر ۲۴ ساله بنام حسن فتحی، حین کار در خیابان دزاشیب بر اثر ریزش کانال چاه به داخل چاه سقوط کرد و جان سپرد"

(کیهان - ۱۰/اردیبهشت/۶۳) - هنگام کار در یک کارگاه صنایع پلاستیک‌سازی در بروجرد، "پرس دلوزنی ۳ انگشت کارگری را له کرد." این کارگر در بیمارستان گفت: "من چند بار عیب دستگاه را به صاحب‌کار گوشزد کردم، اما او می‌گفت چیزی نیست کارت را بکن"

(کیهان - ۷/خرداد/۶۳) روشن است که این قبیل حوادث، بلحاظ کثرت وقوع، بصورت یک مسئله‌ی عادی جامعه درآمده اما بجز نمونه‌های معدود و استثنائی، در روزنامه‌های رژیم منعکس نمی‌شوند. از سوی دیگر موضع ضدکارگری رژیم خمینی، این

آمار حوادث و سوانح کارگری روزبروز افزایش می‌یابد. مدیران سرسپرده‌ی کارخانه‌ها و سرمایه‌داران زالوصفت وابسته به رژیم، تنها به بالا بردن میزان سود خود می‌اندیشند و کارگران و زحمتکشان میهنمان در چنگال استثمار قرون وسطائی رژیم خمینی، همانند جبهه‌های جنگ، دسته دسته از هستی ساقط شده و یا بصورت ناقص‌العضو و معلول - بدون اینکه حتی قوت روزانه‌شان تامین شده باشد - در کلبه‌های محقر خود، برای همیشه زمین‌گیر می‌شوند. ایادی و همکاسه‌های رژیم، برای بالا بردن راندمان و سرعت کار دستگاه‌ها و افزودن به میزان تولید و سود حاصل از آن، نسبت به تامین وسائل ایمنی و حفاظتی کارگاه‌ها و دستگاه‌های تولیدی اعتنائی نکرده و یا حتی در مواردی آنها را با دستکاری‌های خائنانه از کار می‌اندازند؛ بنحوی که تشدید کار در کارخانه‌ها، آنهم بر روی دستگاه‌های فاقد وسائل ایمنی لازم، هر روز قربانی تازه‌ای از کارگران برجای می‌گذارد و کمترین غفلت کارگران در اثنای کار به‌بهای جان و یا به وفور به نقص عضو آنان منجر می‌گردد. گویا سوانح غم‌انگیز در کمین کلیدی کارگران نشسته، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان این حوادث در میان کارگران تازه‌کار و کودکان بیشتر می‌باشد. بویژه در کارگاه‌های دورافتاده و خارج از کنترل، کارهای طاقت‌فرسا و خطرناک، عمدتا از جانب کارگران زحمتکش و لاعلاجی مورد استقبال قرار می‌گیرد که بعلت بیکاری و فقر خود و خانواده‌شان در شرایط مشقت باری زندگی می‌کنند و باصلاح به نان شب محتاجند. این مسئله بویژه در مورد روستائیان تیره روزی که آفت مرگبار خمینی، آتش به خرمن آنها زده و آنها را وادار نموده تا برای مقابله با مرگ و گرسنگی روبه‌شهرها بیاورند، بیشتر صادق است. از نمونه‌های ذیل در روزنامه‌های رژیم فراوانند: - "طی یک حادثه‌ی تاسف‌بار، کارگری در کارخانه‌ی قندشیرین

افشاء بسیج ضدخلفی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.



## گرامی باد خاطره تابناک شهدای مجاهد خلق

## مجاهد شهید محمد حسین جنتی



"ما در زمان دیکتاتوری شاه، با مظهر دیکتاتوری و چپاولگری درستیز بودیم و اینک با بزرگترین مظهر فریبکاری و دجالگری، یعنی خمینی مواجهیم؛ و تنها مجاهدین می‌توانند این بزرگترین سدره تکامل را بشکنند و از بین ببرند. انشاءالله که بتوانیم از این آزمایش تاریخی هم سربلند و پیروز بیرون بیائیم..."

مجاهد شهید محمد حسین جنتی

## تقویم مجاهد

تقویم هفته: از ۱۷ تا ۲۳ خرداد ماه ۱۳۶۳

- \* ۱۹ خرداد (۱۳۵۹): شهادت میلشای مجاهد خلق ناصر محمدی طی حمله وحشیانه پاسداران و مزدوران خمینی حلال به انجمن جوانان مسلمان میثاق
- \* ۱۹ خرداد (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق پرویز تقی‌پور در تهران
- \* ۲۰ خرداد (۱۳۴۹): شهادت روحانی آزاده آیت‌الله سعیدی در زیر شکنجه‌های دژخیمان ساواک، به جرم! اعتراض به سفر توطئه‌آمیز تعدادی از نمایندگان بزرگترین شرکت‌های غارتگر امپریالیستی به ایران
- \* ۲۰ خرداد (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: محمد حسین جنتی و عبدالنبی معظمی و خدا خاص پناهی در تهران و اصفهان
- \* ۲۰ خرداد (۱۳۶۲): شهادت پیشمرگه‌ی مجاهد خلق محمد بالو
- \* ۲۲ خرداد (۱۳۵۹): میتینگ باشکوه مجاهدین و سخنرانی برادر مجاهد سعود رجوی در امجدیه و شهادت میلشای قهرمان مصطفی ذاکری در اثر تهاجم چماقداران و پاسداران مسلح ارتجاع به محل برگزاری مراسم
- \* ۲۳ خرداد (۱۳۵۲): شهادت مجاهد خلق هدایت‌الله باخویش در زیر شکنجه‌های دژخیمان ساواک
- \* ۲۳ خرداد (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق محمدامامی، سلیمی، محمد قربانی و زهرا (نزهت) رجبی در تهران
- \* ۲۳ خرداد (۱۳۶۲): شهادت مجاهد خلق محسن شگری‌زاده در زندان شیراز

مزدوران خمینی با ایجاد تورهای بازرسی متعدد در خیابان‌ها شرایط بسیار سنگینی به لحاظ نظامی ایجاد کرده بودند و هر تردد در حکم یک "عمل نظامی" محسوب می‌شد، حسین بنا بر مسئولیتش، ساعت‌ها مشغول تردد بین پایگاه‌های مختلف بود و بارها توانست با جسارت و هوشیاری از تور محاصره‌ی دشمن خارج شود. روز ۲۰ خرداد ماه ۶۱ پایگاه محل اقامت مجاهد شهید محمد حسین جنتی و تعدادی دیگر از پایگاه‌های متعلق به بخش شهرستان، مورد هجوم وحشیانه پاسداران جنایتکار قرار گرفت. حسین قهرمانانه به مقاومت برخاست و پس از ۳ ساعت نبرد شهادت رسید. کودک خردسال او نیز در این درگیری نابرابر به اسارت مزدوران خمینی درآمد و برگی دیگر بر کارنامه‌ی سیاه و سراسر جنایت خمینی جلاد و مزدوران جنایتکارش اضافه شد. یاد مجاهد شهید محمد حسین جنتی

گرامی باد پاورقی: \* پدر مجاهد شهید حسین جنتی، از آخوندهای شورای نگهبان خمینی است.

مجاهد شهید محمد حسین جنتی در زندان قصر همچنان در ارتباط با تشکیلات مجاهدین که مسئولیت آنرا مجاهد شهید محمدرضا سعادت‌ی بعهده داشت، بسر می‌برد. سرانجام با اوجگیری قیام خلق و به همت مردم، درهای زندانها گشوده شد و حسین نیز به همراه آخرین دسته‌از زندانیان سیاسی، آزاد شد. او در بدو ورود به قم (شهر محل زندگی خانواده‌اش) مورد استقبال بی‌نظیر مردم قرار گرفت و سپس در مراسم سخنرانی که به همین مناسبت برای او در مدرسه‌ی حکیم نظامی ترتیب داده شده بود، شرکت کرد و در آنجا به معرفی اسلام انقلابی و اهداف و آرمان‌های توحیدی مجاهدین پرداخت. محل سخنرانی علیرغم مخالفت شدید مرتجعین، با آرم سازمان و عکس‌ها و تصاویر شهدا و بنیانگذاران سازمان تزئین شده بود. پس از پیروزی قیام، مجاهد شهید حسین جنتی به همراه مجاهدین شهید فضل‌الله تدین و قاسمعلی بیات، مرکز جنبش ملی مجاهدین در اصفهان را تشکیل دادند. او در جریان انتخابات مجلس شورا نیز از سوی سازمان بعنوان کاندیدا معرفی گردید و همراه با دیگر کاندیداها شهر اصفهان به فعالیت‌های وسیعی در زمینه‌ی شناساندن اهداف و خواست‌های مجاهدین و افشای انحصارطلبی-های ارتجاع حاکم دست زد. حسین، خرداد ۵۹ به تهران آمد و در بخش شهرستان مسئولیت‌های مختلفی را از جمله در زمینه‌ی تدارکات و مالی عهده‌دار گردید. با شروع مقاومت مسلحانه در برابر رژیم ضدبشری خمینی جلاد، شهید جنتی نیز همچون

از دوستانش فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی خود را بر علیه رژیم شاه خائن آغاز کرد و در همین رابطه پس از مدتی دستگیر و به مدت یکسال در اسارت ساواک بسر برد. با آغاز حرکت انقلابی مسلحانه در سال ۵۰ و درخشش خورشید فروزان سازمان مجاهدین خلق ایران در آسمان میهنمان، حسین نیز همچون بسیاری دیگر از جوانان مبارز و انقلابی، ماوای همیشگی خود را یافت و پس از برقراری ارتباط با سازمان از طریق مجاهد شهید حسین کرمانشاهی اصل، بعنوان مبارزی حرفه‌ای، فعالیت خود را آغاز کرد. او پس از مدتی مخفی گردید و به همراه مجاهد شهید جواد ربیعی در اصفهان به فعالیت مشغول شد. با شهادت مجاهد خلق جواد ربیعی، ارتباط حسین با سازمان مدتی قطع شد و پس از آن توانست از طریق مجاهد شهید ساسان صمیمی مجدداً در ارتباط با سازمان قرار گیرد. در این دوران که همزمان با حاکمیت جریان خیانت‌بار اپورتونیستی چپ‌نما بر سازمان بود، حسین همچون دیگر مجاهدینی که حاضر به تسلیم در برابر این جریان منحرف نشده بودند، با مشکلات بسیاری مواجه شده و از نظر تدارکاتی و تسلیحاتی در مضیقه‌های سختی قرار گرفت. او مدتی در کارخانه‌ی میب‌سازی مشغول بکار بود. سرانجام در سال ۵۴ دستگیر شد و مدت ۹ ماه تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفت و در بیدادگاه نظامی شاه‌خائن به حبس‌بند به اضافه‌ی ۶۰ سال زندان!! محکوم شده و به زندان عمومی منتقل گردید.

بیستم خرداد، مصادف با دومین سالگرد شهادت مجاهد خلق محمد حسین جنتی یکی از اعضای با سابقه و کاندیدای سازمان از شهر اصفهان در انتخابات اولین دوره‌ی مجلس شورا است. مجاهدی که سال‌ها در مسیر انقلاب و در جهت رهایی خلق و میهن از چنگال دشمنان قسم‌خورده‌ی آن-شاه خائن و خمینی جلاد- مبارزه کرد و در این راه رنج شکنجه و اسارت و آوارگی را به جان خرید، و بی‌هیچ تلزلزی تا آخرین لحظات حیات خود، دست از مبارزه‌ی انقلابی نکشید و سرانجام در نبرد قهرمانانه با پاسداران جنایتکار خمینی، شهادت رسید. آنچه در زندگی انقلابی مجاهد شهید محمد حسین جنتی بعنوان ویژگی برجسته و ممتاز او به چشم می‌خورد، تسلیم‌ناپذیری در برابر ارتجاع و کهنه‌پرستی و دین‌فروشی بود. او که بعلت شرایط خانوادگی‌اش از نزدیک با عقب‌افتاده‌ترین و منحط‌ترین نمایندگان ارتجاع مذهبی و مظاهر بارز سالوس و ریا و دین‌فروشی در حوزه‌ی باصطلاح علمی‌ی قم تماس داشت و به خوبی می‌دید که چگونه آنان راه ارتزاق و ادامگی حیات انگل‌وار خود را در جهل و نادانی مردم جستجو می‌کنند، هر روز بیش از پیش از این محیط متعفن و آلوده گریزان می‌شد و به امید تنفس در هوایی پاک و سالم، در جستجوی یاران و همفکران واقعی خود بود. حسین اغلب تابستان‌ها به کارگری می‌پرداخت و غارت و استثمار دسترنج تسوده‌های زحمتکش را لمس و تجربه می‌نمود. او طی دوران دبیرستان همراه با تعدادی دیگر



## ایران در خطر خفگی

بقیه از صفحه ۹

مبارزه می‌کردند، بنوبه‌ی خود، چه بخواهند، چه نخواهند "متجاوز" شده‌اند. با وجود تمام قول و تضمین‌هایی که می‌دهند، می‌خواهند فی‌الواقع "انقلاب اسلامی" در عراق مستقر سازند، این "انقلاب اسلامی" طی سالها قوه‌ی جاذبه‌ی خویش را از دست داد و تبدیل به چیزی دورکننده شده است. همه‌ی این عوامل باعث خواهند شد که رهبران تهران بطور مضاعف، قبل از استفاده از برگ آخراشان فکر کنند.

فی‌الواقع یک شکست نظامی و با حتی یک نیمه پیروزی، ضربی سختی برای رژیم اسلامی خواهد بود. اما بنظر نمی‌رسد که این رژیم راه دیگری بجز جنگ داشته باشد.

رهبران تهران که اسیر جمله - پردازهای اسلامی و جنگ طلبانه‌ی خود شده‌اند، شاید یکسال پیش موقعیت امضای صلحی با شرافت را که باعث تحکیم رژیمشان می‌شد، از دست دادند.

ممکن است امروز خیلی دیر شده باشد. حتی اگر فرض شود که آنها حاضر شوند با عراق بر سر صلح مذاکره کنند - چیزی که فقط به ذهن می‌آید - بایستی امتیازاتی بدهند که در وضعیت کنونی، اعتراف به شکست تلقی خواهد شد و دیر یا زود رژیم را مورد سوال قرار خواهد داد.

بدنبالش تمام سیستم بهره‌برداری نفتی در خاورمیانه را به زیر سوال بکشد. این مسئله نبایستی چه کشورهای خارجی بزرگ و چه کوچکتر را که نگران تدارکات نفتی خود هستند و چه خلق‌های منطقه را که از خود می‌پرسند: فردا تحت حاکمیت رژیمی که با زبان اواخر قرن بیستم صحبت می‌کند بیدار خواهند شد یا تحت حاکمیت رژیمی سفت و سخت که به هر طریق روی تفسیر خودش از کلام الله پافشاری می‌کند؛ بی تفاوت بگذارد.



مصادف با مراسم مذهبی مهم است و ممکن است حملی جدید، طی "ماه مبارک رمضان" که اول ژوئن آغاز می‌شود، انجام گیرد. بایستی تا قبل از آن ستاد ارتش ایران بعضی مسائل را که تاکنون شروع "هجوم بزرگ" را عقب انداخته‌اند، حل نماید. این عقب افتادن را می‌توان به حساب نگرانی نظامیان ایرانی از تجربه‌ی شکست هجوم مارس گذاشت. این حمله بر روی مسائل لجستیک (تدارکاتی) که بنظر نمی‌رسد حداقل تا حال حل شده باشند در جا می‌زند.

از طرف دیگر بنظر می‌رسد که متشکلین مختلف ارتش ایران، عمیقاً روی استراتژی خود اختلاف دارند. بالاخره، برای اولین بار بنظر می‌رسد تهران در رابطه با تدارکات نظامی دچار مشکلات مهمی است. فشارهایی که از دو ماه پیش توسط آمریکا و شوروی بر روی متحدینشان اعمال شده است تا ارسال اسلحه به ایران را قطع کنند، ظاهراً ثمره‌ی خود را داده است.

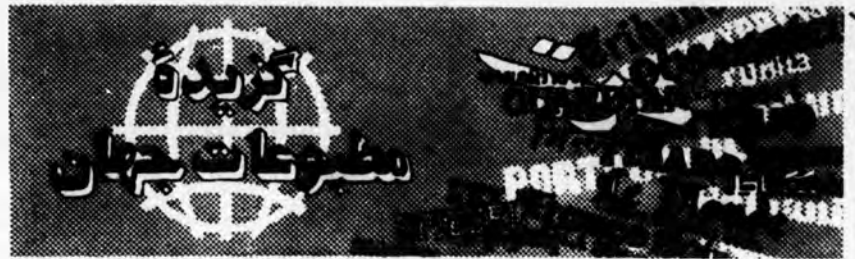
نباید فراموش کرد که ارتش عراق که از این پس توسط شوروی مجهز می‌شود دیگر آن ارتش ژوئیه ۱۹۸۲ که از خرمشهر تقریباً بدون مقاومت خارج شد و به ایرانیان سپرد، نیست. ایرانی‌ها که در آن موقع برای رهائی خاک خودشان

مقابل یکدیگر قرار داده است، نمود بغایت خشن تضادهای ایدئولوژیک، ملی، مذهبی و اجتماعی است که این قسمت از جهان را دربرده است.

فی‌الواقع جنگ ایران و عراق درگیری محدود ناشی از یک اختلاف مرزی، منطقه‌ای یا اقتصادی نیست بلکه برخورد رودرروی بین دو ایدئولوژی و دو سیستم سیاسی کاملاً مخالف است، که یکی خود را از ناسیونالیسم متجدد و غیرمذهبی می‌داند و دیگری از اصولگرایی مذهبی مطلق. چیزی که مسائل را پیچیده‌تر می‌سازد این واقعیت است که این درگیری بین دو کشور از قدرتمندترین کشورهای خلیج، در منطقه‌ای وقوع می‌یابد که از یک سری کشورهای کوچک تشکیل شده که در بحبوحه‌ی تغییرات اقتصادی - اجتماعی می‌باشند و بیش از ۶۰٪ ذخائر نفتی جهان را در اختیار دارند و دهها سال دیگر جایگاه استراتژیکی در صحنه‌ی انرژی بین‌المللی را حفظ خواهند کرد. تمام اینها با هم کوکتل قابل انفجاری می‌شوند.

پس موضوع و نتایج جنگ خلیج بهیچوجه نمی‌تواند فقط با حجم نفتی که طی هفته‌ها یا ماههای آینده از این منطقه قابل صدور خواهد بود، محاسبه شوند.

واقعیت اینست که اگر این جنگ بتواند ادامه پیدا کند، قادر است تغییرات سیاسی مهمی را باعث شده و



Le Monde

۱۹۸۴/۵۰/۲۹

## بشکه نفت یا بشکه باروت

از: نیکلاس سرکیس (رئیس مرکز عربی مطالعات نفتی)

تغذیه‌ی نفتی جهان، به بیان نگرانی حساب شده اکتفا کرده‌اند.

فی‌الواقع بر روی کاغذ، اوضاع هنوز بنظر قابل کنترل می‌رسد.

کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی نزد خود برای نزدیک به ۱۰۰ روز ذخیره کافی برای مصرف دارند و عربستان سعودی در خارج خلیج انبارهای شناور که قریب به ۶۰ میلیون بشکه در خود جا می‌دهند ساخته است.

علاوه بر این عربستان سعودی یک میلیون بشکه در روز قادر است از طریق "لوله‌ی نفتی" به دریای سرخ برساند. همه‌ی اینها اجازه می‌دهند که بطور موقت بتوان در مقابل اختلال‌های شدید ترابری نفتی در خلیج ایستاد. از طرف دیگر عده‌ی زیادی معتقدند که بین تاریخی که ۸ میلیون بشکه در روزی که از تنگه‌ی هرمز می‌گذرد قطع شود تا روزی که آخرین نفتکشهایی که در خلیج بارگیری کرده‌اند به مقصد برسند وقت کافی وجود دارد تا امکانات تولیدی مورد بهره‌برداری نشده در مناطق دیگر همچون آفریقا، دریای شمال یا کارائیب بکار گرفته شوند.

اگرچه درست است که خطر ورشکستگی عرضه‌ی نفتی جهانی نسبت به تقاضا در مجموع حقیر و بلکه صفر است، اما قطع کاملاً کامل ۳۰٪ از صادرات نفتی از خلیج برای چندین هفته تبادلات نفتی جهانی را بهم خواهد ریخت. مسئله در این صورت در بعد لجستیک مطرح خواهد شد و خیلی بیش از بُعد عرضه و تقاضای کلی. همچنین روشن است که چنین اخلالی و حتی شروع ساده‌ی اخلالی موجب بالا رفتن قیمت‌ها خواهد شد. دیدیم وقتی که در سال ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ شایعه‌ی کمبود همجا را فرا گرفت باعث سه برابر شدن قیمت‌ها شد. در حالیکه امروز خوب می‌دانیم عرضه‌ی نفت جهانی در آن هنگام هرگز از تقاضا کمتر نبوده است.

بلحاظ سیاسی، آنهایی که امروز با خیال راحت به شمارش تعداد بشکه‌هایی که می‌توانند یا نمی‌توانند از تنگه‌ی هرمز بگذرانند، می‌پردازند فراموش می‌کنند که خاورمیانه بشکه‌ی باروتی حقیقی است و جنگ وحشتناکی که سه سال و نیم عراق و ایران را در

۱۹ تانکر بزرگ که در عرض کمتر از یک ماه مورد هدف موشکهای عراقی یا ایرانی قرار گرفته‌اند، جنگ خلیج را وارد اوج جدیدی نموده است که هم برای تجارت نفتی جهانی و هم برای ثبات تمامی کشورهای منطقه تهدیدآمیز می‌باشد.

ابتدا در جبهه‌ی نفتی از هم‌اکنون شاهد نزول شدید صادرات ایران می‌باشیم. شرکت‌های ژاپنی که قراردادهای خرید ۲۰۰ هزار بشکه در روز (۱۰ میلیون تن در سال) دارند بارگیری خود را متوقف ساخته‌اند. در حالیکه - بدلائل امنیتی و حسابگری مخارج که بالا رفتن شدید بیمه و بارگیری دریایی بیش از یک دلار بر قیمت هر بشکه نفت ایرانی افزوده است - اکثر خریداران دیگر نفت ایران، در ارسال تانکر به اسکله‌ی خارک تردید دارند.

ترابری نفتی در بنادر کشورهای عرب خلیج نیز دچار اختلال شده است ولی شرایط آنها نسبت به وضعیت صادرات نفتی ایران خیلی کمتر وخیم می‌باشد.

ولی این تنها پیش درآمدی از اوضاع آینده در صورت ادامه‌ی حملات نظامی علیه هدفهای نفتی است.

لذا همانطور که رئیس‌جمهور عراق، صدام حسین در ۲ مه علناً اعلام داشت، عراق در نظر دارد، امروز با ارسال موشک‌های بسوی تانکرهایی که نفت ایران را بار می‌زنند و فردا خود اسکله‌ی جزیره‌ی خارک را محاصره نماید.

### به هم خوردگی بازار نفتی

از آنجا که پول بمثابة ستون فقرات جنگ، و نفت منبع پول است مقامات عراقی معتقدند که ته کشیدن صادرات نفت ایران، تهران را مجبور خواهد ساخت، بالاخره راه‌حل مذاکره‌ای بر دعوا را بپذیرد. رهبران جمهوری اسلامی بنوبه‌ی خویش تهدید می‌کنند که ترابری نفتی در خلیج را فلج خواهند ساخت و در صورتی که صادرات نفتیشان مسدود شود درگیری را با بمباران جهان "خواهند کشاند.

تعجب‌آور است که در نظر اول اکثر مسئولین غربی تاکنون در قبال اوجگیری خطر در وسط اصلی‌ترین منبع





بقیه از صفحه ۸

چیزی نیست جز تحمیل جنگ از طرف شما بر ما و دفاع از خلق و بطور ایدئولوژیک هم قرآن این اجازه را بما داده: "اِنَّ لِّلَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ بَانَہِم مَّظْلُوْمًا..." آخوند دوباره حرف او را قطع کرد و گفت: "قرآن خواندن کار شما نیست، شما را ما مسلمان نمی دانیم که به قرآن استناد می کنید... حالا بگوئید این اتهامات را قبول دارید یا نه؟..."

سعید دوباره لبخند زد؛ لبخندی که یک دنیا معنی را در خود نهان داشت و گفت: "همه را قبول دارم در راه خدا، بخاطر خلق و میهنم" حاکم ضد شرع بلافاصله پس

سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته هائی از زندان ها و شکنجه گاههای ...

از پایان صحبت های سعید، حرف هایش را شروع کرد و پس از آن نوبت مجید رسید و مجید دیگر مجالی برای آخوند مزدور باقی نگذاشت و آنچنان از مواضع سازمان و رهبری آن دفاع کرد که صدای زوزهی نمایندهی مزدور دادستانی برخاست که: "بینندگان عزیز مشاهده می کنید که ما با چه عناصر تروریست و جانی سروکار داریم، عناصری که بهترین علمای مملکت را می کشند و داغ بر دل امام و امت می گذارند و آنوقت بیشرمانه از سازمان منافقین و رهبران آن دفاع می کنند و به هیچ وجه اصلاح پذیر نیستند..." "بند"، به یکباره از کف زند به لرزه درآمد و در پی آن صدای بچه ها بلند شد: - درود بر تفقدی

- درود درود درود  
- درود بر جابانی  
- درود درود درود  
و در پی آن زمزمه ی سرود خوانی برخاست:  
ای ایران میهن شهیدان  
ای مهد جاودان شیران  
بودم من منتظر فراوان  
تا گردم از مجاهدان  
.....  
احساس می کردم گلویم را بغض گرفته، احساس می کردم سرشار از انرژی و شور و نشاط خروشنده ای شده ام که می توانم با آن سالها به مبارزه ادامه دهم، گوئی حرف های سعید بجای خون، آتش در رگام جاری کرده بود. صدای حق هقی در میان سرود خوانی مرا به خود آورد، فریدون کیانی بود که سرش را به میله ها گذاشته بود و می گریست و وقتی متوجه شد او را نگاه می کنم، در میان گریه گفت: "بخدا این نسل بی شکست است... بخدا خمینی جز سقوط سرنوشتی ندارد... دیدی چیکار

کرد؟ پس از ماهها شکنجه، با وجود سه گلوله در بدنش و شهادت دوبرادرش مثل کوه ایستاد (۱)"  
ایستادم و گوش کردم به خروش بند سیاسی:  
تا خون گرم پیگر من جاری گردیده از بر من  
مهر خلق دلاور من باشد ره توشه هر زمان  
بوده حرف آخر من بانگ الله اکبر من  
مهر مردم رهنمایم نور قرآن رهبر من  
می کند ویران ...

شهادت "موسی" و "اشرف" و سوگند به خون آنان برای ادامه نبرد

... خبر شهادت "موسی" مانند صاعقه بر زندان فرود آمد. ابتدا کسی باور نکرد همه مات و مبهوت به هم نگاه کردند و همه از هم پرسیدند: آیا راست است؟ و قدیمی ترها جواب دادند: همه چیز ممکن است، حتی شهادت موسی، ولی باز هم کسی باور نمی کرد. در بند سیاسی بوزینگان ارتجاع به رقص در آمده بودند و نعره هایشان در بند می پیچید "موسی" ان گشته شد... دیگه چیکار می خواهید بکنید... سازمانتان داغان شد، دیگه منافق بی منافق" و باز قاه قاه خنده ها بلند می شد. "بند" را اندک اندک خشم فرا می گرفت، خشمی غیر قابل کنترل. در این سو و آنسو چند نفری که سیگاری بودند آخرین ذخیره ی سیگارهایشان را دود می کردند و پاورقی:

۱- معلم انقلابی، مجاهد شهید سعید جابانی یکی از فرماندهان واحدهای عملیاتی سازمان در مشهد بود و به همین علت نیز ارتجاع تلاش بسیاری کرد تا او را بهر نحو که شده به تسلیم وادارد و به همین منظور، وحشیانه ترین شکنجه ها را بوسیله ی گروه "حاج ابوتراب" در مورد او اعمال کرد ولی شکست خورد. سعید در قوچان متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه به سربازی رفت و در آنجا با دقت بسیار با انواع سلاح ها و ورزش های رزمی آشنا شد. در دوران انقلاب با شناسائی که از قبل داشت بایگ تیم، ضد اطلاعات ارتش را به تصرف در آورد. وی پس از انقلاب در بخش محلات مشهد مسئول فروش و پخش نشریه ی مجاهد بود و پس از آن مسئولیت چاپ نشریه ی مجاهد را در دو کارگاه داخلی سازمان به عهده گرفت. پس از شروع فاز نظامی به واحدهای عملیاتی منتقل گردید و پس از مدتی در

هنوز نیم ساعت نگذشته بود که خبر رسید پاره ای از افراد میله های آهنی تخت را شکسته اند و بوسیله ی آن و برخی اشیاء تیز مانند لبه ی کاسه های شکسته و وسائل دیگر قصد حمله به پاسداران درون بند و کشتن آنها را دارند. زمزمه هائی شنیده می شد که "زندگی دیگر بی زندگی، ما هم امشب این اراذل را می کشیم و به موسی می پیوندیم"، در نگاه زندانیان و به هر کس که نگاه می کردی چیزی جز خشم و نفرت به چشم نمی خورد، انگار در عمق چشمان هر کس آتشی شعله ور شده بود. چند نفر عنصر خود فروخته و بریده که وضع را خطرناک حس کرده بودند در همان لحظات اول به سلول هایشان پناه برده بودند و در حالیکه از وحشت مرگ می لرزیدند در زیر تخت ها کز کرده بودند. همه چیز آماده بود که به یک فاجعه، به یک کشتار عمومی در زندان بیانجامد و دست مزدوران را برای کشتار (چنانکه بعدها فهمیدیم در اوین این کشتار انجام شد) باز کند... ولی در اینجا باز هم آن عامل مهم و حیاتی موثری که در سراپای سازمان چه در بیرون و چه در درون زندان چون خون جاریست به کمک آمده همه چیز را تغییر داد و آن عامل سانترالیزم دمکراتیک بود. اگرچه رژیم پلید خمینی در زندان اجازه ی بوجود آمدن تشکیلات را بزعم خود نمی داد و بلافاصله کسانی را که سعی در ایجاد تشکیلات می کردند به میدان تیرباران روانه می کرد بقیه در صفحه ی بعد

واحدهای ویژه و در سمت یکی از فرماندهان واحد به فعالیت پرداخت. او که در هنگام دستگیری مورد اصابت سه گلوله قرار گرفته بود بلافاصله به زیر شکنجه کشیده شد. شکنجه ی او ماهها طول کشید ولی سعید هرگز زبان به افشای اسرار خلق نگشود. در جریان دادگاه (که از تلویزیون پخش شد) او رژیم را به محاکمه کشید و قبل از اعدام لباس دامادی اش را از خانواده اش گرفت و در حالیکه روزه بود به میدان اعدام شتافت. هنگام شهادت وقتی از او پرسیده شد که آیا پشیمان نیستی گفت: "من مشتکی سگ و گرگ ضد خلق را نابود کرده ام برای چه پشیمان باشم" "سعید" در تاریخ ۱۳/ اردیبهشت/ ۶۱ به دار آویخته شد و قبل از او دوبرادرش مجاهد شهید حمید جابانی در تاریخ ۶۰/۱۰/۹ و گورش جابانی در تاریخ ۶۰/۱۰/۵ به جوخه های تیرباران دژخیم خون آشام جماران سپرده شده بودند.

گلیشه و متن تایپ شده و وصیت نامه مجاهد شهید سعید جابانی

بنام خدا  
بنام خلق قهرمان ایران  
و  
بنام شهدای بخون خفته ی خلق



اِنَّ لِلَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ بَانَہِم مَّظْلُوْمًا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ  
"حج- ۴۱"  
به کسانی که بر آنان ظلمی رفته است اجازه بیکار داده شده است و همانا خداوند بر پیروز گردانیدنشان تواناست.  
من سعید جابانی فرزند محمد دارای شناسنامه ی شماره ۴ صادره از قوچان با سلامت و آگاهی کامل و در حالی این وصیتنامه را می نویسم که صدای ریگبار مسلسل ها با فریاد زنده یاد آزادی مجاهدین درهم آمیخته است و طلوع فجر را نوید می دهد اینک این آوای رهایی بخش سلاح مجاهد است که سرود آزادی سر می دهد.

من نیز بار دیگر با خدا و خلقم تجدید میثاق می کنم و به خون پاک برادران و خواهران دلاورم که سنگ فرش خیابانها و میدانهای تیر را گلگون ساخته است قسم می خورم که تا رهایی خلقم سلاح را بر زمین نگذارم سلاحی که از برادران و خواهرانم به یادگار گرفته ام و قسم می خورم تا آخرین قطره ی خونم به آرمانهای مقدس سازمان مجاهدین خلق ایران وفادار بمانم باشد تا قطره ای ناچیز از سیل خروشان باشم که غران و شتابان بنیان رژیم سفاک خمینی را می کشند و به زیاده دان تاریخ می افکند رژیم که گلهای نوشگفته را به جوخه های تیرباران می سپارد و از به شهادت رسانیدن مادران باردار نیز ابائی ندارد. ما اینک خورشید آزادی را می بینیم که از پس ابرهای تیره و نار ارتجاعی سر بیرون می آورد آری ما خورشید رهایی را که در حال دمیدن است می بینیم و قسم یاد می کنیم تا فرا رسیدن بهار دل انگیز آزادی دستانمان را همچنان بر قبضه ی سلسله هایمان بفشاریم.  
در خاتمه از همسر و پدر و مادر و بستگانم می خواهم. گلیه ی امکاناتم را که داشتم در اختیار سازمان قرار دهند و از همسرم می خواهم در راهی که برگزیده است همچنان مقاوم و استوار به پیش رود.  
به امید رهایی و بهروزی همدی خلقهای در زنجیر  
غم ما غم نیست بار غمهاست  
غم صد چشم بدر دوخته است  
غم صد شام بدون سحر است  
من نمی اندیشم جز به فردای شب تاریک  
من نمی اندیشم جز به رنگ من و باروت  
جز به میدان نبرد  
سخن از ماندن و ماندنهای نیست  
سخن از رفتن هم نیست  
سخن این است که خاکستر تو تخم رزم آور دیگر باشد.  
برافراشته باد پرچم خونریز جامعی بی طبقه ی توحیدی  
مرگ بر ارتجاع - مرگ بر امپریالیسم  
سلام بر آزادی  
۶۰/۱/۲۱ سعید جابانی

بنام خدا  
بنام خلق قهرمان ایران  
و  
بنام شهدای بخون خفته ی خلق  
فدای تو ای خداوند منم... و در حق تو است که ما را از این ستم و ظلمت نجات دهی...  
من سعید جابانی فرزند محمد دارای شناسنامه ی شماره ۴ صادره از قوچان با سلامت و آگاهی کامل و در حالی این وصیتنامه را می نویسم که صدای ریگبار مسلسل ها با فریاد زنده یاد آزادی مجاهدین درهم آمیخته است و طلوع فجر را نوید می دهد اینک این آوای رهایی بخش سلاح مجاهد است که سرود آزادی سر می دهد.  
من نیز بار دیگر با خدا و خلقم تجدید میثاق می کنم و به خون پاک برادران و خواهران دلاورم که سنگ فرش خیابانها و میدانهای تیر را گلگون ساخته است قسم می خورم که تا رهایی خلقم سلاح را بر زمین نگذارم سلاحی که از برادران و خواهرانم به یادگار گرفته ام و قسم می خورم تا آخرین قطره ی خونم به آرمانهای مقدس سازمان مجاهدین خلق ایران وفادار بمانم باشد تا قطره ای ناچیز از سیل خروشان باشم که غران و شتابان بنیان رژیم سفاک خمینی را می کشند و به زیاده دان تاریخ می افکند رژیم که گلهای نوشگفته را به جوخه های تیرباران می سپارد و از به شهادت رسانیدن مادران باردار نیز ابائی ندارد. ما اینک خورشید آزادی را می بینیم که از پس ابرهای تیره و نار ارتجاعی سر بیرون می آورد آری ما خورشید رهایی را که در حال دمیدن است می بینیم و قسم یاد می کنیم تا فرا رسیدن بهار دل انگیز آزادی دستانمان را همچنان بر قبضه ی سلسله هایمان بفشاریم.  
در خاتمه از همسر و پدر و مادر و بستگانم می خواهم. گلیه ی امکاناتم را که داشتم در اختیار سازمان قرار دهند و از همسرم می خواهم در راهی که برگزیده است همچنان مقاوم و استوار به پیش رود.  
به امید رهایی و بهروزی همدی خلقهای در زنجیر  
غم ما غم نیست بار غمهاست  
غم صد چشم بدر دوخته است  
غم صد شام بدون سحر است  
من نمی اندیشم جز به فردای شب تاریک  
من نمی اندیشم جز به رنگ من و باروت  
جز به میدان نبرد  
سخن از ماندن و ماندنهای نیست  
سخن از رفتن هم نیست  
سخن این است که خاکستر تو تخم رزم آور دیگر باشد.  
برافراشته باد پرچم خونریز جامعی بی طبقه ی توحیدی  
مرگ بر ارتجاع - مرگ بر امپریالیسم  
سلام بر آزادی  
۶۰/۱/۲۱ سعید جابانی





سلسله خاطرات، گزارشات  
و نوشته‌هایی  
از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های...

## هراس رژیم از واژه «زندانی سیاسی»!

\* بخشنامه‌ی صانعی جنایتکار، دادستان کل رژیم: اکیدا از اطلاق «مجرم سیاسی» به متهمین و محکومین نیروهای که برای براندازی رژیم مبارزه مسلحانه می‌کنند، خودداری شود!

از همین مردم بیچاره بوسیله‌ی سلاح‌های همین آدمکشان در خون خود غلطیده‌اند (مقایسه شود با تبلیغات دارودسته‌ی خمینی مبنی بر اینکه رزمندگان مجاهد، به افراد کاسب و... حمله می‌کنند!). حال همین خشم و هراس «اعلیحضرت» مدفون در بکار بردن واژه‌ی «زندانی سیاسی» را با بخشنامه‌ی اخیر صانعی جنایتکار، خطاب به محاکم ضد انقلابی رژیم، مقایسه نمائید:

عمومی داخلی و خارجی - واژه‌های «خرابکار» و «تروریست» اطلاق می‌شد و در رژیم خمینی جنایتکار همه‌ی اینها به اضافه‌ی «ضدانقلاب» و «مفسد فی الارض» و «معارض با خدا»!! در این رابطه مقدمنا به قسمتی از مصاحبه‌ی تلویزیونی شاه خائن در سفرش به آمریکا در سال ۵۶ توجه کنید: شاه در پاسخ سؤال اسپوواک، مصاحبه‌گر تلویزیون، مبنی بر اینکه پاسخ اعلیحضرت به این اتهامات! که در ایران ۴۰ هزار

دیکتاتوری‌های خون‌ریز و ضد خلقی، چه بخواهند و چه نخواهند، مجبورند برای سرکوب خلق تحت ستمشان از شیوه‌ها و ابزار و حتی واژه‌های مشترکی استفاده نمایند. این مسئله بویژه در رابطه با نحوه‌ی موضعگیری در قبال نیروهای پیشتاز خلق و مقابله با آنها، همسوئی و هماهنگی چشمگیری را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که برای خمینی دجال نیز جز پا گذاشتن در مسیری که سلف خائنش شاه جنایتکار در این زمینه پیمود، چاره و گریزی نیست (گو اینکه بایستی حتما بر این نکته تأکید کرد که برای ابعاد جنایت و خونریزی و شکنجه و اعدام در رژیم خمینی، لااقل در عصر حاضر تالی و رقیبی نمی‌توان یافت!)، فی‌المثل در زمینه‌ی مقابله با نیروهای انقلابی بویژه مجاهدین، چه شاه و چه خمینی ترفندهای مشابهی را بکار گرفته‌اند! آن یکی بزعم خود، برای ایجاد شبهه در میان پایگاه اجتماعی سازمان، واژه‌ی «مارکسیست‌های اسلامی» را بکار گرفت و این یکی «منافق» را (البته دلیلش هم این بود که واژه‌ی شاه ساخته‌ی قبلی کارآئی‌اش را مطلقا از دست داده بود). شاه برای سرپوش جنایات خود از حضور و همکاری «مردم» مایه می‌گذاشت و خمینی - البته به نسبت دجالگری‌هایش - از «۳۶ میلیون جمعیت ایران!» در رژیم شاه خائن، به رزمندگان انقلابی و بویژه به اسرا و متهمین سیاسی - بلحاظ تبلیغ در افکار

بودن خود را نشان داد که معلوم شد بخش سیاسی سپاه پاسداران مشهد تجدید سازماندهی یافته و یک اکیپ از زنده‌ترین شکنجه‌گران کرمانشاهی به مشهد آمده‌اند و تمامی شیوه‌ها و شگردها را بکار گرفته‌اند.

شکنجه‌ها ادامه یافت و در اسفندماه فریدون به شکنجه‌گاه برده شد ولی باز هم با استخوان‌هایی شکسته در زیر شلاق جز سرود مقاومت نسروود و به بند بازگردانده شد و چندی بعد تیرباران شد. بعد از او آذرنگ به شکنجه‌گاه کشانیده شد. و بعد از او... و بدینگونه بهار سال ۶۱ فرارسید. (ادامه دارد)

بخشنامه‌ی شماره‌ی: ۲۰/۷۶/۶۶  
تاریخ: ۶۲/۱۲/۱

محرمانه

از آنجا که جرائم سیاسی موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی بایستی در محاکم دادگستری و با حضور هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد و در حال حاضر لایحه‌ی راجع به تشکیل هیئت منصفه برای رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است و نتیجتا بطور دقیق وجوه افتراق جرم سیاسی یا جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی مشخص نگردیده است علیهذا اکیدا تذکر داده می‌شود از اطلاق مجرم سیاسی به آن عده از متهمین یا محکومین وابسته به گروه‌های راست و چپ که بلحاظ اتهاماتی از قبیل اقدامات ضد انقلابی، اعمال تروریستی و خرابکاری و مبارزه‌ی مسلحانه برای براندازی جمهوری اسلامی و غیره در دادسراهای انقلاب مورد تعقیب قرار گرفته یا محکوم شده‌اند اکیدا خودداری شود. البته بدیهی است که جرائم این افراد (گروه‌ها) که به عنوان معارب و اقدام علیه امنیت و افساد فی الارض محاکمه گردیده‌اند قطعاً سیاسی نیست بلکه از جرائم عمومی به شمار می‌آید. دادستان گل کشور یوسف صانعی

البته دیکتاتوری ضد بشری خمینی همانند هر دیکتاتوری دیگر، نمی‌تواند درک کند که هر تغییر زبانه‌ای هم که در واژه‌ها، محتوا و مضمون واژه‌ها، کارکرد خاص اجتماعی و سیاسی خودش را خواهد داشت. آری، چه واژه‌ی «زندانی سیاسی» چه «تروریست و ضدانقلاب» برای همگان، از یکسو جنایتکاری و شقاوت پیشگی بی‌حد و مرز جلادان و شکنجه‌گران و زندانبانان رژیم خمینی نسبت به زندانبانان سیاسی را یادآوری می‌کند و هم از سوی دیگر مقاومت شوک‌مندی و خاموش ناشدنی یکصد و بیست هزار زندانی مجاهد و مبارز را در سرتاسر میهن و در اقصی نقاط جهان طنین‌انداز می‌نماید. در این میان، برای رژیم خمینی نیز جز انتظار کشیدن برای سرنوشت مشترک با رژیم خائن شاه، یعنی سقوط محتوم مذلّت‌بار، به دست خلق و رزمندگان پیشتاز و مجاهد و مبارز باقی نمانده است.

«زندانی سیاسی» وجود دارد و اینکه صدها تن از مخالفان سیاسی (بقول صانعی جنایتکار: «مجرمین سیاسی») ایران بقتل رسیده یا تا سرحد مرگ شکنجه شده‌اند، چیست؟ می‌گوید: «اولا حتی سه‌هزار زندانی سیاسی هم در ایران وجود ندارد و در واقع این عده را هم نمی‌توان زندانی سیاسی بشمار آورد، زیرا همه‌ی آنها تروریست هستند. آنها علنا می‌گویند که مارکسیست هستند برخی از آنها می‌گویند مارکسیست - اسلامی هستند. بنابراین می‌توانید حدس بزنید چگونه افرادی هستند (۱۴) آنها هر گس را که دستشان می‌رسد به قتل می‌رسانند. با مسلسل و نارنجک دستی به خیابان‌ها می‌روند و مردم بیگناه را درو می‌کنند. آنها حتی از گشتن کودکان خردسال هم ابا ندارند. مردم عادی، راننده‌های تاکسی و رفتگران که از جنایات این افراد به خشم آمده‌اند، به تعقیب آنها پرداخته‌اند و برخی

شدند، برپا ایستادند و خواندند بیاد موسی و اشرف و دیگران، و در زیر چنگ و دندان جلادان، بی هراس و سربلند: در این صبح خونین پیام شهادت پذیرا شو از من سلام شهادت شکستی ندارد چریک مجاهد شهیدم گوارا، بگام شهادت سحر سر کشیده، شرر در کشیده فکنده است لرزه به دشمنان خروشی به پا شد که دست خدا شد بیرون ز آستین مجاهدان \* \* \*

... فریدون می‌گفت مصیبت‌های بزرگ را بایست با ایدئولوژی تحمل کرد و فشارهای سخت را هم بدینسان و ما ضربه‌ی شهادت موسی را این چنین تحمل کردیم. با پناه بردن به قرآن و با یاد مبارزه‌ی عظیم که از آغاز تاریخ استثمار و ستم در میان خلق و ضد خلق آغاز گردیده و سرانجام به پیروزی خلق می‌انجامد، خود را دلداری دادیم؛ با یاد نبردی که در صفوف نخستین آن در ابتدا پیامبران و مصلحین بخاک و خون در غلتیدند و بردگانی چون اسپارتاکوس و میلیونها ستمکش و رنجبر دیگر و اینک نوبت ما رسیده بود تا در گوشه‌ای از کروی خاکی خود، صفحات سرنوشت را بنویسیم. در آنشب بچه‌ها تا سپیده دم قرآن خواندند و سرود و به خون موسی و اشرف سوگند یاد کردند که بر مقاومت خود بیفزایند. در آنشب بقول فریدون کیانی سعی کردیم غم‌ها و شادی‌های بشری را در کلیت خود و در گستردگی آن ببینیم و خود را قطره‌ای از دریای بیکران خلق در کروی زمین بحساب آوریم و غم و اندوه خود را بر این صحنه بگسترانیم تا فشار آن شانه‌ها مان را خرد نکند، در بازداشتگاهها و شکنجه‌گاهها نیز یارانمان این چنین شهادت موسی را برگزار کرده و بر مواضع خود پای فشرده بودند.

پس از ضربه‌ی موسی فشار رژیم بر زندانبانان و بویژه ۵۱ نفر تحت شکنجه، افزوده شد. اخبار وحشتناکی از شکنجه‌گاهها در مورد شکنجه می‌رسید؛ اخباری از شلاق زندان‌های بی‌دریی، صحنه‌های اعدام‌های مصنوعی، تجاوز با باطوم، سوزاندن و... گویی ارتجاع می‌خواست همراه با ضربه‌ی موسی تمامی توان خود را برای خورد کردن زندانبانان بکار گیرد. این اخبار هنگامی جدی بودن و در عین حال هراس‌آور

بقیه از صفحه‌ی قبل  
ولی با روحیه و جوهر تشکیلاتی چه می‌توانست بکند، جوهری که از ایدئولوژی عنصر مجاهد خلق نشأت می‌گیرد و در انسجام تشکیلاتی بارز می‌شود و چنین بود که در ظرف مدتی کوتاه، با تلاش‌های کسانی چون فریدون کیانی، داریوش آذرنگ و... جو آرام شد و حالت بحرانی زندان از بین رفت و همه به انتظار اخبار نشسته تا بهر صورت با مسئله برخورد کنند. \* \* \*

چراغ‌های بند را برای جلوگیری از تحرک زندانبانان و ایجاد شورش خاموش کرده بودند، پاسداران از بند سیاسی خارج شده بودند و تنها صفحه‌ی روشن تلویزیون در میان تیرگی می‌درخشید. به بجه‌ها نگاه کردم. آتش سیگار برخی در تاریکی چون ستاره‌هایی کوچک به چشم می‌خورد و منظره‌ای جالب ایجاد کرده بود. همه در انتظار بودند، در سکوت کامل و سرانجام انتظار بسر رسید و ما در آن لحظات هرگز صدای گوینده‌ی تلویزیون را نشنیدیم گویا کر شده بودیم و تنها و سراپا چشم، بر صفحه‌ی تلویزیون قامت تناور موسی را دیدیم و اشرف را و سایر یارانشان را و سرانجام «مصطفی» را که در آغوش جلاد اوین «لاجوردی» وحشت‌زده و گریان بود. صدای کسی در تاریکی بلند شد:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْیاءٌ وَ لَکِن لَّا تَشْعُرُونَ»  
و پس از مکتی کوتاه دوباره خواند:  
«الذین إذا أصابتهم مصیبه قالوا انالله وانا الیه راجعون»  
... «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل»  
کسی در تاریکی گریست و دیگری او را دلداری داد. صدای گریه‌ها شدیدتر می‌شد و در میان آن «زمنه‌های مرگ بر خمینی... دوباره جو مغشوش شده بود. بویژه با دشنام‌های رذیلانه‌ی گوینده‌ی تلویزیون. بنابراین می‌بایست وضع تغییر کند و سرود می‌توانست خشم و خروش را در کانال منطقی خود بیان‌دازد و سرود شروع شد. در ابتدا آرام و سپس چون رعدی غرنده در سیاهی شب و در برابر صفحه‌ی تلویزیون، همه بلند



## بودجه سال ۶۳

## خیانت عظیم يك رژيم، فقر و ستم زدگی يك خلق

بقیه از صفحه ۶

ریال ثابت اعلام کرد.

آنچه مسلم است، این تنها یک قلم از اعتباری است که رژیم هر ساله تحت عنوان "هزینه‌های ناشی از جنگ" اعلام می‌کند و گرنه - صرف نظر از حساب‌سازی‌ها و آمار دروغین - بسیاری اعتبارات دیگر در بودجه، مستقیم یا غیرمستقیم صرف هزینه‌های سرسام‌آور جنگ می‌شود. به بیلانی از هزینه‌های مربوط به جنگ که در لایحه اصلاح‌شده بودجه توسط کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ضد خلقی ارائه شده، توجه کنید:

گرفته‌اند. به عنوان نمونه به اظهارات نماینده خود فروخته‌ی مجلس توجه کنید:

"احمد زرهانی: ما باید این قضیه را واقع بینانه بپذیریم، در سال، رقمی بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان و یک سوم بودجه‌ی ما صرف هزینه‌های ناشی از جنگ می‌شود و اگر این جنگ به ما تحمیل نمی‌شد، بطور طبیعی با کسر بودجه‌ی ۱۰۰ میلیارد تومانی مواجه نمی‌شدیم و نقدینگی به این شکل سرسام‌آور، افزایش پیدا نمی‌کرد." (کیهان ۱۵/اسفند/۶۲)

- مرتضی الویری: ما یک قلم مشخص ۴۰ میلیارد تومان هزینه‌های جنگی داریم، اما وقتی نگاه بکنیم که در جوار همان

هزینه‌های ناشی از جنگ	میلیارد ریال
وزارت دفاع	۴۰۰
بودجه‌ی سپاه	۳۶۷
بازسازی مناطق جنگی	۱۲۰
بنیاد شهید	۱۰۰
صنایع دفاع	۴۳
بنیاد امور مهاجرین جنگی	۱۰
هزینه‌های بهداری برای جنگ	۴۲
جمع	۲
	۱۰۸۴

ارقام فوق‌الذکر، ارقامی است که بطور مستقیم به جنگ مربوط می‌شود و گرنه بخش قابل توجهی از بودجه‌ی ارگان‌های مختلف و تحت عنوان "مقدم‌ترین وظیفه" به "تنور جنگ" سرازیر می‌شود. فی‌المثل از بودجه‌ی ۱۰۳ میلیارد ریالی "جهاد" قسمت اعظم آن در جبهه‌ها بکار گرفته می‌شود. چرا که مقدم‌ترین وظیفه‌ی این ارگان ضد خلقی، خدمت به جبهه‌های مرگ خمینی است.

از آنجا که هزینه‌های این جنگ ضد میهنی بسیار بیشتر از این ارقام است، سردمداران و کارگزاران رژیم، ابائی از برزبان آوردن این میزان از هزینه‌های جنگ را ندارند. اگر نظری به اظهارات نمایندگان مجلس ضد خلقی، در فاصله‌ی ۱۳ تا ۱۶ اسفندماه که بر سر لایحه بودجه بحث می‌کردند و در مطبوعات جیره‌خوار رژیم نیز بچاپ رسیده، بیندازیم همی آنها (چه باصلاح مخالف لایحه بودجه و چه موافق آن) ارقامی بیش از یک هزار میلیارد ریال برای جنگ را مفروض

۴۰ میلیارد تومان، هزینه‌های دیگری صورت می‌گیرد که اگر جنگ نبود، آن هزینه‌ها صورت نمی‌گرفت. ولی هزینه‌های جنگی ما در هر شبانه‌روز حدود ۳۱۰ میلیون تومان می‌شود، ۱۱۴ میلیارد تومان هزینه‌ی جنگی سال ۶۳ برآورده شده. " (کیهان ۱۶/اسفند/۶۲)

باید یادآوری کنیم که در سال گذشته نیز کمیسیون مالی مجلس ضد خلقی، هزینه‌ی جنگ را روزانه ۳۲۰ میلیون تومان ارزیابی کرده بود (یعنی سالانه نزدیک به ۱۲۰ میلیارد تومان). آنچه را که به یقین می‌توان گفت اینست که: هزینه‌ی روزانه‌ی جنگ در سال ۶۳ هرگز نمی‌تواند از هزینه‌ی روزانه‌ی جنگ در سال ۶۲ کمتر باشد. کما اینکه در بودجه‌ی رسمی سال ۶۳ نیز در همین زمینه با یک افزایش کاملاً جدی نسبت به سال پیش مواجهیم. بخصوص که نفرت عمومی از سیاست ضد میهنی و جنگ طلبانه‌ی خمینی، دائماً رو به افزایش بوده و علیهذا رژیم پیوسته مجبور است جای ذوب توان بسیج خود و افت شدید نیروی انسانی‌اش را حتی المقدور با پول و نیز با

حمایت‌ها و زرد و بندهای خارجی پر کند.

برای اینکه با مخارج و ارقام نجومی مربوط به جنگ، بهتر آشنا بشویم و عامل اصلی کسر بودجه را بهتر بشناسیم، یک مقایسه‌ی رقمی بین هزینه‌های جنگ و برخی از اعتبارات دیگر (تولیدی و عمرانی و آموزش و بهداشت و...) ضروری می‌نماید. آمار و ارقامی را که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، خود رژیم اعلام کرده است (۱):

عمران شهرها	میلیارد ریال
عمران و نوسازی روستاها	۲۰/۹
آموزش عالی و تحقیقات	۸/۱
حفاظت محیط زیست	۸۱/۳
تربیت بدنی، پیشاهنگی و امور جوانان	۳/۲
نهضت سوادآموزی	۱۳/۳
کشاورزی و منابع طبیعی	۱۰/۰
بهداشت - درمان و تغذیه	۱۶۸/۸
جمع	۲۳۰/۵
	۵۳۶/۱

حال جمع اعداد و ارقام بالا را با رقم نجومی ۱۰۸۴ میلیارد ریال هزینه‌های جنگ (رقم رسمی) مقایسه کنید. ملاحظه می‌شود که مجموع تمامی اعتبارات فوق، کمتر از ۵۰٪ هزینه‌ی جنگ خانمانسوزی است که هستی مردم و میهن ما را هر روز به کام مرگ و نابودی می‌فرستد.

باید این نکته را نیز در نظر بگیریم که نخست‌وزیر مزدور رژیم در رابطه با جنگ خانمانسوز، پیوسته کمترین و غیرواقعی‌ترین ارقام و در رابطه با اعتبارات تولیدی، عمرانی، بهداشت و درمان، آموزش و... بیشترین و غیرواقعی‌ترین ارقام را ارائه داده است. کما اینکه همین عنصر خائن در لایحه بودجه‌ی سال ۶۳، بودجه‌ی آموزش و پرورش را ۴۷/۹۴ میلیارد تومان اعلام کرده است، در حالیکه بودجه‌ی واقعی آموزش و پرورش، تنها ۵/۵ میلیارد تومان می‌باشد. این همان نکته‌ای است که وزیر خود فروخته‌ی آموزش و پرورش، که از فرط فشار و تنگناهای موجود در وزارتخانه‌ی خویش به خشم آمده، دست همپالگی خود - نخست‌وزیر خمینی - را چنین رو می‌کند:

"با بودجه‌ای که اختصاص داده شده، بهیچوجه آموزش و پرورش پاسخگوی نیازی که

هست، نخواهد بود، برای اینکه اعتبار این وزارتخانه در سال ۶۱ به میزان ۱۲ میلیارد بود و در سال ۶۲، ۹/۵ میلیارد و امسال ۵/۵ میلیارد اعتبار طرح و توسعه‌ی وزارت آموزش و پرورش است که کمیسیون محترم بودجه هم در جریان است."

علیرغم جیغ و دادهای زبونانه‌ی وزیر آموزش و پرورش خمینی، از آنجائی که ادامه‌ی جنگ، جانمایه‌ی حیات ننگین رژیم می‌باشد، مجلس‌نشینان خائن نیز دمیدن در تنور جنگ را مقدم‌ترین وظیفه‌ی خود دانسته و تک‌تک آنها در مسابقه‌ی افزایش بودجه‌ی هزینه‌های جنگی با تمام قوا و داوطلبانه شرکت می‌کنند، و هر

کدام بنا به شم و غریزه‌ی ضد انقلابی خود پیشنهادی را جهت افزایش بودجه‌ی هزینه‌های جنگی ارائه می‌کنند. بد نیست با تعدادی از این نوع پیشنهادات در چگونگی تاراج هر چه بیشتر نفت، اخراج تعدادی از کارکنان و کارمندان برای پائین آمدن هزینه‌های سایر ارگان‌ها به نفع جنگ، حذف "سوسید" از کالاهای اساسی، اخذ مالیات بیشتر و غارت اموال مردم، آشنا شویم:

عزت‌الله دهقان: "دولت موظف است ضمن گرم نگه‌داشتن تنور جنگ به وضع روستاها هم برسد. این عقلانی نیست که به این دلیل (به دلیل استخراج و فروش بی‌رویه و بیش از اندازه نفت) که ممکن است آنهم با محاسبات نادرست بشری چند ده سال آینده مواجه با کمبود نفت بشویم و در سال‌های آینده، انقلاب را در معرض تهدید قرار دهیم و از ترس (تمام شدن ذخائر نفت در آینده) خود را در گرداب (ورشکستگی) بی‌فکنیم." (۲)

(کیهان - ۱۴/اسفند/۶۲)

نماینده‌ی خود فروخته‌ی دیگری بنام محمد فروغی پس از افاضاتی اندر ضرورت افزایش هزینه‌های جنگی تا آنجا که ضرورت داغ نگه‌داشتن تنور جنگ ایجاب کند، اظهار می‌کند: "حرف من اینست که

خود مسئولین اجرایی وقتی که به اینجا می‌آیند و توضیح می‌دهند ۲۵ تا ۳۰ درصد از کارمندان دولت اضافی هستند و در ادارات کار نداریم به اینها بدهیم و اینها از بودجه‌ی عمومی کشور استفاده می‌کنند، آیا کمیسیون برنامه و بودجه دولت در مورد این کارمندان اضافی فکری کرده‌اند یا نه؟" (تاکید از ماست)

عباسعلی اختری: "ما باید اعتبار و هزینه‌های خود و هم بودجه را جنگی تنظیم کنیم و به تناسب با زمان جنگ باشد و نه بودجه‌ی رفاهی باشد... سوسید نباشد تا مردم برای تهیه‌ی مواد غذایی قیمت اصلی را پرداخت کنند و پول اضافی صرف تجملات و گرم شدن بازار واسطه‌گران نگردد." (تاکیدات از ماست)

مجید انصاری: "بنده عرض می‌کنم تمام سرمایه‌گذاری‌هایی که ما در جنگ می‌کنیم سرمایه - گذاری عمرانی ثابت و قوی‌ترین سرمایه‌گذاری‌های عمرانی است." بطوری که ملاحظه شد از آنجا که اولویت درجه‌ی اول برای رژیم، ادامه‌ی جنگ و به تبع آن تامین هزینه‌های آن است و از آنجائی که ارقام مربوط به هزینه‌های جنگی در مقایسه با سایر هزینه‌ها، فوق‌العاده زیاد بوده و اساساً با ارقام نجومی قابل بیان است لذا تنها هزینه‌ای که رژیم قادر نیست تمامی آنرا از محل درآمدهای خود تامین کند، هزینه‌های جنگ می‌باشد و این همان عامل اصلی است که کسری بودجه‌های رژیم را موجب می‌شود.

در لوایح بودجه‌ی سال‌های گذشته و امسال رژیم که نگاه کنیم، هزینه‌های ناشی از جنگ تقریباً رقمی نزدیک به کسر بودجه‌ی اعلام شده است و به همان میزان که هزینه‌های جنگ ضد میهنی خمینی افزایش پیدا می‌کند، کسر بودجه نیز افزایش پیدا می‌کند، بطوری که میزان واقعی کسر بودجه‌های رژیم (با تقریب) نزدیک به هزینه‌های جنگ است. همانطور که قبلاً اشاره کردیم یکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی (احمد زرهانی) در این باره چنین

پاورقی:

۱- آمار و ارقام سایر اعتبارات، از اظهارات موسوی خائنی هنگام تقدیم لایحه بودجه به مجلس ضد خلقی اخذ شده است. (اطلاعات - چهارشنبه ۹/آذر/۶۲)

۲- کلمات داخل پرانتز را برای گویا شدن مطلب اضافه کرده‌ایم.



## بودجه سال ۶۳

## خیانت عظیم يك رژيم، فقر و ستم زدگی يك خلق

می‌گوید: "در سال رقمی بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان و یک سوم بودجه‌ی ما صرف هزینه‌های ناشی از جنگ می‌شود و اگر این جنگ به ما تحمیل نمی‌شد بطور طبیعی با کسر بودجه‌ی ۱۰۰ میلیارد تومانی مواجه نمی‌شدیم."

(کیهان - ۱۵/اسفند/۶۲)  
 اکنون که با مسئله‌ی کسر بودجه و بطور اخص کسر بودجه‌ی سال ۶۳ رژیم تا حدودی آشنا شدیم. حال ببینیم که رژیم این کسر بودجه‌ها را چگونه تامین می‌کند. به عبارت دیگر، منابع تامین کسر بودجه‌های رژیم کدامست و از هر منبعی به چه میزان به جبران آن می‌پردازد؟ نکته‌ای را که باید همواره توجه کرد اینست که از آنجائی که کسر بودجه‌ها و منجمله کسر بودجه‌ی سال ۶۳ اساساً مربوط به هزینه‌ی نجومی جنگ است و رژیم ناچار است برای ادامه‌ی حیات خود به جنگ ادامه دهد، پس به هر طریق که شده این کسر بودجه‌ها را تامین خواهد کرد، حال از تاراج بیشتر نفت، افزایش مالیات‌ها و غارت مستقیم و غیرمستقیم مردم، دریافت کمک‌های خارجی و یا استقراض از سیستم بانکی (و به معنای دقیق کلمه، چاپ اسکناس بدون پشتوانه)، به هر حال تنور میهن‌سوز جنگ را از پول و امکانات خالی نخواهد گذاشت.

اما توسل به هر کدام از شیوه‌های فوق طبعاً بازتاب‌ها و اثرات خاص خود را در رابطه با رژیم، جامعه و... خواهد داشت که شناخت آنها به شناخت تحولات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی کمک خواهد کرد.

## "نفت"

مهمترین راه جبران کسری درآمد و مقابله‌ی موقتی با ورشکستگی اقتصادی برای رژیم، افزایش درآمد حاصل از نفت (به عبارت بهتر به تاراج دادن بیشتر نفت) می‌تواند باشد. منبعی که اگر موانع جدی بر سر راه آن نباشد، برای رژیم بسیار مغتنم و خوشحال‌کننده است. اما در این رابطه فاصله‌ی بسیار

زیادی میان تمایلات رژیم و مقدرات عملی وجود دارد؛ فاصله‌ای که رژیم از آن بسیار خشمگین است.

قاطعانه باید گفت اسامال درآمد نفت بهیچوجه نمی‌تواند جبران‌کننده‌ی کسری بودجه یا حداقل بخشی از آن باشد. چرا که - آنچنانکه خواهیم دید - درآمد رژیم از تاراج نفت نه تنها در سطح سال ۶۲ باقی نخواهد ماند، بلکه تنزل زیادی نیز خواهد کرد. دلایل آنرا روی دو مولفه‌ی اساسی می‌توان بررسی کرد:

۱ - دلایل سیاسی و منطقه‌ای، این روزها گسترش دامنه‌ی جنگ، گریبان رژیم را سخت می‌فشارد. با کشیده شدن آتش جنگ به خلیج فارس و مشخصاً به آب‌های بنادر جنوب، وضعیت رفت و آمد کشتی‌ها و نفتکش‌ها را با ناامنی روبرو ساخته است؛ بطوری که هم‌اکنون به عنوان یک تهدید بسیار جدی برای صادرات نفت - یعنی مهم‌ترین منبع درآمد رژیم - و واردات کالا - یعنی مهم‌ترین منبع تهیه‌ی کالا برای رژیم - درآمده است.

اولین بازتاب آن - حداقل در همان حدی که در شرایط فعلی وجود دارد - محدود شدن رفت و آمد نفتکش‌ها به بنادر ایران و افزایش نرخ بیمه‌ی دریائی در این منطقه است، که بطور طبیعی مشتری‌های نفت رژیم را محدودتر خواهد کرد.

هم‌اکنون، صرفنظر از ارزان‌فروشی‌های خیانت‌بار نفت توسط رژیم، تامین پول بیمه‌ی نفتکش‌ها (که در منطقه‌ی آب‌های ایران در اواخر اردیبهشت‌ماه به ۸ برابر و سپس طی روزهای اخیر به ۲۰ برابر سایر بنادر در همین منطقه‌ی خلیج فارس افزایش پیدا کرده) که مطابق قراردادهای نفتی، اگر رژیم پرداخت آنرا تقبل نکند، خریداران نفت خود را از دست خواهد داد، درآمد رژیم از هر بشکه نفت را به میزان چنددلار پائین خواهد آورد. مضافاً بر اینکه برای جلب یا حفظ همان مشتری‌های سابق، رژیم ناچار است تخفیف‌های بیشتری نسبت به گذشته قائل شود و به ارزان‌فروشی خفت‌بار بیشتری

نسبت به گذشته دست بزند. بعید به نظر می‌رسد که علیرغم همه‌ی ترفندهای خائنانه‌ای که رژیم بکار گیرد نتواند در حد همان تولید گذشته، دست به صدور نفت بزند؛ چرا که حداقل چنان مستری‌هایی برای او وجود نخواهد داشت. کما اینکه چند روز بعد از بحرانی شدن وضعیت خلیج فارس، این مسئله، خود را بصورت پائین آمدن صادرات نفت رژیم نشان داد و خطر از دست دادن مشتری‌ها امری بسیار جدی برای رژیم شد.

اواخر اردیبهشت‌ماه، شرکت‌های ژاپنی اعلام کردند که دو اقدام را مورد بررسی قرار داده‌اند: یا اینکه موقتاً واردات نفت را از ایران متوقف کنند و یا به دلیل وضعیت جنگی خلیج فارس و افزایش چشمگیر نرخ بیمه‌ی نفتکش‌ها، نفت ایران را به بهای کمتری خریداری کنند. همچنین وزیر خارجه‌ی ژاپن، در تاریخ ۳۱ اردیبهشت‌ماه اعلام کرد که واردات نفت ژاپن از ایران طی چند ماه گذشته تاکنون کاهش عمده‌ای داشته است.

اوایل همین‌ماه نیز خبرگزاری‌ها به نقل از منابع نفتی گزارش دادند که صادرات نفت رژیم طی یک‌ماه گذشته از ۱/۸ میلیون بشکه در روز به ۸۰۰ هزار بشکه تنزل پیدا کرده است. (۱)

با این توجه، وضعیت اقتصادی متزلزل رژیم در سال ۶۳ بسیار عینی و قابل لمس است. رژیمی که تا یکسال پیش با ۲/۶ میلیارد بشکه نفت صادراتی در روز، قادر نبود همه‌ی هزینه‌های نجومی جنگ و سرکوب خود را تامین کند، حالا با تقلیل صادرات نفت به میزان ۱/۳ میزان سابق چگونه هزینه‌های جنگ میهن‌سوزی را که روزبروز هم افزایش می‌یابد، تامین خواهد کرد؟

اگر در سال گذشته می‌گفتیم که رژیم برای افزایش درآمدهای نفتی خود، امکانات لازم برای افزایش تولید و صدور نفت را در اختیار ندارد، اسامال می‌توان پیش‌بینی

کرد که فروش نفتش، هم نسبت به گذشته و هم نسبت به قدرت تولید رژیم کمتر خواهد شد و اسامال مشکل اساسی رژیم در این زمینه علاوه بر تولید، خریدار نفت و صدور نفت نیز خواهد بود. مگر آنکه اوضاع نظامی و منطقه‌ای به چنان وضعی تغییر کند که پارامترهای بازدارنده‌ی فوق، منتفی شود، که چنین چیزی در چشم‌انداز - با توجه به وضعیت داخلی و بین‌المللی رژیم چه به لحاظ سیاسی و اجتماعی و چه به لحاظ نظامی - بهیچوجه محتمل نیست.

۲ - دلایل اقتصادی: می‌توان یک برآورد نسبی از درآمد نفتی رژیم در سال ۶۳ به عمل آورد تا ظرفیت افزایش درآمد از این منبع روشن گردد.

نخست‌وزیر خمینی درآمد حاصل از نفت در سال ۶۲ را ۲/۰۸۸/۵ میلیارد ریال برآورد کرده بود. (اطلاعات - ۹/آذر/۶۲)

در حالی که در پایان سال ۶۲ درآمد تاراج نفت، حداکثر ۱۸۵۰ میلیارد ریال (آنهم با احتساب ۲ ماه پیش‌فروش نفت از سال ۶۳ که در واقع باید به حساب درآمدهای سال ۶۳ گذاشته می‌شد) بیشتر نشد.

حال که رژیم، وضعیت متزلزل صادرات نفت خود را می‌داند، درآمد صادرات نفت در سال ۶۳ را ۱۸۰۰ میلیارد ریال (با احتساب یک‌ماه پیش‌فروش از سال ۶۲) پیش‌بینی کرده است. (۲)

حال آنکه حتی صرفنظر از مسائل سیاسی و منطقه‌ای که فوقاً برشمردیم، معلوم نیست چنین برآوردی جامعه‌ی عمل ببیند، بویژه آنکه، ۲ ماه از نفت مربوط به سال ۶۳ پیشاپیش به فروش رفته و درآمدهایش به حساب سال ۶۲ گذاشته شده (یعنی هزینه شده است) و برای سال ۶۳ هم یک‌ماه پیش‌فروش از سهمیه‌ی نفت سال ۶۲ در نظر گرفته شده است. (تبصره‌ی ۳۵ لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۶۳) یعنی در واقع درآمد نفتی رژیم در سال ۶۳، درآمد ۱۱ ماه فروش نفت است، که با توجه به اختلافی که بین میزان درآمد مصوب از نفت و عملکرد واقعی سال ۶۲ دیدیم، در سال ۶۳ - حتی صرفنظر از پارامترهای دیگر - نیز تحقق چنین درآمدی امکان‌پذیر نیست.

مصطفی تبریزی خائن یکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی، درباره‌ی افت درآمد واقعی رژیم

(بخصوص در اثر فروش مناقصه‌کارانه) از فروش نفت طی سال‌های گذشته چنین می‌گوید: "در سال ۵۸ که قیمت نفت رسماً ۳۴ دلار بود در سال ۶۲ به ۲۹ دلار رسید و البته ۲۹ دلار رقم رسمی است ..."

اغلب کالاهائی که ما از خارج خرید می‌کنیم از سال ۵۸ تا ۶۳ حداقل ۵۰٪ گران‌تر شده است. بنابراین درست است که ارز دریاقتی ما (فقط) از نفت حدود ۱۴٪ کاهش یافته است، اما قدرت خرید ارزی که بدست آورده‌ایم بیش از ۵۰٪ کاهش یافته است. (تاکید از ماست) او در ادامه و در قسمت دیگری درباره‌ی متضرر شدن رژیم از این بابت می‌افزاید: "کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۶۲ معادل هزینه‌ی جنگی، به اقتصاد ایران ضربه زد و این در واقع تحمیل شدن یک جنگ آرام و بی‌سروصدائی بود که هزینه‌اش برای مردم کمتر از هزینه‌ی جنگ تحمیلی عراق نبود."

(کیهان - ۲۴/بهمن/۶۲)  
 یکی دیگر از نمایندگان خودفروخته‌ی مجلس (مهدی طبیب) نیز درباره‌ی عدم تحقق درآمد پیش‌بینی‌شده‌ی نفت در سال ۶۳ می‌گوید: "... در بودجه‌ی تقدیمی برآوردهای دولت و کمیسیون درآمدها غیرواقعی است. با عنایت به ۱۹۹۶ میلیارد تومان درآمد نفتی پیش‌بینی شده در بودجه‌ی ۶۲ که در پایان سال ۶۲ حداکثر ۱۸۵۰ میلیارد ریال با احتساب ۲ ماه پیش‌فروش بدست خواهد آمد. در لایحه (۶۳)، ۲۰۵۱ میلیارد ریال و در گزارش کمیسیون با یک‌ماه پیش‌فروش ۱۸۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شده که فکر نمی‌کنم بیش از ۱۷۳۵ (میلیارد ریال) تحقق پیدا کند، و ۶۵ میلیارد ریال در اینجا کسری خواهیم داشت" (کیهان - دوشنبه ۱۵/اسفند/۶۲)  
 به این ترتیب و براساس پارامترهایی که برشمردیم، نه تنها رژیم در سال ۶۳ بهیچوجه قادر نخواهد بود از طریق درآمد نفت - حتی در ابعاد کوچک - چیزی از کسر بودجه‌ی خود را جبران نماید، بلکه کاهش شدید درآمد نفت، خود موجب افزایش بیش از پیش کسر بودجه‌ی پیش‌بینی شده خواهد شد.

## "مالیات‌ها"

(در شماره‌ی آینده)  
 پاورقی: ۱ - روزنامه‌ی لوموند مورخ ۲۵ مه برابر با ۴ خردادماه  
 ۲ - این پیش‌بینی مربوط به قبل از تحولات اخیر خلیج فارس می‌باشد.



## پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه آخر

با شما بودند، با شما تماس بگیرند.

✱ قطر - برادر "مجید، ق-ک"؛ نامه‌تان بدستمان رسید و آنرا به مسئولین مربوطه رساندیم. سعی کنید خواهران و برادران هوادار سازمان در آنجا را پیدا کرده و با آنها رابطه برقرار کنید.

✱ آمریکا - خواهر "صدیقه ط"؛ نامه‌ی شما رسید. جهت اقدام مقتضی آنرا به مسئولین مربوطه دادیم. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

✱ فرانسه - برادر "علی - م"؛ عکس‌هایی که از بین جرائد انتخاب و برایمان ارسال کرده بودید، بدستمان رسید. از همکاری شما در این زمینه تشکر می‌کنیم. "مجاهد" را می‌توانید از طریق خواهران و برادران انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه تهیه کنید و یا خود مستقیماً با آبونه شدن، آن را دریافت نمایید.

✱ آلمان - برادر "محمد - ز"؛ گزارش مفصل و دقیق ۶۰ صفحه‌ای شما بدستمان رسید. فکر می‌کنیم که دوران اسارت شما خاطرات و درس‌های گرانبهایی را برایتان همراه داشته است که از تک‌تک آنها، می‌توانید در ارتقاء کار و مبارزه‌ی خود استفاده کنید. گزارش دوران اسارت شما برایمان جالب بود و در فرصت مناسب از آن استفاده خواهیم کرد. منتظر نامه‌ها و گزارشات بعدی شما هستیم.

✱ هلند - برادر "حمیدرضا - آ"؛ نامه‌ی سوم شما و برادران را دریافت کردیم. دو نامه‌ی قبلی‌تان نیز رسیده و در مجاهد شماره‌ی ۲۰۱ خبر رسیدن آنها را داده بودیم. باز هم از همکاری شما متشکریم.

✱ هند - برادر "فرهاد"؛ گروه‌ی و گزارشی را که از یکی از زندان‌های مخفی رژیم در اصفهان فرستاده بودید، بدستمان رسید. چنانچه اطلاعات جدیدی پیرامون آن بدست آوردید، برایمان بفرستید.

✱ آلمان - برادر "حسین"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. سعی خواهیم کرد تا آنجا که مقدورمان باشد خواسته‌ی شما را عملی نمائیم. باز هم برای ما نامه بنویسید.

✱ کویت - برادر "م. ملا"؛ نامه‌ی دوم و سوم شما رسید. توجهتان را به تذکراتی که در "مجاهد" شماره‌ی ۲۰۱ در پاسخ

به نامه‌ی اول شما داده بودیم، جلب می‌کنیم.

✱ آمریکا - برادر "وحید"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. احساس مسئولیتتان در بازگو کردن فعالیت‌های دو مجاهدی که هم‌زیم شما بوده و اخیراً علیرغم محکومیت ۱۵ ساله‌ی خود اعدام شده‌اند، قابل تقدیر است. منتظر دریافت اخبار و اطلاعات دقیق‌تری در مورد شهادت این دو مجاهد خلق از سوی شما می‌باشیم.

✱ استانبول - برادر "T.N.A"؛ نامه‌ی شماره‌ی یک، دو و سه شما رسید و در جریان مشکل شما قرار گرفتیم. اما متأسفانه در آن زمینه، کاری از دستمان بر نمی‌آید. گزارش دوران زندان خود را برایمان بنویسید.

✱ فرانسه - برادر "مهدی - خ"؛ نامه‌ی شما همراه بریده‌های از یکی از روزنامه‌های رژیم که توسط خواهری برای افشای یکی از مزدوران فرستاده شده بود، بدستمان رسید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

✱ دانمارک - برادر "عبدالله - ز"؛ نامه‌ی شما رسید. سعی کنید خواهران و برادران هوادار را در آنجا پیدا کرده و فعالیت خود را با آنان شروع کنید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

✱ آمریکا - خواهر "س - الف"؛ سه نامه‌ی را که از خواهر "سپیده" برایمان پست کرده بودید، دریافت کردیم. از همکاری و احساس مسئولیت شما قدردانی می‌کنیم. در صورت تماس با خواهر سپیده، خبر رسیدن نامه‌های بدست ما را بهایشان بدهید.

✱ پاکستان - برادر "احمد - ر"؛ نامه‌ی شما که حاوی اخباری درباره‌ی گرانی و جنگ بود، بدستمان رسید. چنانچه اخبار جدیدی بدستمان رسید، حتماً برایمان بنویسید.

✱ دوسلدورف - برادر "...؛ نواری که در رابطه با اطلاعات خودتان از مزدوران رژیم پر کرده و برایمان فرستاده بودید، رسید. بهتر بود که متن پیاده شده‌ی نوار را نیز برایمان می‌فرستادید.

✱ فرانکفورت - برادر "R - KH-3K"؛ نامه‌ی شما که حاوی پیشنهاداتتان درباره‌ی شورای ملی مقاومت بود، بدستمان رسید. ولی متأسفانه عکسی که در نامه‌ی خود ذکر کرده بودید، در داخل پاکت نامه‌تان نبود. چنانچه می‌توانید دوباره همان عکس را برایمان بفرستید.

✱ آلمان - برادر "حسین - ت"؛ نامه‌ی شما رسید. از اینکه "مجاهد" دیر بدست شما می‌رسد، ما نیز متأسفیم. نامه‌ی شما را در اختیار مسئولین مربوطه

قرار دادیم، باز هم برای ما نامه بنویسید.

✱ ایتالیا - برادر "مرتضی - R"؛ نامه‌ی شما همراه با نامه‌ی برادر "مهدی" بدستمان رسید. از احساس مسئولیت شما در این زمینه تشکر می‌کنیم. باز هم برای ما نامه بنویسید.

✱ آمریکا - برادر "دالف"؛ گزارشات "م" و "پ" که از تهران برایتان ارسال شده و برای ما فرستاده بودید، رسید. فعالیت اعضای هسته و خود شما در این زمینه قابل تقدیر است. بهتر بود خود شما نیز گزارش کوتاهی از افراد هسته‌ی مزبور برایمان می‌نوشتید.

✱ اسپانیا - برادر "رضا"؛ نامه‌ی شما به ضمیمه‌ی نامه‌ای که فرستاده بودید، رسید. از اخبار آن استفاده خواهیم کرد. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

✱ ترکیه - برادر "محمد رضا - ک"؛ نامه‌ی شما به همراه نامه‌ای که از ایران پست شده بود، بدستمان رسید. نامه‌ی مزبور را به فردی که خواسته بودید، رساندیم.

✱ سوئد - برادر "ناصر - م"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. احساس مسئولیتی که در قبال صفحات "مجاهد" می‌کنید، متشکریم؛ اما در نظر داشته باشید که ضرورت‌های سیاسی ایجاب می‌کند که به مسائلی از قبیل آنچه که اشاره کرده بودید، بپردازیم.

✱ آمریکا - خواهر "آذر - م"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. باز هم برایمان نامه بنویسید.

✱ دوی - برادر "A-R-Z"؛ نامه‌ی شما که حاوی زندگینامه‌ی مجاهدین شهید بیژن و منوچهر زنگویی بود، رسید. آدرس دقیق و شماره - تلفن خود را برایمان بنویسید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

✱ انگلستان - برادر "علی - الف"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. نامه‌ی نیز در گذشته از شما بدستمان رسیده بود. احساس مسئولیت و دقت شما در مورد مسائل سیاسی و تشکیلاتی مربوط به سازمان قابل تقدیر است. از مطالبی که فرستاده بودید، استفاده خواهیم کرد. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

✱ ایتالیا - خواهر یا برادر "۱۶۳۸-۰۷۰"؛ نامه‌ی شما به ضمیمه‌ی نامه‌ی مجاهد شهید "صادق" و سند مربوط به جنایات رژیم در زندانها، بدستمان رسید. متأسفانه آدرس و شماره تلفن خود را نداده بودید تا بتوانیم با شما تماس بگیریم. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

✱ ایتالیا - برادر "ایوب - م"؛ نامه‌ی دوم شما که حاوی

گزارش دستگیری و بازجویی‌تان بود، بدستمان رسید. ما نیز خوشحالیم که شما در ارتباط با تشکیلات انجمن در جایی که هستید، فعالیت می‌کنید. منتظر اخبار و گزارشات بعدی شما هستیم.

✱ آلمان - برادر "شفق"؛ نامه‌ی گلایه‌آمیز شما بدستمان رسید. جهت پی‌گیری مسئله، آنرا به مسئولین رساندیم.

✱ وین - برادر "مجید"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. ضمن تشکر از احساس مسئولیت انقلابی شما در مقابل شهادی خلق، یادآوری می‌کنیم که براساس آنچه که در نامه‌ی خود نوشته بودید، نمی‌توان برادر "م. م" را قطعاً شهید اعلام کرد؛ و از آنجا که اعلام نام او در صورت زنده بودنش، ممکنست برای خود وی مسئله ایجاد کند، بهتر است که شما تحقیقات کافی پیرامون مسئله بکنید و پس از اطمینان ما را نیز در جریان قرار دهید.

✱ آلمان غربی - برادر "B. D"؛ نامه‌ی شما بدستمان رسید. بهتر بود که نام و مشخصات شهادتی را که نام برده بودید، براساس نمونه‌ی کارت‌ی که در مجاهد شماره‌ی ۱۶۸ چاپ گردیده پر کرده و اطلاعات خود را تماماً برایمان می‌نوشتید. در سایر زمینه‌ها نیز اطلاعات خود را مفصلاً برایمان بنویسید.

✱ آلمان - خواهر و برادری که با کد "آفریقا..." برایمان نامه نوشته‌اید؛ نامه‌های شما بدستمان رسید. لازم به تذکر می‌دانیم که با توجه به اینکه شما از آلمان - یعنی کشوری که رژیم توان کنترل نامه‌ی شما را ندارد - برایمان نامه می‌نویسید، رعایت ضوابط امنیتی، آنچنان که شما در نامه‌هایتان کرده‌اید، ضرورتی ندارد. بهتر است گزارش دقیق و روشنی از سوابق خود برایمان بنویسید و از پیچیدگی غیر ضروری در این زمینه خودداری کنید.

✱ آمریکا - برادر "گاوه - آ"؛ نامه‌ی شما همراه با سندی که برای بخش آرشیو "مجاهد" فرستاده بودید، بدستمان رسید. ضمن قدردانی از احساس مسئولیت شما، لازم به یادآوری می‌دانیم که اسناد و مدارکی را که در اختیار دارید، می‌توانید مستقیماً برای ما به آدرس‌های اعلام شده در نشریه‌ی "مجاهد" بفرستید و یا به خواهران و برادران انجمن دانشجویان مسلمان بدهید.

✱ آمریکا - برادر "علی"؛ کتابی را که جهت تکمیل بخش آرشیو "مجاهد" فرستاده بودید، رسید. ضمن تشکر از شما، برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.



## اطلاعیه واحد تحقیق شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران

از آنجا که در آستانه فرارسیدن بیستمین سالروز بنیانگذاری سازمان مجاهدین خلق ایران، دومین سری از لیست اسامی شهدای انقلاب نوین ایران منتشر خواهد گردید، لذا واحد تحقیق مجدداً از عموم هموطنان مبارز، نیروها، احزاب و سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه و نیز از کلیه اعضای هسته‌های مقاومت و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، تقاضا می‌کند که هرگونه اطلاعی درباره‌ی اسامی و مشخصات شهدای جاودان راه‌رهایی خلق‌مان در اختیار دارند، به هر طریق ممکن، در اختیار واحد تحقیقات قرار دهند. همچنین ضمن تشکر از صدها تن از هموطنانی که پس از انتشار لیست بخشی (۷۷۴۶ تن) از شهدای انقلاب نوین ایران در شهریورماه سال گذشته تاکنون، از طریق نامه و با فرستادن عکس، زندگینامه، وصیتنامه و ... اطلاعات با ارزشی در اختیار واحد تحقیقات قرار داده و کمک‌های ذیقیمتی در جهت هرچه کامل‌تر شدن آرشیو اسناد و مدارک پرچمداران انقلاب نوین خلقمان نموده‌اند، تقاضای کنیم: ۱- اطلاعات خود را حتی‌الامکان بر روی فرم‌های مخصوص "شناسنامه‌ی شهدا" که کلیشه‌ی هر دوروی آن را در همین شماره ملاحظه می‌کنید، بنویسید. ۲- علاوه بر محورهای درج شده در "شناسنامه" هرگونه اطلاعی از وضعیت

شناسنامه شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران  
و دیگر سازمانها و گروه‌ها در رژیم خمینی

حزب:	شماره:					
نام خانوادگی:	نام:	نام پدر:				
تاریخ تولد (س):	محل تولد:	تاریخ شهادت:	محل شهادت:	نوع شهادت:	محل شهادت:	محل تولد:
روز:	ماه:	سال:	روز:	ماه:	سال:	روز:
شماره پرونده:	کد:					

ملاحظات:

روی کارت

اطلاعات تکمیلی

محل دفین:	اعلان خبر شهادت توسط رژیم:	نام مستعار:	شهادت قابل پیگیری:	مشخصات ویژه:
محل دفین:	محل دفین:	محل دفین:	محل دفین:	محل دفین:
محل دفین:	محل دفین:	محل دفین:	محل دفین:	محل دفین:

مدارک موجود در بارهای شهید:	مشخصات فرزند شهید:		
مدارک:	نام:	تاریخ تولد (س):	محل تولد:
مدارک:	نام:	تاریخ تولد (س):	محل تولد:

پشت کارت

ضدبشری خمینی را برای همیشه از بن بسوزانند و نهال آزادی را در سراسر ایران و خودمختاری در کردستان را برجای فرو نشانند. ما ضمن تسلیم و اظهار همدردی با مردم مقاوم کردستان و پیشمرگان دلیر و دوستان دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران و بویژه خانواده‌های این عزیزان، یکبار دیگر سوگند تمامی رزمندگان و پیشمرگه‌های مجاهد خلق را تکرار می‌کنیم

مجاهدین خلق ایران  
مرکز کردستان  
۵/ خرداد/ ۶۳

## شهادت کاک عبدالله بهرامی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

بنابه گزارشات رسیده، در جریان تهاجم وحشیانه‌ی مزدوران خمینی جلاد در جنوب کردستان در تاریخ ۲۸ اردیبهشت‌ماه سال جاری، کاک عبدالله بهرامی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران همراه با چند تن از پیشمرگان دلیر حزب، پس از یک مقاومت قهرمانانه به شهادت رسیدند. "مجاهد" ضمن تسلیم و اظهار همدردی با هموطنان عزیز کرد و کلیه پیشمرگان دلاور حزب و کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، توجه خوانندگان عزیز را به قسمت‌هایی از اطلاعاتی کمیته مرکزی حزب و همچنین پیام تسلیم مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان در همین رابطه جلب می‌کند:

### قسمت‌هایی از اطلاعات کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت شهادت کاک عبدالله بهرامی عضو کمیته مرکزی حزب

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران با اندوه فراوان شهادت رفیق رزمنده‌ی خستگی‌ناپذیر عبدالله بهرامی عضو کمیته مرکزی را به اطلاع می‌رساند. رفیق مبارز و برجسته‌ی ما همراه با ۳ نفر از پیشمرگان دلاور حزب به نام‌های انور شیلانان، محمد رامی و سپهراندام در جریان هجوم گسترده‌ی اخیر لشکریان خمینی در جنوب کردستان در روز ۲۸ اردیبهشت‌ماه شهید شد و بدین ترتیب حزب دمکرات کردستان یکی از فرزندان قهرمان و یکی از رهبران شایسته‌ی خود را از دست داد. رفیق عبدالله بهرامی به علت شایستگی و ایمان به راه حزب و آمادگی برای انجام وظایف دشوار مسئولیت، در کنگره‌ی پنجم به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید؛ در

کمیته مرکزی  
حزب دمکرات کردستان ایران  
سوم / خردادماه / ۶۳

\* \* \*

## قسمت‌هایی از پیام تسلیم مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

## به حزب دمکرات کردستان ایران

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که در جریان تهاجم وحشیانه‌ی مزدوران خمینی جلاد در جنوب کردستان در ۲۸ اردیبهشت‌ماه سال جاری، یکی از فرزندان دلاور خلق گرد، عبدالله بهرامی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران همراه با چند تن از پیشمرگان دلیر حزب، پس از مقاومت قهرمانانه و وارد آوردن ضربات جانانه به مزدوران دشمن ضدبشری به شهادت رسیده و خون پاکشان را در راه آرمان مقدس خودمختاری کردستان نثار کردند. بدون تردید با شهادت این عزیزان، عزم و اراده‌ی خستگی‌ناپذیر خلق و پیشمرگان قهرمانی که اراده‌ی آزادی کرده‌اند، صیقل خواهد خورد و با استواری بیشتر و گینه‌ای بس عمیق‌تر، شعله‌های سرکش مقاومت را فروزان‌تر خواهد نمود. تار ریشه‌های فاسد ظلمت و تباهی رژیم ددمنش و

انقلاب: صلح، صلح، آزادی

ارتجاع: جنگ، جنگ، اختناق



## نگاهی بدینوسدها و کسدها

## روابط، همکاری و همسوئی عملی رژیم خمینی با اسرائیل

بقیه از صفحه آخر

بی‌پناه لبنان و رزمندگان فلسطینی، همچنین سیاست‌های جنگ طلبانه‌ی خمینی (که مورد حمایت اسرائیل است) آنهم با شعار دجالگرانه‌ی "راه قدس از گریلا می‌گذرد"، مضافاً بر بی‌اعتنائی‌ها و موضعگیری‌های رژیم خمینی بر علیه قطعنامه‌ها و پیشنهادات مجامع و سازمانهای بین‌المللی، همه و همه، زمینه‌های عینی و مادی "همسوئی" و "همکاری" بین رژیم خمینی و اسرائیل را فراهم نموده است. بی‌جهت نیست که علیرغم شعارهای پرطمطراق سردمداران رژیم خمینی بر علیه "صهیونیسم" و "رژیم اشغالگر قدس" و "و خیمه‌شب‌بازی‌هایی از قبیل اعلام "روز آزادی قدس" و...، مقامات اسرائیل همکاری خود با رژیم خمینی را یک "همکاری استراتژیک" نامیده و نخست‌وزیر رژیم اسرائیل با صراحت کامل از اینکه "جنگ ایران و عراق موجب مستحکم‌تر شدن موقعیت اسرائیل در منطقه گردیده" اظهار خشنودی و رضایت نموده است. علاوه بر آن، اقرارهای پیاپی مقامات اسرائیل مبنی بر تحویل سلاح به رژیم خمینی، با هدف اعلام شده‌ی "جلوگیری از شکست خمینی در جنگ با عراق"، دامنه‌ی همکاری‌ها و اشتراک منافع عملی این دو رژیم را بیشتر و بهتر به اثبات می‌رساند.

حال با توجه به توضیحات فوق، بخوبی می‌توان دریافت که حمایت‌ها و اظهار همدردی‌هایی که از جانب اسرائیل، خصوصاً نسبت به مواضع جنگ‌افروزان رژیم خمینی به عمل می‌آید و بعضاً با خط و ربط دادن‌های زیرکانه و مودیانه‌ای نیز برای پشتگرمی خمینی همراه می‌باشد؛ نه از سر تصادف و اتفاق بلکه چنانکه خود مقامات رژیم "صهیونیستی" نیز صریحاً بیان کرده‌اند، براساس "منافع مشترک" آنها تنظیم گردیده و بر همین اساس هم بوده و هست که طرفین "زبان" یکدیگر را بخوبی فهمیده و در مقاطع گوناگون پاسخ‌های عملی مناسب نیز به یکدیگر داده‌اند.

اینک به گوشه‌ای از اخبار، گزارشات و اظهارنظرهای مقامات رژیم‌های خمینی و اسرائیل در این رابطه توجه کنید:

\* خمینی (اطلاعات - ۲۶/تیر/۶۱): "در سوق‌های تبلیغاتی و مطبوعات در خدمت ابرقدرت‌ها پشتیبانی اسرائیل از ایران را با دروغ شاخدار بهانه می‌کردند."  
\* رفسنجانی (اطلاعات - ۲۸/تیر/۶۱): "یکی از اهداف ما (از حمله به داخل خاک عراق) گشودن راه قدس و یکپارچه کردن جبهه‌ی شرقی جنگ با اسرائیل است."  
\* منتظری (کیهان - ۱۶/تیر/۶۲): "جنگ با عراق مسئله‌ی اساسی ماست و حرکت به جبهه به مقدار کفایت بر همه واجب است و رزه‌ندگان ما در جبهه‌ها بدانند که راه قدس برای ما از گریلا می‌گذرد."  
\* رفسنجانی (کیهان - ۱۸/تیر/۶۲): "یکی از کارهای خیلی جالبی که امام در روزهای اول و هفته‌ها و ماههای اول انقلاب فرمودند، اعلام روز جهانی قدس بود ... که روز

معینی را در ماه رمضان برای قدس بیت‌المقدس معرفی فرمودند."  
\* صیاد شیرازی فرماندهی نیروی زمینی (اطلاعات - ۲۵/تیر/۶۲): "در دورنمای مبارزاتمان دشمن بزرگی بنام اسرائیل در پیش داریم ... پس از پیروزی نهائی ما و متزلزل شدن حکومت‌های غیرخدائی، اسرائیل غاصب در یک محاصره‌ای قرار می‌گیرد که یا باید تسلیم شود و یا از راه دریای مدیترانه فرار نماید."  
\* صاحب‌های مطبوعات (نخست‌وزیر رژیم خمینی (کیهان - ۱۵/تیر/۶۲): "خبرنگار: در زمینه‌ی تهیه‌ی سلاح برای ادامه‌ی جنگ آیا ایران کمبودهایی نداشته است؟  
موسوی: در درجه‌ی اول ما این امر را از بازار آزاد تهیه می‌کنیم، همچنین ما از طریق نیروهای که به آنها اطمینان داریم، اقدام به تهیه‌ی برخی

از تجهیزات نیز می‌نمائیم."  
\* آریل شارون (وزیر دفاع سابق اسرائیل) لیبراسیون - ۲۹/سپتامبر/۸۳ - ۷/مهر/۶۳): "ما در زمان شاه به ایران سلاح تحویل دادیم. پس از آن، تحویل سلاح‌ها با موافقت آمریکا ادامه پیدا کرد."  
\* روزنامه‌ی آلمانی فرانکفورتر الکمانیه (۱۷/مارس/۸۴ - ۲۷/اسفند/۶۲): "دولت اسرائیل در نظر دارد در تابستان آینده ۲۵۰ عدد توپ بدون "لگد" به ایران تحویل بدهد که توپ‌های ضدتانک ۱۳۶ میلیمتری که با جواز آمریکا در اسرائیل تولید می‌شود را نیز شامل می‌گردد. این نوع توپ‌ها تاکنون در سال ۱۹۸۲ توسط اسرائیل به ایران تحویل داده شده است."  
\* رادیو اسرائیل (۱۵/مه/۸۴ - ۲۵/اردیبهشت/۶۳): "وزیر دفاع پیشین اسرائیل آریل شارون تأیید کرد که اسرائیل در گذشته به ایران اسلحه فروخته است. شارون که هم‌اکنون سمت وزیر مشاور در کابینه‌ی اسرائیل را به‌عهده دارد، طی سخنرانی در کنفرانسی در آمریکا، ضمن اظهار این مطلب تأکید کرد که فروش اسلحه‌ی اسرائیلی به ایران با اطلاع قبلی آمریکا صورت گرفته است. شارون خاطرنشان ساخت که این اقدام سال‌ها پیش به‌عمل آمده و علل متعدد داشته که یکی از آنها جلوگیری از پیروزی عراق در جنگ بوده است. وی گفت امکان فراهم ساختن پیروزی عراق در جنگ یکی از بزرگترین اشتباهات سیاسی می‌باشد."  
\* موسوی نخست‌وزیر رژیم خمینی در مصاحبه با مجله‌ی عربی الخلیج (اطلاعات - ۱۴/شهریور/۶۲): "سوال: هنوز عده‌ای ادعا می‌کنند که شما از اسرائیل اسلحه دریافت می‌کنید آیا دلیلی بر عدم این ادعا دارید؟  
نخست‌وزیر: این ما نیستیم که باید از ما دلیل مطالبه شود، زیرا ما چیزی را مدعی نشده‌ایم تا بخواهیم با دلیل آنرا ثابت کنیم. بلکه دشمنان ما هستند که ما را متهم می‌کنند."  
\* نخست‌وزیر رژیم خمینی در باصطلاح کنگره‌ی آئمه‌ی جمعه (اطلاعات - ۱۷/اردیبهشت/۶۳): "میرحسین موسوی در پاسخ سؤالی پیرامون شایعه‌ی خریدن سلاح از اسرائیل توسط جمهوری اسلامی ایران گفت: این تبلیغات خارجی است که دو، سه سال است عُلَم کرده‌اند و هدف از آن منزوی کردن ماست برای اینکه ما را در برابر مسلمانان بدانم کنند."

\* رادیو اسرائیل (۲۸/سپتامبر/۸۳ - ۶/مهر/۶۲): "جلادان بغداد ... هرگز آمار دقیقی از تعداد اسیران ایرانی انتشار نداده و در حالیکه طبق برآورد مقامات آگاه، در حدود ۱۵ هزار ایرانی در اسارت عراق بسر می‌برند، فقط اسامی ۶۷۰۰ نفر آنها در اختیار صلیب سرخ قرار گرفته و از سرنوشت دیگران هیچگونه خبری در دست نیست و اصولاً عراق وجود آنها را انکار می‌کند. بسیاری از این باصطلاح اسیران ایرانی کشاورزان بیگناه و بخت‌برگشته‌ای هستند که هنگام کار در صحرا به محاصره‌ی نیروهای عراقی درآمده‌اند."  
\* رادیو اسرائیل (۶/فوریه/۸۴ - ۱۷/بهمن/۶۲): "از نظر اخلاقی، سیاسی و بین‌المللی عراقی‌ها در گذشته با بمباران کردن دهها شهروند شهرستان ایران ثابت کردند که هرگز برای جان و مال شهروندان ایرانی ارزشی قائل نبوده و نیستند ..."  
\* رادیو اسرائیل (۱۳/فوریه/۸۴ - ۲۴/بهمن/۶۲): "هواپیماهای "سوپراتاندر" عراق، موشک‌های "گزوست" خود را بسوی تاسیسات پتروشیمی بندرشاهپور که بیش از ۲ میلیارد دلار در آن سرمایه‌گذاری شده نشانه می‌روند."  
\* رادیو اسرائیل (۱۲/مارس/۸۴ - ۲۲/اسفند/۶۲): "عراق به این نتیجه رسیده بود که با سلاح‌های متعارف قادر به سد کردن امواج خروشان نیروهای انسانی ایران در هجوم به سرزمین خویش نمی‌باشد ولی در آن ایام هیچ مرجع بین‌المللی اتهامات ایران را در این مورد جدی نگرفت و تقاضاهای مکرر دولت تهران برای اعزام یک هیئت تحقیقاتی بین‌المللی بدون پاسخ ماند."  
\* روزنامه‌ی اسرائیلی یدیوت آهارنوٹ (۲/آوریل/۸۴ - ۱۳/فروردین/۶۳): "اگر قضا یا را با واقع‌بینی مورد سنجش قرار دهیم، اورشلیم و تهران در منطقه دارای مصالح استراتژیک مشترک می‌باشند حقیقت آنست که رژیم عراق بود که ایران را مورد حمله قرار داد و جنگ را آغاز کرد بامید آنکه پیروزی آسان و سریعی بدست آورد، ولی از تصمیم شورای امنیت بر می‌آید که برای ظالم و مظلوم وضارب و مضروب یک حکم وجود دارد و اینست عدالت به سبک سازمان ملل متحد."  
\* رجائی خراسانی نماینده‌ی رژیم خمینی در سازمان ملل متحد (کیهان - ۱۴/فروردین/۶۳): "در بیانیه‌ای که از سوی شورای امنیت تهیه شده ... بنحوی با مسئله روبرو شده‌اند که همیشه انجام می‌دادند و مجرم و مظلوم

را بایک زبان مورد خطاب قرار داده‌اند و این امری تاسف‌بار است ولی از شورای امنیت که ما می‌شناسیم نباید انتظاری بیش از این داشت."  
\* رادیو اسرائیل (۱۱/آوریل/۸۴ - ۲۲/فروردین/۶۳): "سفیر اسرائیل در آمریکا گفت اگر اسرائیل سه سال پیش گوروی اتمی بغداد را بمباران نمی‌کرد بعید نبود که اکنون عراق بمب اتمی خود را علیه ملت ایران بکار می‌برد. سفیر اسرائیل در واشنگتن از سکوت برخی از کشورهای جهان نسبت به کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران ابراز شگفتی کرد و گفت جای تعجب است که حتی شورای امنیت سازمان ملل نیز صلاح ندانست نام عراق را صریحاً در قطعنامه‌ی خود ذکر کند."  
\* رادیو اسرائیل (۲۸/مه/۸۴ - ۷/خرداد/۶۳): "بغداد که از ادامه‌ی جنگ در مانده شده و رژیم تهران را مصمم می‌بیند که به‌تیرد ادامه دهد، پس از آنکه در به‌موشک بستن شهرها و نواحی غیرنظامی ایران ... بمنظور بازداشتن سران حکومت اسلامی از ادامه‌ی جنگ بی‌نتیجه ماند و بعد از آنکه نتوانست شعارهای از بالا تنظیم شده‌ی "جنگ، جنگ تا پیروزی" را در گلوئی پاسداران دولتی و بسیج‌شدگان جبهه‌ها خفه کند، به‌آخرین برگ برنده‌ی خود یعنی حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های عازم ایران متوسل شد تا بدینسان موجب قطع جریان نفت شود و درآمد ارز خارجی ایران را متوقف سازد تا شاید به‌این وسیله ماشین جنگی رژیم اسلامی از کار بیفتد."  
\* رادیو اسرائیل (۲۸/مه/۸۴ - ۷/خرداد/۶۳): "صدام حسین از پشتیبانی روزافزون شرق و غرب یکجا برخوردار می‌گردد و رسانه‌های گروهی جهان از او چهره‌ای معصوم می‌سازند و او را قربانی خمینی قلمداد می‌کنند ... این در حالیست که خمینی را بصورت شیطان روی زمین معرفی می‌کنند."  
\* رادیو اسرائیل (۲۹/مه/۸۴ - ۸/خرداد/۶۳): "نخست‌وزیر اسرائیل اسحق شمیر گفت جنگ ایران و عراق و شکاف فزاینده در جهان عرب موجب گردیده که موقعیت اسرائیل در منطقه مستحکمتر گردد، شمیر گفت نزاع اعراب و اسرائیل اکنون در برابر جنگ دیوانه‌وار ایران و عراق بسیار کم اهمیت جلوه می‌کند و اکنون همه فراموش کرده‌اند که این جنگ توسط عراق آغاز گردید و ایران قربانی تجاوز بود. شمیر در پایان تأیید کرد که بین اسرائیل و ایران نوعی همکاری استراتژیک وجود دارد که هدف آن باز داشتن کشورهای عرب به دست‌اندازی علیه اسرائیل است"



## دیدار عضو هیئت اجرایی و دبیر ملی حزب سوسیالیست فرانسه با مسئول شورای ملی مقاومت



آقای دیدیه موجان در دیدار با برادر مجاهد مسعود رجوی

است که به محض شروع سرکوب و تحدید آزادی‌ها در ایران، بر علیه نقض حقوق دمکراتیک مردم ایران موضعگیری نمود. وی ۲۰ سال پیش وابسته‌ی اقتصادی فرانسه در ایران بوده و از مطلع‌ترین رهبران سوسیالیست فرانسوی نسبت بقیه در صفحه‌ی ۲

اوضاع ایران و وضعیت مقاومت ایران گفتگو نمود. آقای موجان، دبیر ملی حزب سوسیالیست فرانسه و عضو هیئت اجرایی این حزب و در عین حال نایب‌رئیس کمیسیون امور سیاسی پارلمان اروپا می‌باشد. دیدیه‌موجان از نخستین شخصیت‌های سوسیالیست

هفته‌ی گذشته آقای دیدیه‌موجان، تئوریسین جناح چپ حزب سوسیالیست فرانسه که C.E.R.E.S (مرکز مطالعات و تحقیقات درباره‌ی اقتصاد و سوسیالیسم) نامیده می‌شود، با مسئول شورای ملی مقاومت ایران دیدار و با او به تفصیل پیرامون

### نگاهی بدو نوشتند ما و کفنه‌ها

## روابط، همکاری و همسوئی عملی رژیم خمینی با اسرائیل

علاوه بر روابط گسترده و مستمر رژیم خمینی با دولت اسرائیل که تاکنون جریان چند فقره از مهمترین معاملات و قراردادهای تسلیحاتی بین این دو رژیم، توسط سازمان مجاهدین خلق ایران افشاء گردیده است، رژیم‌های خمینی و اسرائیل در عرصه‌ی سیاسی نیز همواره مواضع مشترک و مکملی اتخاذ کرده و در عمل به یاری یکدیگر شتافته‌اند. سیاست‌های خائنانه‌ی رژیم خمینی بر علیه انقلاب فلسطین، خصوصا در جریان حملات ارتش اسرائیل به مردم بقیه در صفحه‌ی ۲۷

## پاسخ به نامه‌های رسیده

کرده‌ایم، اما هنوز نامه‌های متعددی بدستمان می‌رسد که حاوی گزارشات و نمونه‌هایی از کارهای خواهران و برادران ما در این رابطه می‌باشد. این مسئله از یک سو برای ما خوشحال کننده است، زیرا وسعت و گسترش بقیه در صفحه‌ی ۲۵

خواهران و برادران عزیز؛ هر چند که اکنون مدتی است از فعالیت هسته‌های مقاومت سراسری در رابطه با تحریم انتخابات فرمایشی رژیم می‌گذرد؛ و هر چند که ما تاکنون طی چند گزارش مفصل گوشه‌هایی از این فعالیت‌ها را منعکس

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:  
انگلستان  
BM BOX 9090  
LONDON  
WCIN 3XX  
ENGLAND

اتریش  
Pf:6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان  
Pf.: 800552  
5\_Köln 80  
W\_Germany

فرانسه  
B.P 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید:

B.P.18 95430  
AUVERS-SUR-OISE  
FRANCE  
فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آن را به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان  
Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

از خارج فرانسه  
BANK SOCIETE GENERAL  
N°:58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002  
در داخل فرانسه  
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم میهنان!  
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آبنه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه  
A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE  
Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_  
بهای اشتراک:  
 سه ماهه  
 شش ماهه  
 یکساله  
معادل ۱۲ دلار  
۲۳ دلار  
۴۴ دلار

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهائی بخش عمومی